

به نام خداوند بخشنده مهربان



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح پژوهشی
بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی
پایان نامه ها و رساله های دانشجویی در ایران

مجری
صفر بیگ زاده

همکار
بهروز رسولی

آذر ۱۳۹۵

حق نشر

حقوق: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

طرح «بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در ایران» پیرو قرارداد شماره ۳۳/۱۱۰۰۳ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۳۰ میان پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (کارفرما) و دکتر صفر بیگ‌زاده (مجری) اجرا شده است. گزارش حاضر از مستندات این طرح است.

این گزارش و تمامی حقوق مادی آن بر اساس «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، مصوب سال ۱۳۴۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن و همچنین آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون متعلق به پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است و هر گونه استفاده از تمامی یا پاره‌ای از آن، شامل: نقل قول، تکثیر، انتشار، کاربرد نتایج، تکمیل و مانند آنها به صورت چاپی، الکترونیکی یا وسایل دیگر فقط با اجازه کتبی پژوهشگاه امکان‌پذیر است. نقل قول در حد هزار واژه در انتشارات علمی مانند کتاب و مقاله با درج اطلاعات کامل کتابشناختی، نیازی به مجوز پژوهشگاه ندارد.

صحت مندرجات گزارش برعهده مجری طرح است.

شماره: ۳۳/۱۲۲۶۱
تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۰۵
ندارد
پیوست:

به نام خدا

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
ایرانداک



پژوهش، مدیریت دانش، آموزش

گواهی

انجام طرح پژوهشی با مشخصات زیر:

- ◇ عنوان: بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان نامه ها و رساله های دانشجویی در ایران
- ◇ مجری: دکتر صفر بیگ زاده
- ◇ همکار: بهروز رسولی
- ◇ شماره قرارداد: ۳۳/۱۱۰۰۳
- ◇ تاریخ قرارداد: ۱۳۹۴/۹/۳۰
- ◇ تاریخ شروع: ۱۳۹۴/۹/۳۰
- ◇ تاریخ پایان: ۱۳۹۵/۹/۲۸
- ◇ ناظر: دکتر محمد هادی میرشمسی

در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران گواهی می شود. گزارش نهایی این طرح به تأیید ناظر گرامی طرح رسیده و در نشست ۲۲۸ (مورخ ۱۳۹۵/۹/۳۰) به تصویب شورای پژوهشی پژوهشگاه رسیده است. لازم می دانم مراتب قدردانی خود را به مجری و همکار این طرح تقدیم دارم.

با سپاس
بهزاد دوران
معاون پژوهش

بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان نامه ها و رساله های دانشجویی در ایران

مدیر طرح پژوهشی: صفر بیگزاده، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، تقاطع فلسطین، شماره ۱۰۹۰

صندوق پستی: ۱۳۱۸۵ - ۱۳۷۱

وبگاه: <http://irandoc.ac.ir>

رایانامه: Beigzadeh@irandoc.ac.ir

همکار اصلی: بهروز رسولی، دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران

(ایرانداک)، rasouli@students.irandoc.ac.ir

چکیده

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی از مهم‌ترین برآوردهای پژوهشی فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها هستند. اگرچه ایده اصلی در پایان‌نامه و رساله دانشجویی به طور معمول مربوط به دانشجو است، اما گروه راهنمایی و مؤسسه‌های آموزش عالی نیز می‌توانند در پروراندن و تکمیل ایده، و سرانجام در نگارش آن نقش داشته باشند. با این حال، مسأله اصلی که به نظر می‌رسد هنوز به آن توجه نشده، حقوق مادی و معنوی هر کدام از این افراد یا نهادهایی است که در تدوین و تکمیل این آثار نقش دارند. در این مطالعه سعی خواهد شد این مسئله با رویکرد حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. حقوق مالکیت فکری از زیرساخت‌های گردآوری، سازمان‌دهی، و اشاعه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی است و لذا ضرورت پژوهش در این زمینه اجتناب‌ناپذیر است. هدف کلی این پژوهش بررسی و مطالعه تطبیقی بنیان‌های قانونی حق مادی و معنوی مالکیت فکری بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در ایران و برخی کشورهای صاحب‌نام در این باره (ایالات متحده و کانادا) است. رویکردی که برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش انتخاب شده، رویکرد کیفی است، و روش پژوهش «تحلیل اسناد» خواهد بود. با توجه به آنکه نگارش پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در بیشتر نظام‌های آموزش عالی در کشورهای گوناگون از ملزومات فارغ‌التحصیلی دانشجویان است، در نتیجه جامعه تحت بررسی این پژوهش شامل قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، و شیوه‌نامه‌های مرتبط با کپی‌رایت، به ویژه درباره پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران و کشورهای ایالات متحده و کانادا می‌شود. این پژوهش پیوند مستقیمی با تمامی افراد و نهادهایی دارد که به نوعی در تدوین، تکمیل، انتشار، و بهره‌برداری از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان نقش دارند. مضافاً اینکه در مورد چاپ انتفاعی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی و تعیین حقوق مادی و معنوی مربوط راهگشا خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: حقوق مالکیت فکری؛ کپی‌رایت؛ حق مادی و معنوی؛ آموزش عالی؛ تحصیلات تکمیلی؛ پایان‌نامه و رساله دانشجویی، ایران، کانادا، ایالات متحده.

فهرست نوشته‌ها

عنوان	شماره صفحه
چکیده	أ
فهرست نوشته‌ها	ب
سپاس‌گزاری	ج
۱. فصل نخست: کلیات پژوهش	۲
۱-۱. مقدمه	۷
۲-۱. بیان مسئله	۹
۳-۱. اهداف پژوهش	۹
۴-۱. پرسش‌های پژوهش	۱۰
۵-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش	۱۰
۶-۱. روش‌شناسی پژوهش	۱۱
۷-۱. تعریف مفاهیم	۱۳
۲. فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته‌ها	۱۷
۱-۲. مقدمه	۱۷
۲-۲. بخش اول: حقوق مالکیت فکری	۱۸
۲-۲-۱. مفهوم و تاریخچه حقوق مالکیت فکری	۱۹

۲۲.....	۲-۲-۲. کپی رایت
۲۴.....	۳-۲-۲. کپی رایت از چه آثاری حمایت می‌کند؟
۲۸.....	۴-۲-۲. انواع حقوق در کپی رایت
۳۱.....	۵-۲-۲. حقوق انحصاری در کپی رایت
۳۵.....	۳-۲. بخش دوم: پایان‌نامه و رساله‌های دانشجویی
۳۵.....	۱-۳-۲. تعریف پایان‌نامه و رساله
۳۸.....	۲-۳-۲. کمیته پایان‌نامه و رساله
۴۰.....	۳-۳-۲. نقش دانشگاه در پایان‌نامه و رساله
۴۲.....	۴-۳-۲. انتشار پایان‌نامه و رساله
۴۵.....	۴-۲. مرور نوشته‌ها
۵۱.....	۳. فصل سوم: روش‌شناسی پژوهش
۵۱.....	۱-۳. رویکرد پژوهش
۵۲.....	۲-۳. روش پژوهش
۵۵.....	۳-۳. جامعه و نمونه پژوهش
۵۷.....	۴-۳. ابزار گردآوری اطلاعات: اسناد
۵۹.....	۴. فصل چهارم: یافته‌های پژوهش و بحث
۵۹.....	۱-۴. مقدمه
۶۰.....	۲-۴. اطلاعات جمعیت‌شناختی
۶۰.....	۱-۲-۴. ایالات متحده
۶۳.....	۲-۲-۴. کانادا
۶۵.....	۳-۲-۴. ایران
۶۵.....	۳-۴. مالکیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در «ایالات متحده» و «کانادا»
۶۶.....	۱-۳-۴. حقوق معنوی
۷۰.....	۲-۳-۴. حقوق مادی

۴-۴. مالکیت پایان نامه ها و رساله ها در ایران	۸۱
۴-۴-۱. حقوق مادی	۸۲
۴-۴-۲. حقوق معنوی	۹۶
۵. فصل پنجم: جمع بندی	۹۹
۶. فهرست منابع	۱۰۵

سپاس‌گزاری

تکمیل این طرح پژوهشی مرهون مشارکت و رهنمودهای افرادی است که بدون کمک آنها انتشار اثر حاضر ممکن نبود؛ از این رو، بر خود وظیفه می‌دانیم از همه آنان قدردانی کنیم. دکتر «رضا رجبعلی بیگلو» و سرکار خانم «مریم خسروی» از پژوهشگرانی بوده‌اند که ما را در دسترسی به منابع یاری کرده‌اند و از ایشان سپاس‌گزاریم.

فصل نخست

کلیات پژوهش

۱. فصل نخست: کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

نگارش علمی و ادبی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر برای انتشار افکار و ایده‌های نو در طول سالیان گذشته و به‌ویژه در چند سده اخیر بوده است. بخش بزرگ این نوشته‌های علمی فرآورده دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌هایی است که در خط مقدم آموزش و پژوهش قرار دارند. اگرچه در بخش‌های دیگری خارج از این مؤسسه‌ها نیز شاهد رشد نوشته‌های علمی و ادبی هستیم، اما نقش حیاتی آنها در تولید و توزیع آثار انکارناپذیر است. به‌طور معمول برای توصیف اینگونه نوشته‌ها از اصطلاح «آثار دانشگاهی»^۱ استفاده می‌کنند که شامل تمامی گونه‌های نوشتاری، از قبیل کتاب، مقاله، پایان‌نامه، طرح پژوهشی، گزارش علمی و غیره می‌شود.

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از مهم‌ترین این آثار هستند که هر ساله شمار قابل توجهی از آنها انجام و منتشر می‌شود. با افزایش شمار دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی - به‌ویژه در چند دهه اخیر - توجه به جنبه‌های گوناگون این آثار، از نحوه مدیریت آنها گرفته تا مسائل حقوقی و کپی‌رایت نیز بیشتر شده است. حسب آیین‌نامه‌های مرتبط آموزشی در بیشتر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی اقصی نقاط جهان، پایان یافتن دوره‌های تحصیلات تکمیلی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری منوط به ارائه پایان‌نامه یا رساله (تز) توسط دانشجو و اخذ نمره قبولی از این بابت است.

^۱ academic works

به فراخور اقتضای بافت و دوره، به بسیاری از چالش‌های خاص این منابع به گونه‌ای پاسخ داده شده است. برای مثال، ایده پایگاه‌های «پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی»^۱ از جمله راهکارهایی بوده که برای گردآوری، سازماندهی و دسترس‌پذیر ساختن کارآمد این منابع ارزشمند اطلاعاتی مطرح و اجرا شده است (Rasuli, Alipour-Hafezi, and Solaimani 2015). طراحی زیرساخت‌هایی نرم‌افزاری برای مدیریت چرخه عمر پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها نیز از دیگر اقداماتی بوده که در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی برای تسهیل روند آغاز، نگارش، تکمیل و دفاع از این آثار صورت گرفته است. اما آنچه که هنوز آنگونه که باید به آن پرداخته نشده و به عنوان چالشی مهم هنوز به‌طور کامل حل نشده است، مسائل حقوقی و کپی‌رایتی مرتبط با این منابع است. با آنکه دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی کشورهای دیگر توجهی خاصی به این مسائل داشته‌اند، در ایران توجه درخوری به این موضوع نشده است.

موضوع مالکیت بر حقوق ناشی از نگارش پایان‌نامه آن زمان مهم‌تر و چالش‌برانگیزتر می‌شود که کم‌پیش می‌آید پایان‌نامه صرفاً ساخته و پرداخته دانشجو باشد و البته قوعد و ضوابط تدوین و دفاع از پایان‌نامه نیز چنین اجازه‌ای را به دانشجو نمی‌دهند که پایان‌نامه را یکسره خودش و بدون مراجعه و تأیید استاد راهنما و استادان مشاور بنویسد. از این رو، حسب تأثیر قلیل یا کثیر هریک از این افراد در نگارش پایان‌نامه لازم است میزان حق هریک در پایان‌نامه نیز مشخص شود. این ارزیابی ای‌بسا بدان‌جا بینجامد که دانشجو هیچ حق مادی یا معنوی در پایان‌نامه ندارد.

از این رو، این پژوهش با اخذ رویکردی حقوقی و با استفاده از بنیان‌های قانونی حاکم بر سرمایه‌های فکری در صدد است تا موضوع حقوق مالکیت فکری در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی را بررسی کند. توجه به این موضوع و ارائه راهکارهایی برای حل چالش پیش‌گفته می‌تواند دیدگاه‌های نوینی پیش‌روی جامعه دانشگاهی در جهت شفاف‌سازی حقوق ناشی از این آثار قرار دهد.

¹ electronic theses and dissertations (ETDs)

۱-۲. بیان مسئله

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی یکی از مهمترین برآیندهای علمی پژوهشی فارغ‌التحصیل‌های این دوره‌ها به شمار می‌آید. هر ساله شمار قابل توجهی از این منابع در دو سطح کارشناسی ارشد و دکتری منتشر می‌شود. اگرچه، غالباً ایده اصلی در پایان‌نامه و رساله به طور معمول مربوط به دانشجو است، اما اساتیدی که به عنوان تیم راهنما تعیین می‌شوند نیز می‌توانند در پروراندن و تکمیل ایده، و در نهایت در نگارش اثر نقش داشته باشند. از دیگر سو، دانشگاه‌های گوناگون نیز در حمایت از تکمیل و نگارش این آثار نقش مهمی بر عهده دارند. پیچیدگی این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که روش‌ها و فرایندهای گوناگونی در یک نظام آموزش عالی وجود داشته باشد؛ برای مثال، پذیرش دانشجویان بورسیه، پذیرش دانشجویان دوره‌های روزانه و با حمایت بودجه عمومی، پذیرش دانشجویان شبانه با اخذ شهریه به عنوان بخشی از هزینه‌های تحصیل، پذیرش دانشجویان با شهریه کامل، و غیره. بنابراین، در چنین نظام‌های آموزشی ناهمگونی تعیین اینکه کل (یا چه بخشی از) پایان‌نامه متعلق به چه شخصی است، مسئله دشواری است. با این حال، مسئله اصلی که به نظر می‌رسد هنوز به آن توجه نشده، حقوق مادی و معنوی هر کدام از این افراد یا نهادهایی است که در تدوین و تکمیل یک پایان‌نامه یا رساله نقش دارند. بنابراین، در این مطالعه سعی خواهد شد این مسئله با یک رویکرد حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش، ضمن بررسی مقررات مربوط درباره نگارش پایان‌نامه، بر سر این موضوع اصلی بحث می‌شود که آیا نگارش پایان‌نامه منجر به ایجاد حق مالکیت علمی یا ادبی می‌شود یا نه؟ این حق بسیط است یا مرکب؟ اگر مرکب است به چه کسانی تعلق دارد؟ و ضوابط حاکم بر تقسیم این حق در میان مالکان مشاع چیست؟

۱-۳. اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش آگاهی از بنیان‌های قانونی حق مادی و معنوی مالکیت فکری بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در ایران است. همچنین این مسئله در کشورهای دیگر نیز جست‌وجو می‌شود. این هدف کلی در قالب چهار هدف جزئی زیر کاوش خواهد شد:

□ شناسایی وضعیت حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایالات

متحد و کانادا؛

بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان نامه ها... □ ۱۰

□ شناسایی و وضعیت موجود درباره حقوق پدیدآورنده یا مشارکت کنندگان در تدوین و تکمیل پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی در ایران؛

□ تعیین راهکارهایی برای تعیین حقوق معنوی افراد و نهادهایی که در نگارش و انتشار یک پایان نامه یا رساله نقش دارند؛

□ تعیین راهکارهایی برای تعیین حقوق مادی افراد و نهادهایی که در نگارش و انتشار یک پایان نامه یا رساله نقش دارند.

۴-۱. پرسش های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که به لحاظ حقوقی (یا کپی رایت) کل (یا چه بخشی از) پایان نامه ها و رساله های دانشجویی در نظام آموزش عالی ایران متعلق به چه شخصی است؟ در چارچوب پاسخگویی به این پرسش اصلی، پژوهشگران پاسخگویی به پرسش های زیر را دنبال خواهند کرد:

□ وضعیت حقوق مادی و معنوی پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی در کشورهای ایالات متحده و کانادا به چه شکل است؟

□ وضعیت موجود حقوق پدیدآورنده یا مشارکت کنندگان در تدوین و تکمیل پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی در ایران چگونه است؟

□ مهمترین راهکارهای تعیین حقوق معنوی افراد و نهادهای درگیر در نگارش و انتشار پایان نامه یا رساله های دانشجویی کدام است؟

□ مهمترین راهکارهای تعیین حقوق معنوی افراد و نهادهای درگیر در نگارش و انتشار پایان نامه یا رساله های دانشجویی کدام است؟

۵-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

ساختارهای حقوق از مهم ترین زیرساخت های اجتماعی هستند که بقای جوامع را امکان پذیر می کنند. با افزایش اهمیت سرمایه های فکری و اطلاعات در جوامع بشری امروز، حقوق مالکیت فکری نهادی است که برای مدیریت و نظارت بر این محیط جدید طراحی و تدوین شده است. به ویژه با رشد بازار این منابع و افزایش ارزش اقتصادی آنها، نوع نگاه به مالکیت بر آنها نیز تغییر کرده است. روی آوردن دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی به زمینه های مرتبط با تجارت و کسب و کار نیز از

دیگر دلایلی است که موضوع مالکیت بر آثار دانشگاهی (که محصول فکر اساتید، دانشجویان، و پژوهشگران است) را مهم تر جلوه می دهد. حال مالکیت بر حقوق گوناگون ناشی از این آثار مشخص و شفاف نباشد، بدون شک موجب هرج و مرج هایی جدی در این بافت خواهد شد. بنابراین، انجام پژوهشی در این رابطه ضروری است.

از طرف دیگر، در ساختار آموزش عالی ایران شاهد گوناگونی خاصی در نظام های آموزشی هستیم؛ برای مثال، هزینه تحصیل دانشجویان در دانشگاه های دولتی از محل بودجه های عمومی پرداخت می شود، در حالی که دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی باید برای ادامه تحصیل شهریه بپردازند. همچنین، نظام های آموزشی دیگری (مانند دانشگاه های پیام نور، مؤسسه های غیرانتفاعی، مؤسسه های علمی — کاربردی و غیره) نیز وجود دارند که به پیچیدگی بیشتر ساختار آموزشی کشور دامن زده اند. بنابراین، نمی توان یک قاعده کلی در باره همه این نظام ها صادر کرد یا آن که آیین نامه های مرتبط سایر کشورها را ترجمه و با وضع آنان تطبیق داد. نتیجه آن که مطالعه جوانب گوناگون حقوقی آثاری که محصول این ساختار آموزشی و پژوهشی است ضرورت دارد.

با شفاف سازی حقوق ناشی از پایان نامه ها و رساله های دانشگاهی، افراد و مؤسسه های ذینفع در این آثار آسان تر و بهتر می توانند درباره شرایط و نحوه مالکیت بر آنها تصمیم گیری کنند. بنابراین، اهمیت این پژوهش آنجا است که دانشجو، استاد و دانشگاه (که سه ضلع اصلی در تولید یک پایان نامه یا رساله هستند) هر کدام از حقوق مرتبط با اثر آگاه می شوند و نوع و میزان مالکیت آنها بر حقوق ناشی از اثر نیز روشن خواهد شد.

۶-۱. روش شناسی پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر را می توان در پارادایم کیفی دسته بندی کرد. از این رو، برای پاسخگویی به پرسش های پژوهش، پژوهشگران اسناد مرتبط با این حوزه را جستجو، بازیابی، مطالعه، و از منظر حقوقی تجزیه و تحلیل و وضعیت را در کشورهای گوناگون مقایسه خواهند کرد. در نتیجه می توان گفت روش پژوهش در این اثر «مطالعه تطبیقی»^۱ و «تحلیل اسنادی»^۲ است. مطالعه تطبیقی، که بیشتر در حوزه های علوم انسانی و علوم اجتماعی کاربرد دارد، یک پدیده را در بافت های گوناگون

^۱ comparative study

^۲ document analysis

مورد مقایسه قرار می دهد و از طریق این مقایسه به پرسش پژوهش پاسخ می دهد. از دیگر سو، تحلیل اسنادی یک فرایند نظام مند است که از طریق آن اسناد مرتبط با یک موضوع — چه چاپی چه الکترونیکی — گردآوری و تجزیه و تحلیل می شوند تا پژوهشگر بتواند به پرسش اصلی پژوهش خود پاسخ دهد. این گونه روش شناسی برای سال های متمادی است که یکی از راه های پاسخگویی به پرسش های پژوهش های منتشر شده در مجله ها، کتاب ها، و سایر منابع پژوهشی به شمار می آید. همانند سایر روش های مطرح در پژوهش های کیفی، در تحلیل اسنادی نیز داده های گردآوری شده باید به منظور خاصی تفسیر و تحلیل شوند.

همان طور که از نام تحلیل اسنادی بر می آید، داده های مورد نیاز در این روش از طریق جستجو و مطالعه اسناد مرتبط گردآوری خواهند شد. بنابراین، منبع داده می تواند یک خبر چاپ شده در یک روزنامه رسمی باشد یا ساختار سازمانی یک شرکت تجاری. در این پژوهش مهمترین منابع گردآوری داده های مرتبط، علاوه بر نوشته های پژوهشی در پیوند با موضوع، مواردی از قبیل قوانین کپی رایت موجود، مصوبه های رسمی نظام های آموزش عالی، و آیین نامه های آموزشی در سطوح گوناگون هستند.

تحلیل اسنادی شامل سه گام اصلی برای پاسخگویی به پرسش های پژوهش است: بررسی و انتخاب اسناد، مطالعه، و تحلیل و تفسیر است. بنابراین، این فرایند به نوعی شامل تحلیل محتوا و تحلیل موضوعی نیز می شود. فرایند گردآوری اسناد مرتبط در این پژوهش، علاوه بر جستجوی پایگاه های اطلاعاتی مهم برای یافتن نوشته های پژوهشی، شامل مراجعه به پایگاه های قوانین کشورها، وبگاه دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی گوناگون برای بازیابی آیین نامه های موجود، و سایر منابعی است که احتمالاً دربردارنده اسناد مرتبط با موضوع هستند.

به این ترتیب، جامعه پژوهش شامل قوانین، مقررات، آیین نامه ها، و شیوه نامه های مرتبط با کپی رایت، به ویژه درباره پایان نامه ها و رساله های تحصیلات تکمیلی در ایران و کشورهای ایالات متحده و کانادا است. به منظور پاسخگویی به اهداف پژوهش، اسناد مرتبط از طریق نمونه گیری هدفمند گزینش شده و مورد بررسی قرار گرفته اند. پس از گام گزینش، این اسناد مطالعه شده اند، فیش برداری از اسناد انجام شده، و تحلیل حقوقی روی آنها انجام گرفته است.

۷-۱. تعریف مفاهیم

مهمترین واژه‌ها و اصطلاح‌هایی که دامنه این پژوهش مطرح شده و توضیح مراد پژوهشگران از کاربرد آنها ضروری به نظر می‌رسد، در زیر آمده‌اند:

□ نظام آموزش عالی ایران: مراد از نظام آموزش عالی ایران در این پژوهش کلیه دوره‌ها و روش‌های آموزشی هستند که نگارش پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا رساله دکتری به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی در فرایندهای آموزشی آنهاست. بنابراین، این نظام شامل دوره‌های آموزشی در مراکز دولتی (مانند روزانه در دانشگاه‌های دولتی، شبانه در دانشگاه‌های دولتی، دوره‌های مجازی در دانشگاه‌های دولتی، دوره‌های آموزشی در پردیس‌ها و غیره) و مراکز غیردولتی (مانند دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسه‌های آموزشی غیرانتفاعی، و غیره) می‌شود.

□ پایان‌نامه کارشناسی ارشد: آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته (مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) در بند پنج از ماده ۲ پایان‌نامه را این گونه تعریف کرده است: «فعالیت پژوهشی - تحقیقاتی است که در یک زمینه رشته تحصیلی مربوط و تحت راهنمایی استاد راهنما انجام می‌شود». در هر صورت، مراد از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در این پژوهش، یک اثر علمی - پژوهشی است که دانشجوی کارشناسی ارشد باید آن را تحت نظارت و حمایت استاد راهنما (و مشاور) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند، و این اثر به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است. قابل ذکر است، در این طرح پایان‌نامه‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

□ رساله دکتری: در آیین‌نامه دوره دکتری (مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) تعریفی از رساله (تز) دوره دکتری ارائه نشده، بلکه فقط در ماده ۶ آن تصریح شده: «دانشجو موظف است در شیوه آموزشی — پژوهشی تا پایان نیمسال اول و در شیوه پژوهشی، از طرح‌های پژوهشی تقاضا محور همزمان با پذیرش، موضوع رساله خود را با هماهنگی استاد راهنما تعیین و پس از تصویب شورا فعالیت پژوهشی خود را آغاز کند». در هر صورت، بر اساس تعریفی که برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارائه شد، می‌توان گفت مراد از رساله دکتری در این پژوهش، یک اثر علمی — پژوهشی است که دانشجوی دکتری باید آن را تحت نظارت و حمایت استاد(های) راهنما (و مشاور(ان)) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند، و این اثر

به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است. قابل ذکر است، در طرح حاضر فقط رساله‌های حوزه علوم انسانی و اجتماعی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

□ حقوق مالکیت فکری:^۱ منظور از حقوق مالکیت فکری، به طور گسترده، حقوق قانونی ناشی از فعالیت فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی، و هنری هستند. بنابراین، می‌توان گفت که مراد از حقوق مالکیت فکری مجموعه قوانین و مقرراتی هستند که برای حمایت از آثاری که نتیجه فکر، نوآوری، و ابتکار افراد هستند پدید آمده‌اند. حقوق مالکیت فکری را می‌توان به دو دسته کلی مالکیت ادبی و هنری (یا کپی‌رایت) و مالکیت صنعتی تقسیم‌بندی کرد (World Intellectual Property Organization 2004, 3). دسته‌ای که در این پژوهش بیشتر مد نظر است، مالکیت ادبی و هنری یا همان کپی‌رایت است. خود کپی‌رایت نیز ناظر بر دو حق اصلی است: حق معنوی و حق مادی.

□ کپی‌رایت:^۲ کپی‌رایت، یا مالکیت ادبی و هنری، به معنای حقوق قانونی انحصاری یک پدیدآور برای حمایت از یک اثر ادبی، موسیقی، یا هنری است. اصالت و تثبیت دو الزام کلیدی کپی‌رایت برای حمایت از آثار است که در برخی نظام‌های حقوقی وجود دارند. کپی‌رایت، به نوبه خود به دو بخش دسته‌بندی می‌شود: حقوق پدیدآور(ان) اصلی آثار، و حقوق مجاور (یا جانبی) (World Intellectual Property Organization 2004, 40). همان‌گونه که در مالکیت فکری دو حق مادی و معنوی برای پدیدآور قائل می‌شویم، در کپی‌رایت نیز این حقوق قابل تقسیم‌بندی است.

□ حق معنوی پدیدآور:^۳ حقوق معنوی پدیدآور ناظر بر حقوق پدیدآور یک اثر تحت حمایت کپی‌رایت برای کنترل سرانجام اثرش است. بنابراین، حقوق معنوی پدیدآور وابسته به ارتباط میان پدیدآور و اثرش است (Tomkowices 2013, 124). حقوق معنوی، بجای آنکه بر مسائل مالی و پول تأکید کنند، بر ارزش شخصی و اشتهار یک اثر برای پدیدآورش تمرکز دارد. این حقوق محدود به زمان و مکان نیستند و غیرقابل انتقال به غیر است. حقوقی مانند حق انتساب اثر به

¹ intellectual property rights

² copyright

³ moral right

بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها... □ ۱۵

پدیدآور، حق حرمت و تمامیت اثر، و حق افشای اثر از جمله حقوق معنوی کپی‌رایت به شمار می‌آیند (Derclaye 2009, 206).

□ حق مادی پدیدآور:^۱ برخلاف حقوق معنوی، حقوق مادی محدود به زمان و مکان است و همچنین می‌توان آن را به غیر انتقال داد. بنابراین، تمامی حقوقی که منجر به انتفاع مالی یا تجاری از اثر می‌شود در این حقوق قابل دسته‌بندی است. حقوقی از قبیل حق انتشار و نسخه‌برداری، حق انحصاری اجرا، عرضه، و خواندن آثار موسیقی و نمایشی، حق ترجمه، حق پخش صدا و تصویر، حق ضبط، حق تولید آثار اشتقاقی یا تلفیق، حق استفاده از پاداش، و حقوقی مانند این در زمره حقوق مادی کپی‌رایت بررسی می‌شوند (Derclaye 2009, 212-241).

¹ economic right

فصل دوم

مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته‌ها

۲. فصل دوم: مبانی نظری پژوهش و بررسی نوشته ها

به نظر «برایمن» و «بل»^۱ (۲۰۰۷) بررسی نوشته ها درک عمیق تری درباره پرسش های پژوهش به ما می دهند و در این محدوده به توضیح مفاهیمی می پردازیم که طی تحلیل ها از آنها استفاده می کنیم. «ببی»^۲ (۲۰۱۳، ۴۹۸-۴۹۹) اظهار می کند که بررسی نوشته ها پیرامون مفاهیم مهم پژوهش شکل خواهد گرفت. بنابراین، در این فصل شناسایی مجموعه ای از مفاهیم و اصطلاحاتی که جهت گیری نخستین پژوهش را نشان می دهد، ضروری به نظر می رسد.

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش - که در فصل نخست به آن اشاره شد - پرسش های اصلی پژوهش باید مورد واکاوی قرار گیرد. پرسش های اصلی پژوهش شامل مفاهیمی است که این فصل در تلاش است به آنها بپردازد و توضیح های بیشتری درباره آنها ارائه کند. حقوق مالکیت معنوی، کپی رایت و حقوق مرتبط با آن، و پایان نامه ها و رساله های دانشجویی مهم ترین مفاهیمی هستند که در این فصل به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

۲-۱. مقدمه

انقلاب اطلاعات - که طی چند دهه پیش اتفاق افتاده و ما امروزه شاهد برایندهای گوناگون آن هستیم - بسیاری از جوانب زندگی بشر را دگرگون کرده و ساختارهای جوامع سنتی را با چالش های

³ Bryman and Bell

¹ Babbie

جدی مواجهه ساخته است (Porter and Read 1998, 237-250). بنابراین، جوامع امروزی سعی دارند تا خود را با این دگرگونی‌ها تطبیق دهند تا ادامه حیاتشان امکان‌پذیر باشد. از جمله این دگرگونی‌ها می‌توان به نوع نگاه ما به خود اطلاعات اشاره کرد. اگرچه زمانی کسی به اطلاعات به عنوان «مال» نگاه نمی‌کرد و «مالکیتی» هم بر آن قائل نمی‌شد، اما امروزه اطلاعات و منابع اطلاعاتی از دارایی‌های راهبردی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها، و جوامع گوناگون بشری است. طی قرون اخیر هرچه زمان سپری شده، اهمیت مالکیت بر اطلاعات هم افزایش پیدا کرده است. از این رو، نظام‌مند کردن این مالکیت و پیش‌بینی ساختارهایی برای مدیریت آن اجتناب‌ناپذیر بوده است. «حقوق مالکیت فکری» شاخه‌ای از حقوق است که برای مدیریت کردن و سازمان بخشیدن به این نوع خاص از مالکیت ایجاد شده است.

۲-۲. بخش اول: حقوق مالکیت فکری

«حقوق مالکیت فکری» اصطلاحی است که امروزه بسیار رایج شده و فراوان از آن استفاده می‌شود؛ هرچند، تاریخچه کاربرد و استفاده از آن به سال‌های دور باز می‌گردد. «حقوق مالکیت فکری» به مجموعه‌ای از حقوق و قوانین اشاره دارد که مربوط به مالکیت افراد بر محصولات و فراورده‌های فکریشان است. به نظر «کرنیش»^۱ (۲۰۰۴) حقوق مالکیت فکری برای توصیف شاخه‌ای از حقوق که از محصولات فکری، ایده‌ها، اطلاعات، و منابع اطلاعاتی که ارزش تجاری دارند حمایت و حفاظت می‌کند، ابداع شده است. بنابراین، حقوق مالکیت فکری مجموعه قوانینی را تحت پوشش قرار می‌دهد که مرتبط با پروانه‌های ثبت اختراع، کپی‌رایت، علائم تجاری، رازهای تجاری و دیگر حقوق مشابه هستند.

حقوق و قوانینی که تحت پوشش حقوق مالکیت فکری قرار دارند طی سال‌ها، دهه‌ها، و قرون گذشته تغییرهای گوناگون - و گاه بزرگی - را تجربه کرده‌اند. پژوهشگران حوزه مالکیت فکری فناوری‌های اطلاعاتی را مهمترین محرک‌های این تغییرات و به‌طور کلی تحول حقوق مالکیت فکری می‌دانند. این فناوری‌ها را می‌توان در چهار انقلاب منحصربه‌فرد دسته‌بندی کرد (Schwabach 2007, xiii-xv). انقلاب نخست سال‌ها پیش و در دوران ماقبل تاریخ رخ داد، زمانی که نیاکان ما «زبان» را

¹ Cornish

اختراع کردند. آنها از طریق زبان توانستند هر نماد صوتی را به فکر و مفهوم خاصی الصاق کنند و همین زبان سرآغاز تمدن شد. انقلاب دوم ابداع «خط» بود. مانایی خط از زبان بیشتر بود و انسان توانست از طریق خط اطلاعات را ذخیره و از نسلی به نسل دیگر انتقال دهد. در پی این ابداع بود که نسل بشر تشویق به انقلاب سوم شد. اختراع «حروف متحرک» انقلاب سومی بود که در حوزه فناوری اطلاعات رخ داد. پیش از این انقلاب بشر برای انتشار ایده‌ای مدون مجبور بود یک نسخه را دستی بازنویسی کند. سرعت این عمل بسیار کم بود و گاهی به درستی انجام نمی‌شد. حروف متحرک امکان رونوشت‌برداری را به شکلی کارآمدتر به وجود آورد و موجب شد تا انتشار اطلاعات در سطح وسیع‌تری انجام شود. از این زمان بود که وضع قوانینی برای کنترل و حمایت از مالکیت فکری جدی‌تر شد. اما انقلاب چهارم - که اکنون در حال سپری کردن آن هستیم - موجب شد تا قوانین پیچیده‌تری برای حمایت از حقوق مرتبط با مالکیت فکری وضع شود. رایانه، نشر الکترونیکی و اینترنت موجب رخداد انقلاب چهارم در فناوری اطلاعات شده‌اند. اگر زمانی ارسال یک کتاب از مکانی به مکانی دیگر روزها یا شاید هم ماه‌ها طول می‌کشید، امروزه در کسری از ثانیه این انتقال صورت می‌گیرد. رشد چشم‌گیر اطلاعات و منابع اطلاعاتی طی دهه‌های اخیر از نشانه‌های تأثیر شگرف انقلاب چهارم است.

۲-۱-۲. مفهوم و تاریخچه حقوق مالکیت فکری

سرمایه فکری از سرمایه‌های غیرقابل لمسی است که توسط قانون به رسمیت شناخته شده و از حقوق مربوط به آن حمایت می‌شود. حقوق مالکیت فکری به صاحبان ایده، فکر، اختراع، ابتکار، و هنر اجازه می‌دهد تا از استفاده غیرمجاز و بدون اجازه از اثرش جلوگیری کند. به طور سنتی، سه گونه سرمایه فکری شناسایی شده است: کپی‌رایت، علائم تجاری، و پروانه‌های ثبت اختراع. رسالت کپی‌رایت حمایت از آثاری است که در قالب‌های گوناگونی مانند فیلم، موسیقی، نمایشنامه، کتاب‌های و رسانه‌هایی مشابه نمود پیدا کرده باشد. علائم تجاری از نشان‌ها و نمادهایی حمایت می‌کند که بر روی کالاهای گوناگون جهت تمایز آنها با یکدیگر قرار می‌گیرد. سرانجام، پروانه‌های ثبت اختراع از اختراعات حمایت می‌کند (Schwabach 2007, 1).

امروزه بیشتر کشورها قوانینی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری وضع می‌کنند. وضع این قوانین برای کشورها از دو منظر دارای اهمیت است: نخست آنکه پدیدآوران از مزایای مادی و معنوی ابتکار و فکر خود بهره‌مند می‌شوند و دوم آنکه چنین قوانینی می‌توانند موجب ترویج خلاقیت و توزیع

و به کارگیری نتایج حاصل از این ابتکارها و تشویق تجارت منصفانه شود که توسعه اجتماعی و اقتصادی را در بر خواهد داشت (World Intellectual Property Organization 2004, 3). این در حالی است که تا نیم قرن پیش شمار محدودی از کشورها از چنین قوانینی برخوردار بودند و این حقوق توسط قانون مورد حمایت قرار نمی گرفتند.

بسیاری بر این عقیده هستند که تاریخچه حقوق مالکیت فکری را باید در قرن شانزدهم میلادی و در تاریخ انگلستان جستجو کرد (Patterson 1968). اتفاقاتی که در این قرن و پس از آن افتاد باعث شد تا فرمانروایان اقداماتی برای مدیریت شرایط وقت انجام دهند. «قانون آن»^۱ (که در سال ۱۷۱۰ میلادی به تصویب رسید) اولین قانونی است که به صورت رسمی درباره حقوق مالکیت فکری به تصویب رسیده است. اما چه چیز باعث شد که این قانون وضع شود؟ به نظر پترسن (۱۹۶۸، ۲۰)، پاسخ این پرسش به ماشین چاپ مرتبط می شود. زمانی که «ویلیام کاکسون» در سال ۱۴۷۶ میلادی ماشین چاپ را به انگلستان آورد، ایجاد شکل جدیدی از مالکیت - آن چه که سرانجام کپی رایت نامیده شد - اجتناب ناپذیر بود. گاساوی^۲ (۲۰۱۰) معتقد است، قبل از اختراع ماشین چاپ نیاز چندانی به قوانینی مانند کپی رایت نبوده، چرا که رونوشت برداری آثار دستی و توسط کاتبان صورت می گرفت و این کار اساساً در مقیاس ناچیز انجام می شده است. ماشین چاپ این عمل را تسهیل کرد و نظارت قانونی بر این امر ضروری را ساخت.

با رواج ماشین چاپ در اروپا - و به ویژه در انگلستان - کپی برداری و نشر آثار سریع تر و آسان تر انجام می شد، و پس از مدت زمان کوتاهی افراد و شرکت هایی به عنوان چاپچی مشغول به فعالیت شدند. از نتایج این استقبال کپی برداری غیرمجاز و دستبرد آثاری بود که قبلاً توسط دیگران چاپ شده بود. همچنین، ممکن بود یک شرکت بدون کسب اجازه از مؤلف، اثرش را چاپ و منتشر کند. در این آشفته بازار بود که حاکمان تصمیم گرفتند اقداماتی برای سامان دادن به این وضع انجام دهند. در انگلستان، اولین اقدام جدی از طریق ارائه امتیاز سلطنتی برای چاپ و نشر آثار در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی پیش رفت. نام شرکت «استیشنرز»^۳ در این دوره، برای کسب مجوز حق انحصاری چاپ و نشر

^۱ The Statute of Anne

^۲ Gasaway

^۳ Stationers' Company

آثار داخلی به مدت ۱۵۰ سال مشهور است (لایقی ۱۳۸۱، ۲ - ۵). بنابراین، نظام اعطای حق امتیاز را می توان به عنوان شکل ابتدایی حقوق مالکیت فکری در نظر گرفت، که می توانست از چاپ و انتشار آثار به عنوان یک «مال» محافظت کند.

طبق تاریخ نگاری دیزلی^۱ (۲۰۰۴، ۲۸ - ۳۰)، در کمتر از ۱۰ سال (قبل از تصویب قانون آن) نزدیک به ۱۳ تلاش ناموفق درباره مقررات چاپ و نشر صورت گرفت. از دلایل ناموفق بودن این تلاش ها نقض مقررات در شمول منافع طرف های ذینفع در چاپ و نشر آثار، مانند پدید آور، چاپچی، کتابفروش، دولت، و عموم مردم بود. در سال ۱۷۰۴ دنیل دفو^۲ اثری با عنوان «رساله ای پیرامون مقررات چاپ»^۳ به رشته نگارش درآورد که باعث توجه به مسأله «دستبرد در چاپ»^۴ شد. آثار دفو و دیگر نویسندگان این دوره الهام بخش تصویب قانونی ملی در این زمینه شد. به نظر دیزلی و همکاران (۲۰۱۰، ۸۲)، سرانجام در بهار ۱۷۱۰ میلادی اولین قانون ملی کپی رایت به صورت رسمی و با عنوان «قانون آن» به تصویب پارلمان رسید. البته این قانون بسیار ابتدایی و محدود به نظر می رسید، و سال های پس از تصویب، انگلستان شاهد جدل های بسیاری در زمینه کپی رایت بود (Deazley 2006, 14).

از این رو، مفاهیمی مانند کپی رایت و حقوق مالکیت فکری مفاهیم نسبتاً مدرنی به نظر می رسند (Taliashvili 2008, 3). پس از رواج قانون آن، کشورهای دیگر نیز الگوی انگلستان برای حمایت از پدید آوران، ناشران، کتاب فروشان، و عموم مردم را در قالب قوانینی پیاده سازی کردند. دانمارک دومین کشوری بود که در سال ۱۷۴۱ از تصویب قانون کپی رایت استقبال کرد (Fisher 2015).

در هر صورت، منظور از حقوق مالکیت فکری - به طور گسترده - حقوق قانونی ناشی از فعالیت فکری در زمینه های صنعتی، علمی، ادبی، و هنری است. بنابراین، می توان گفت مراد از حقوق مالکیت فکری مجموعه قوانین و مقرراتی هستند که برای حمایت از آثاری که نتیجه فکر، نوآوری، و ابتکار افراد هستند پدید آمده اند. حقوق مالکیت فکری را می توان به دو دسته کلی «مالکیت ادبی و هنری» (یا کپی رایت) و «مالکیت صنعتی» تقسیم بندی کرد (World Intellectual Property Organization).

¹ Deazley

² Daniel Defoe

³ [An Essay on the Regulation of the Press](#)

⁴ press-piracy

3, 2004). از آنجا که در این پژوهش ما با کپی رایت سروکار داریم، از توضیح دسته دوم - یعنی مالکیت صنعتی - صرف نظر کرده و به موضوع مالکیت ادبی هنری یا کپی رایت می پردازیم.

۲-۲-۲. کپی رایت

کپی رایت (یا «حق نسخه برداری» یا «حق تکثیر») شاخه ای از حقوق مالکیت فکری است که از آثار ادبی و هنری حمایت می کند. ایده اصلی ورای کپی رایت ریشه در خلاقیت و مالکیت دارد. بنابراین، اساساً این شاخه از قانون مفهومی است که بنیان هایش را از نظام سرمایه داری وام گرفته است؛ این که هر چیزی می تواند به عنوان یک مال قلمداد شود و مالکی داشته باشد. اگرچه این مالکیت در نظام کپی رایت تعریف خاص خود را داراست، اما در اکثر مواقع «انحصاری» است. انحصاری به این معنا که مالک اثر تحت حمایت قانون حق افشا، توزیع، اصلاح، و اجرای آن را در اختیار دارد و کس دیگری از این حق برخوردار نیست، مگر اجازه پدیدآور اصلی را کسب کرده باشد.

به طور کلی، کپی رایت (یا مالکیت ادبی و هنری) به معنای حقوق قانونی انحصاری یک پدیدآور برای حمایت از یک اثر ادبی، موسیقی، یا هنری است. اصالت و تثبیت دو الزام اصلی کپی رایت برای حمایت از آثار است. کپی رایت، به نوبه خود به دو بخش دسته بندی می شود: حقوق پدیدآور(ان) اصلی آثار، و حقوق مجاور (یا جانبی) (World Intellectual Property Organization, 2004, 40).

درباره این که هدف اصلی کپی رایت چیست و اساساً برای چه به وجود آمده نظریه های گوناگونی وجود دارد (Berkman Center for Internet and Society 2012)؛ نظریه نخست آن است که کپی رایت موجب تشویق ابتکار و خلاقیت می شود و به واسطه آن پدیدآوران پاداش حاصل از ابتکار خود را دریافت خواهند کرد، نظریه دوم به این اشاره داد که پدیدآوران به حق منصفانه خود برای تلاشی که داشته اند خواهند رسید، و سومین نظریه آن است که آثار ابتکاری مبین شخصیت پدیدآورندگان شان هستند و باید از استفاده غیرمجاز توسط سایر در امان باشند. به عقیده گاساوی (۲۰۱۰)، هدف اصلی کپی رایت، پاداش دادن به پدیدآوران نیست، بلکه حفظ «مزایای کلی حاصل از استفاده عموم از کار و تلاش آنان» است. ارائه یک امتیاز انحصاری محدود به پدیدآوران بر این فرض استوار است که عموم جامعه از فعالیت های ابتکاری آنها منتفع می شوند. اعطای این حقوق انحصاری به مالک کپی رایت، شرط ضروری شناسایی کامل این فعالیت های ابتکاری است.

با اینکه هدف اصلی قانون کپی‌رایت تغییری نکرده، اما قوانین امروزی در مقایسه با نیاکان خود در قرن‌های گذشته دچار تحولات بزرگی شده‌اند؛ به ویژه این تحولات در نیم اخیر بسیار چشم‌گیرتر بوده‌اند. توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و حرکت از محیط فیزیکی و خشت و آجری به سمت محیط الکترونیکی و دیجیتال از مهم‌ترین محرک‌های چنین تغییراتی بوده است. اگر مدیریت منابع اطلاعاتی چاپی (مانند یک کتاب) در دنیای فیزیکی کمی دشوار بود، مدیریت ویرایش الکترونیکی این منابع در محیط دیجیتال بسیار پیچیده و دشوارتر است. از این رو، قوانین کپی‌رایت کشورها معمولاً به صورت مستمر مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گیرند. بنابراین، از ویژگی‌های منحصربه‌فرد قانون کپی‌رایت همین تغییر و تحول‌هایی است که وجه تمایز آن با سایر قوانین نیز به شمار می‌آید.

اگرچه سروکار مردم عادی با قوانین دیگر بیش از قانون کپی‌رایت است، اما این قانون در بازار فرهنگی امروز نقش مهمی از منظر مالی و اقتصادی ایفا می‌کند و موجب تنظیم روابط میان ذینفعان این بازار می‌شود. اگرچه ذینفعان اصلی این بازار پدیدآوران و مصرف‌کنندگان این کالاهای فرهنگی هستند، اما افراد و مؤسسه‌هایی هم وجود دارند که روابط میان پدیدآوران و مصرف‌کنندگان را تسهیل می‌بخشند. همین میانجی‌ها گاه‌گاه روابط میان این سه گروه را بسیار پیچیده کرده و قانون کپی‌رایت را با چالش‌های اساسی مواجه می‌کنند.

اگرچه به موجب قانون کپی‌رایت بسیاری حقوق انحصاری به پدیدآوران تعلق می‌گیرد، اما همین قانون برخی از اختیارات آنها را به نفع جامعه محدود می‌کند. شماری از این محدودیت‌ها بسیار خاص هستند و در موارد ویژه به کار برده می‌شوند، اما برخی دیگر عمویت داشته و دامنه گسترده‌تری را در بر می‌گیرند. برای مثال، «حوزه عمومی»^۱ یا «مباحات» محدودیتی است که قانون کپی‌رایت روی حقوق و اختیارات پدیدآوران وضع کرده و کاملاً گسترده است. اما بیشتر «استثنای کتابخانه‌ای» در شرایط خاصی کاربرد دارند و همه جا نمی‌توان از آنها استفاده کرد. این محدودیت‌ها ممکن است در متن قانون ذکر شوند یا نشوند. استثنایمانند حقوق ویژه «افراد با آسیب‌های جسمی — حرکتی» در متن قانون بیشتر کشورها آمده، اما مسأله‌ای هم چون «دکترین خرید نخست» در متون قانون معمولاً نمی‌آید.

¹ public domain

اگرچه قانون کپی رایت معمولاً در هر کشوری تدوین می شود و قابل اجرا است، اما به دلیل ماهیت آثار فکری و منابع اطلاعاتی (که در فضای دیجیتالی به آسانی از کشوری به کشور دیگر انتقال می یابند و مرزهای جغرافیایی را کم رنگ کرده اند) نهادهایی بین المللی برای مدیریت جهانی آن بنیان گذاری شده و قراردادهایی منتشر کرده اند. مهم ترین این سازمان ها «سازمان جهانی مالکیت فکری»^۱ یا «وایپو» است که پیمان نامه های گوناگونی — از جمله پیمان برن — را مدون و منتشر کرده است.

۲-۲-۳. کپی رایت از چه آثاری حمایت می کند؟

از نخستین اصول کپی رایت آن است که قانون از ایده صرف حمایت نمی کند. به عبارت دیگر، یک ایده یا فکر زمانی تحت حمایت کپی رایت قرار خواهد گرفت که در قالبی ابراز و ثابت شده باشد. حال این ابراز و ثابت شدن ممکن است در برخی نظام های قانونی مستلزم «تشریفات» باشد و در برخی نظام های دیگر خیر. اما نکته کلیدی ثبت یک ایده برای برخورداری از حمایت قانونی است. برای مثال، اگر دانشمندی ایده ای در ذهن داشته باشد و آن را در جایی ثبت نکرده باشد و هم زمان دانشمند دیگری ایده مشابهی در یک مقاله منتشر کرده باشد، دانشمند اول نمی تواند ادعا کند که ایده او مورد دستبرد قرار گرفته است. بنابراین، ابراز و ثابت شدن فکر یا ایده ای خاص از اصول اساسی تحت حمایت قرار گرفتن اثری توسط قانون کپی رایت است. این فکر یا ایده باید در رسانه ای قابل لمس (از قبیل: کتاب، مقاله، نوار کاست، ویدیو، و رسانه هایی مشابه) ضبط و ثبت شده باشد.

«اصالت» نیز از دیگر شرط های کپی رایت برای تحت حمایت قرار دادن آثار است. به زبان ساده، اصالت به معنای تازگی و نو بودن اثر است. به دیگر زبان، اثر زمانی اصیل است که کپی اثر دیگری نباشد. میزان اصیل بودن یک اثر برای رعایت شرط های لازم کپی رایت از مسائل چالش برانگیزی است که هنوز هم بر سر آن بحث وجود دارد، اما آنچه مهم است «قابل توجه» بودن اصالت اثر است. بنابراین، اثری که تکراری به نظر برسد و ایده یا فکر مشابهی طرح کند تحت حمایت قانون کپی رایت قرار نخواهد گرفت، چرا که ایده ای مشابه آن پیش تر تحت حمایت قانون قرار گرفته است.

¹ World Intellectual Property Organization (WIPO)

از دیگر شرط‌های قانون کپی‌رایت برای حمایت از یک اثر «پدیدآوری» است. پدیدآوری به این معنا است که منشأ اثر مربوط به پدیدآور است، اثر به صورت مستقل پدید آمده و تقلیدی از آثار گذشته نیست. این مفهوم تا حد زیادی با مفهوم اصالت در ارتباط است. آشکار است که یک اثر ممکن است توسط بیش از یک پدیدآور خلق شود که بازهم مورد حمایت این قانون خواهد بود. از این گونه آثار بیشتر با عنوان «اثر مشترک» نام برده می‌شود که محصول فکر و فعالیت فکری دو یا بیش از دو پدیدآور است. گاه نوع حمایت و قوانین حاکم بر این آثار تفاوت‌هایی جزئی با سایر آثار دارد. به طور معمول، در متن بیشتر قوانین کپی‌رایت ماده‌ای به این گونه آثار اختصاص می‌یابد. برای مثال، قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ایران در «ماده ۶» تصریح کرده: «اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد/اثر مشترک نامیده می‌شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است». قانون کپی‌رایت کشور «ایالات متحده» نیز این آثار را با عنوان «joint work» مطرح کرده (ماده ۱۰۱، تعاریف) و شرایط خاصی بر نوع مالکیت آنها، مدت زمان حمایت از این آثار، دامنه حقوق انحصاری و غیره وضع کرده است. قانون کپی‌رایت «کانادا» نیز اصطلاح «work of joint authorship» برای شناسایی این گونه آثار برگزیده (ماده ۲، تعاریف) و برای آنها حقوق خاصی در نظر گرفته است.

از آنجا که قالب‌های ضبط و ثبت ایده‌ها و افکار روزبه‌روز در حال تغییر و تحولند، قوانین کپی‌رایت معمولاً در نام بردن از قالب خاصی محافظه‌کار هستند. برای مثال، اگر در قانون کپی‌رایت کشوری از اصطلاح «کتاب چاپی» به عنوان اثر تحت حمایت نام برده شده باشد، امروزه با چالش بزرگی مواجه خواهد شد؛ چرا که «کتاب الکترونیکی» — به عنوان رسانه‌ای که طی دو دهه اخیر رواج پیدا کرده‌اند و برای ثبت و ضبط ایده‌ها از آن در سطح وسیع استفاده می‌شود — دیگر نمی‌تواند تحت حمایت این قانون درآید.

□ آثار ادبی: آثار ادبی شامل تمامی آثار داستانی و غیرداستانی، آثار تلفیقی، مانند پایگاه‌های داده الکترونیکی، و آثار گردآوری، مانند نشریات ادواری می‌شوند. نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز برای آنکه تحت حمایت کپی‌رایت قرار گیرند، اثر ادبی قلمداد می‌شوند (Gasaway 2010).

بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها... □ ۲۶

□ آثار موسیقایی: این آثار همان قطعات موسیقی هستند که ممکن است در قالب یک برگه نُت کاغذی بیان شوند، بر روی یک صدانگار ضبط شوند، یا آنکه به صورت دیجیتالی ذخیره گردند (Gasaway 2010).

□ آثار دراماتیک: آثاری مانند اپراها و نمایشنامه‌ها از این دسته به شمار می‌آیند.

□ آثار نمایشی: اثر نمایشی اثری مدون است و به گونه‌ای خلق و تنظیم شده که داستان آن با استفاده از مکالمه و بازیگری نقل می‌شود، و بازیگران در مجموعه اتفاق‌ها و فعالیت‌هایی مشارکت می‌کنند که گویای یک داستان پیوسته هستند (Gasaway 2010).

□ آثار هنری گرافیکی: عکس، نقاشی، مجسمه، و مواردی از این قبیل در گروه آثار هنری گرافیکی دسته‌بندی می‌شوند.

□ تصاویر متحرک و آثار صوتی — تصویری: فیلم‌ها، ویدیوها، برنامه‌های تلویزیونی، آثار تصویری متحرک (مانند پانتومیم)، آثار صوتی - تصویری، و امثالهم همه در این گروه قرار دارند.

□ نرم‌افزارهای رایانه‌ای: این دسته از آثار بیشتر شامل کدهایی است که برنامه‌نویسان برای اجرای فعالیت مشخصی آنها را خلق می‌کنند. این نوع آثار ممکن است در قوانین دیگری نیز مورد استناد و حمایت قرار گرفته شوند. سابقه قلمداد شدن نرم‌افزارهای رایانه‌ای به عنوان «اثر» در قوانین کپی‌رایت کشورها زیاد نیست و با توسعه و گسترش رایانه‌ها در این عرصه مطرح شده‌اند

□ آثار معماری: آثار معماری اصولاً شامل طراحی یک ساختمان (خود ساختمان)، نقشه‌های معماری، و غیره می‌شود (Gasaway 2010).

□ آثار صوتی: اصواتی که ضبط می‌شوند (چون در قالب جسم ملموسی ذخیره و ثابت می‌شوند) نیز تحت حمایت قانون کپی‌رایت قرار خواهند گرفت. البته در شماری از کشورها قوانین منحصربه‌فردی برای حمایت از این آثار به تصویب می‌رسد (Berkman Center for Internet and Society 2012, 12).

باید به خاطر داشت که آثار تحت حمایت قوانین کپی‌رایت ممکن است محدود به موارد بالا نشوند و در کشورهای گوناگون این دامنه محدودتر یا گسترده‌تر شود. با این حال، آنچه گفته شد، یک دسته‌بندی کلی است از آنچه تا کنون در قوانین بیشتر کشورها به آنها اشاره شده است. برای

مثال، قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ایران نیز در «ماده ۲» آثار تحت حمایت قانون را در ۱۲ مورد عنوان کرده است:

- کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری؛
 - شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
 - اثر سمعی و بصری به منظور اجراء در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
 - اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد؛
 - نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خط‌های تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی به وجود آمده باشد؛
 - هر گونه پیکره (مجسمه)؛
 - اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان؛
 - اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد؛
 - اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم؛
 - اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه (فولکلور) یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد؛
 - اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد؛
 - هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل.
- همان گونه که گفته شد، آثار تحت حمایت قانون محدود به موارد بالا نمی‌شود و ممکن است در کشورهای دیگر، بسته به بافت و محیط، شمار این آثار کم یا زیاد شود. در هر صورت، توجه به تمامی این گروه‌ها و آثار نشان‌دهنده آن است که آثاری تحت حمایت قانون قرار خواهند گرفت که از شکل ایده صرف خارج شده و بر روی رسانه‌ای عینیت و نمود پیدا کرده و ثبت شده باشند.

۲-۲-۴. انواع حقوق در کپی رایت

به واسطه قانون کپی رایت حقوق و مالکیت های گوناگونی در اختیار صاحبان آثار تحت حمایت این قانون قرار می گیرد. اما به طور کلی این حقوق را می توان در دو گروه دسته بندی کرد: «حقوق مادی»^۱ و «حقوق معنوی»^۲ (Berkman Center for Internet and Society 2012, 13).

آنچه در حقوق مادی حائز اهمیت است و در قانون توجه قرار دارد «مسائل مالی» و «پول» است. جان کلام این نوع مالکیت آن است که پدید آور چگونه از آثار و ابتکارهایی که تولید کرده از نظر مالی منتفع می شود. بنابراین، این نوع مالکیت در اختیار صاحب اثر تحت حمایت قانون است، مگر آن که قانوناً به شخص یا گروه دیگری انتقال یافته باشد.

آن گونه که از توضیح این نوع مالکیت بر می آید «قابل واگذاری» است؛ یعنی افراد می توانند حقوق مادی ناشی از آثار خود را به شخص ثالثی واگذار کنند، دیگر این شخص ثالث است که از مزایای مادی حاصل از اثر تحت حمایت کپی رایت بهره می برد. در صنایع فرهنگی این مؤسسه های گردآورنده آثار کپی رایت هستند که به افراد در ازای اثری که تولید می کنند پول پرداخت می کنند و در عوض حقوق مادی آثار در اختیار آنها قرار می گیرد. برای مثال، روزنامه ها از مهمترین بافت هایی هستند که در ازای خلق محتوا به کارکنان خود دستمزد پرداخت می کنند و بنابراین حقوق مادی ناشی از محتواهای خلق شده را صاحب خواهند شد.

در قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ایران برای توصیف آثاری که محصول تلاش یک پدیدآور در ازای پرداخت دستمزد است از اصطلاح «اثر سفارشی» استفاده شده است. بنابراین، تمامی حقوق انحصاری مرتبط با حقوق مادی آثار سفارشی در اختیار «سفارش دهنده» قرار می گیرد. قانون کپی رایت «کانادا» از اصطلاح «work made in the course of employment» برای شناسایی آثاری که محصول سفارش شخص / سازمان دیگری هستند در متن قانون استفاده کرده است (ماده ۱۳). قانون کپی رایت «ایالات متحده» نیز این آثار را با عنوان «work made for hire» آورده و آنها را در «ماده ۱۰۱»^۳ این گونه تعریف کرده است: (۱) اثری که توسط شاغلی در چارچوب وظایف

^۱ economic rights

^۲ moral rights

^۳ <http://www.copyright.gov/title17/92chap1.html>

شغلی اش پدید آمده باشد، یا (۲) اثری که به صورت اختصاصی برای استفاده به عنوان بخشی از یک اثر گردآوری شده، بخشی از فیلم یا سایر آثار صوتی — تصویری، به عنوان یک اثر ضمیمه‌ای (مانند پیشگفتار، تصویر، نقشه، جدول، نمودار و امثالهم)، به عنوان آزمون، به عنوان پاسخی به یک آزمون، اطلس، و غیره سفارش شده باشد به عنوان اثر سفارشی قلمداد می‌شود.

همچنین، این نوع مالکیت محدود به زمان و مکان است. برای مثال، ممکن است بهره‌مندی از منافع مالی یک اثر تا هفتاد سال (کم‌تر یا بیش‌تر) پس از فوتش امکان‌پذیر باشد. این مدت زمان نیز در قوانین کشورها متفاوت تعریف شده است. در آثار مشترک نیز فوت آخرین پدیدآور برای محاسبه مدت زمان حمایت محاسبه می‌شود.

حقوقی از قبیل حق انتشار و نسخه‌برداری، حق انحصاری اجرا، عرضه، و خواندن آثار موسیقی و نمایشی، حق ترجمه، حق پخش صدا و تصویر، حق ضبط، حق تولید آثار اشتقاقی یا تلفیق، حق استفاده از پاداش، و حقوقی مانند این در زمره حقوق مادی کپی‌رایت بررسی می‌شوند (Derclaye 2009, 212-241).

هرچه حقوق مادی در قوانین کشورها بیش‌تر در کانون توجه است، به حقوق معنوی چندان بها داده نمی‌شود. این نوع مالکیت بیش‌تر در قوانین کشورهای تابع سنت «سیویل لا»^۱ مورد نظر است تا قوانین کشورهای تابع سنت «کامن لا»^۲ (Berkman Center for Internet and Society 2012, 14).

برخلاف حقوق مادی، حقوق معنوی قابل واگذاری و انتقال به غیر نیست. به عبارت دیگر حقوق معنوی خرید و فروش نمی‌شود و منحصراً در اختیار پدیدآورنده (گان) است. همچنین، این مالکیت محدود به زمان و مکان نمی‌شود. برای مثال، کتابی مانند «بوستان سعدی» توسط سعدی به رشته نگارش درآمده و کس دیگری نمی‌تواند ادعا کند که محتوای این کتاب متعلق به اوست. بنابراین، هیچ نوع محدودیتی درباره این نوع مالکیت وجود ندارد.

به‌طور کلی، حقوق معنوی پدیدآور ناظر بر حقوق پدیدآور یک اثر تحت حمایت کپی‌رایت برای کنترل سرانجام اثرش است. بنابراین، حقوق معنوی پدیدآور وابسته به ارتباط میان پدیدآور و

^۱ civil law

^۲ common law

اثرش است (Tomkowices 2013, 124). حقوق معنوی، بجای آنکه صرفاً بر مسائل مالی و پول تأکید کنند، بر ارزش شخصی و اشتهار یک اثر برای پدیدآورش تمرکز دارد. حقوقی مانند حق «انتساب»^۱ اثر به پدیدآور، حق حرمت و «تمامیت»^۲ اثر، و حق افشای اثر از جمله حقوق معنوی کپی رایت به شمار می آیند (Derclaye 2009, 206). «انتساب» به معنی نسبت دادن یک اثر به پدیدآورش است و «تمامیت» نیز به محفوظ بودن حق تغییر، اصلاح، دستکاری، و چنین اعمالی برای پدیدآور اشاره دارد. به نظر «ریگامونتی»^۳ کشورهای «فرانسه» و «آلمان» نخستین کشورهایی بودند که حق معنوی پدیدآوران را مورد توجه قرار داده اند، پیش از آنکه آنها به عضویت معاهده «برن» در آیند (Rigamonti 2006).

قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ایران نیز در «ماده ۳» و «ماده ۴» حقوق مادی و معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخته و دامنه این حقوق را این گونه تعریف کرده که:

□ حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر او است؛

□ حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیر قابل انتقال است.

این قانون درباره واگذاری حق مادی پدیدآوران نیز سخن گفته و اجازه چنین کاری را داده است. بر این اساس، «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید (ماده ۵):

□ تهیه فیلم های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن؛

□ نمایش صحنه ای مانند تئاتر و باله و نمایش های دیگر؛

□ ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر؛

□ پخش از رادیو و تلویزیون و وسائل دیگر؛

□ ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن؛

¹ attribution or paternity or association right

² integrity right

³ Rigamonti

- استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی؛
- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است

۲-۵. حقوق انحصاری در کپی رایت

کپی رایت چه حقوق و حمایت‌هایی برای صاحبان آثار تحت حمایتش فراهم می‌آورد؟ تمام حقوق مرتبط در این زمینه توسط نهاد قانون به صاحبان آثار داده شده و آنها هستند که می‌توانند این حقوق را انتقال دهند. باید توجه داشت، برخی از این حقوق تنها طی «مدت زمان» مشخصی تحت حمایت هستند و پس از این دوره باطل خواهند شد. این مدت زمان یکسان نیست و در قوانین کشورها به گونه متفاوتی تعریف شده است. برای مثال، در قانون «حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» ایران این دوره شامل عمر پدیدآور به علاوه ۵۰ سال (فصل سوم قانون، «مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر») و در کشور «ایالات متحده» به علاوه ۷۰ سال است (ماده ۳۰۲). همچنین، مدت زمان حمایت در مورد گونه‌های متفاوت آثار نیز یکسان نیست.

آنگونه که مورد بحث قرار گرفت، دو نوع حق متفاوت در کپی رایت تعریف شده است: حقوق معنوی و حقوق مادی. حقوق معنوی چندان در قوانین کپی رایت مورد بحث قرار نمی‌گیرد. در مقابل، آنچه به نظر می‌رسد موضوع اصلی قانون کپی رایت باشد، حقوق مادی است. اگرچه گاه انواع حقوق مادی در قوانین کشورها متفاوت است، اما به طور کلی می‌توان حقوق زیر را نام برد که قانون کپی رایت آنها را در انحصار صاحبان آثار در می‌آورد. این حقوق عبارتند از (چهار حق نخست این فهرست جزء حقوق مادی و مابقی جزء حقوق معنوی به حساب می‌آیند):

- حق بازتولید یا تکثیر: احتمالاً حق بازتولید یا تکثیر از پایه‌ای‌ترین حقوقی است که به موجب قانون به صاحبان آثار تحت حمایت کپی رایت اعطا می‌شود. حق بازتولید یا تکثیر به این معنا است که کسی که صاحب کپی رایت اثری است می‌تواند هر مقدار که می‌خواهد از اثر اصلی رونوشت تهیه کند یا آنکه به افراد دیگر اجازه دهد که این کار را انجام دهند. بنابراین، جز پدیدآور یا هر کس دیگری که مالکیت کپی رایت را بر عهده دارد، رونوشت برداری برای سایرین غیرمجاز است و تجاوز از کپی رایت محسوب می‌شود. اگرچه استثنائاتی نیز در این زمینه وجود دارد؛ استثنای

کتابخانه‌ای، استفاده منصفانه، استثنای آموزشی، و امثالهم از مواردی هستند که قانون کپی‌رایت آنها را معین کرده و بهره بردن از آنها برای افراد یا مؤسسه‌های واجد شرایط امکان‌پذیر است.

□ حق اقتباس یا اشتقاق آثار دیگر: «دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی» در تعریف اقتباس نوشته: «این کلمه مصدر عربی از باب افتعال به معنای گرفتن، اخذ کردن، آموختن، و فراگرفتن علم و هنر و ادب از دیگری است، که امروزه در برابر آن کلمه انطباق یا بازنویسی نیز به کار می‌رود. از لحاظ اصطلاحی، در علم بدیع اقتباس آن است که در کلام — نثر یا نظم — مطلبی از قرآن یا حدیث یا بیتی معروف را بیاورند درحالی که اشاره‌ای صریح به آن آیه، حدیث، یا بیت نکرده باشند. تعریفی که امروزه از انطباق و بازنویسی ارائه می‌شود بیشتر به کل یک متن اشاره دارد و به تدوین دوباره یک اثر گفته می‌شود که بدون دخل و تصرف در درونمایه و محتوا صورت می‌گیرد و هدف آن متناسب کردن نوشته با مخاطبان خاصی است. گروهی نیز بازنویسی را بیشتر مربوط به تعدیل ساختار متون کهن می‌دانند، به گونه‌ای که کهنگی و دشواری زبان و سبک قدیم از آنها گرفته می‌شود. در بازنویسی هرگاه درونمایه با رویکردی متفاوت نسبت به متن اصلی عرضه شود به آن بازآفرینی گویند» (حری، نشاط، و افشار، ۱۳۸۶، ۲۶۰-۲۶۱). این فرهنگنامه درباره کاربرد اقتباس نوشته: «هرگاه اقتباس را مترادف بازنویسی بدانیم و غرض بازسازی هیأت اثری ادبی در قالبی نو باشد، معادل کلمه انگلیسی adaptation یا adoption تلقی شده است؛ مانند رمان که برای فیلم یا تئاتر بازنویسی شود، یا نمایشنامه که به صورت رمان درآید. [...] یکی از کارکردهای مهم اقتباس احیای مجدد آثار کهنه ادبی است که به‌عللی توانایی ایجاد ارتباط با مخاطب را از دست داده‌اند. اقتباس، با ایجاد هماهنگی میان اثر ادبی کهن و تحولات اجتماعی نوین، نقش مهمی ایفا می‌کند. هرچه محتوای یک اثر جهانی‌تر باشد اقتباس از آن آسان‌تر، و هرچه رابطه اثر با زمان یا مکانی خاص بیشتر باشد اقتباس دشوارتر است» (حری، نشاط، و افشار، ۱۳۸۶، ۲۶۰-۲۶۱). منظور از اشتقاق نیز آثاری هستند که می‌توانند از اثر اصلی مشتق شوند؛ برای مثال، اگر خلاصه‌ای از اثر تولید شود، این خلاصه اشتقاقی از اثر اصلی خواهد بود. ترجمه‌ها نیز جزء این حق در نظر گرفته می‌شوند؛ بنابراین، برای ترجمه آثار نیز اجازه صاحب قانونی کپی‌رایت مهم است.

□ حق توزیع اثر: توزیع اثر به معنای آن است اثر پدیدآمده در اختیار عموم قرار گیرد و جامعه بتواند به آن دسترسی پیدا کند. این دسترسی می تواند از طریق خرید صورت بگیرد یا مشتریان اثر را برای مدت زمان مشخصی اجاره کنند. برای مثال، ممکن است کاربر کتابی را خریداری کند یا آن که دانشگاهی یک پایگاه داده را مشترک شود. بنابراین، تنها صاحب کپی رایت است که می تواند اجازه توزیع اثری را بدهد.

□ حق اجرا یا نمایش عمومی اثر: در مواردی که نوع اثر به گونه ای است که اجرا یا اکران آن دارای ارزش مادی و معنوی است، حق اجرای عمومی اثر برای صاحبان آثار در نظر گرفته می شود. برای مثال، یک نمایشنامه تنها در صورتی مجاز به اجرای عمومی است که پدیدآور یا دارنده کپی رایت آن را اجرا کند یا اجازه اجرای آن را صادر کرده باشد. یا حق اکران یک فیلم منحصرأ در اختیار صاحب کپی رایت است که کس دیگری اجازه ندارد آن فیلم را اکران عمومی کند.

□ حق انتساب اثر به پدیدآور: بیانگر این واقعیت است که پدیدآور حق دارد که نامش روی اثرش باشد و جای هیچ نامی غیر از پدیدآور اثر نیست. به عبارت دیگر، ادعای خلق یک اثر مختص پدیدآور آن اثر است. بنابراین، اگر این اثر معتبر باشد، اعتبار و شهرت ناشی از آن متوجه پدیدآور(ان)ش است. در مقابل نیز اگر اثر بی کیفیت باشد کسی دیگری غیر از پدیدآور(ان) اصلی مقصر نیست و سوء شهرتش هم موجب او ست. همچنین، بر پایه این حق، اگر اثری مورد تغییر و تحریف قرار گیرد، پدیدآور می تواند ادعا کند که نام او از روی اثر برداشته شود (Hansmann and Santilli 1997).

□ حق افشای اثر: حق افشای اثر به این معناست که یک پدیدآور کی و چگونه قصد دارد به عموم اعلام کند که اثری را پدید آورده است. برای مثال، پدیدآوری می تواند کتابی را که نوشته نزد خود نگه دارد و هیچ گاه اثری که پدید آورده را در اختیار عموم قرار ندارد و به عبارت دیگر آن را «افشا» نکند.

□ حق حرمت و تمامیت اثر: اثر به هر گونه ای که پدید آمده باید به همان گونه نگهداری شود. برای مثال، اگر مجسمه سازی اثری خلق کرده، مجسمه او نباید دستخوش تغییر شود. یا تابلوی یک نقاش نباید توسط افراد دیگر مورد اصلاح یا تغییر قرار گیرد. این حق را حق «صداقت» نیز نام گذاری کرده اند.

۳۴ □ بررسی حقوق مالکیت مادی و معنوی پایان نامه ها... □

□ حق حذف اثر: در موارد خاصی ممکن است پدیدآور بخواهد اثرش — به هر دلیلی — دیگر در اختیار عموم نباشد و اصطلاحاً آن اثر را از بازار «حذف» کند. شرایط حاکم بر این حق سخت گیرانه تر از حقوق دیگر است و یک اثر به آسانی حذف نخواهد شد.

همان طور که اشاره شد حقوقی که در قوانین کپی رایت برای دارندگان آثار تحت حمایت قانون محدود به موارد بالا نمی شود. به عبارت دیگر، ممکن است قوانین برخی کشورها دامنه این حقوق را توسعه دهند. اما باید توجه داشت که گسترش حقوق انحصاری ممکن است روند انتقال و گردش ایده و متعاقباً ایجاد و پرورش ایده و افکار را با چالش مواجه سازد. بنابراین، قانونگذاران سعی می کنند حقوق انحصاری را تا جایی گسترش دهند که تهدیدی برای این مسأله به وجود نیاورد.

۳-۲. بخش دوم: پایان نامه و رساله‌های دانشجویی

پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی از منابع و نیز محصولات مهم دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، و احتمالاً مهمترین آثاری هستند که دانشجویان طی دوره تحصیلی خود به انجام می‌رسانند و منتشر می‌کنند. اگرچه این آثار در زمره «نوشته‌های خاکستری»^۱ دسته‌بندی می‌شوند، اما اهمیت آنها تا به آنجاست که گاه اعتبار یک مؤسسه بر پایه همین منابع ارزیابی می‌شود. نوشته‌های خاکستری به عنوان آثاری تعریف می‌شوند که ناشران تجاری علاقه‌ای به گردآوری، سازماندهی و انتشار آنها ندارند. البته در حال حاضر شرکت «پروکوست»^۲ که یک ناشر تجاری است پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی را مدیریت می‌کند.

۳-۲-۱. تعریف پایان نامه و رساله

«نخستین پایان نامه/رساله در فضای تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۹۶۱ توسط دانشجویی در دانشگاه ییل در آمریکای شمالی به رشته نگارش درآمد. طول این پایان نامه/رساله شش صفحه و با دست نوشته شده بود. اما از آن زمان تا کنون تغییرات زیادی بر روی این مدارک اتفاق افتاده است؛ از نحوه نگارش آن گرفته تا تعداد صفحات، صفحه‌بندی، و شیوه‌های توزیع و دسترس‌پذیری آنها. پایان نامه/رساله‌های دانشگاه‌های امروز به طور معمول حدود ۶۰ تا ۶۰۰ صفحه را شامل می‌شوند؛ اگرچه در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون این تعداد می‌تواند متفاوت باشد» (رسولی و دیگران ۱۳۹۴ به نقل از McCutcheon 2010).

پایان نامه و رساله دانشجویی در تمامی نظام‌های آموزشی به عنوان ضرورتی برای دریافت مدارک و مدارج تحصیلی قلمداد نمی‌شوند. با این حال بیشتر نظام‌های آموزشی — به ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی — پایان نامه را به عنوان یکی از الزامات دانش آموخته شدن دانشجویان در نظر می‌گیرند و گاهی به واسطه همین آثار کیفیت و سطح علمی دانشجویان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین، به طور کلی باید گفت پایان نامه و رساله — مخصوصاً در نظام‌های پژوهش محور — مهمترین آثار، نتیجه پژوهش دانشجویان هستند.

¹ gray literature

² ProQuest

با آن که پایان‌نامه و رساله گاهی به جای هم و به صورت مترادف به کار برده می‌شوند، اما به طور معمول در ادبیات دانشگاهی پایان‌نامه به اثری گفته می‌شود که محصول پژوهش یک دانشجوی کارشناسی ارشد یا سطوحی مشابه است. به همین دلیل پایان‌نامه را معادل واژه «thesis» در نظام آموزشی بین‌المللی به کار می‌برند. در مقابل، واژه رساله بیشتر برای توصیف پژوهش دانشجویان در سطح دکتری و سطوحی مشابه استفاده می‌شود. رساله برابری است برای واژه «dissertation» در زبان انگلیسی و نظام‌های آموزشی غربی. در زبان انگلیسی نیز گه‌گاه از این دو واژه به جای هم دیگر استفاده می‌شود. اما به نظر می‌رسد مشابه پنداشتن این دو واژه اشتباه است. از نظر تاریخی، در دانشگاه‌های قرون پیشین، زمانی که یک نفر از ایده خود دفاع می‌کرد، پس از سخنرانی او سایر پژوهشگران می‌توانستند پرسش‌هایشان را از او پرسند و با او وارد بحث و جدل شوند. در چنین وضعیتی حالتی که یک نفر طی بحث به خود می‌گرفت «thesis» و نحوه استدلال فرد دیگر نیز «dissertation» بود (Ogla 2005). در دنیای امروز، در برخی از بافت‌ها ممکن است «thesis» به آثار دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد اطلاق شود و «dissertation» به پژوهش دانشجویان دکتری، در حالی که در برخی بافت‌های دیگر ممکن است عکس این مسئله صادق باشد (Douwe Breimer et al. 2005).

آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته (مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) در بند پنج از ماده ۲ پایان‌نامه را این‌گونه تعریف کرده است: «فعالیت پژوهشی - تحقیقاتی است که در یک زمینه رشته تحصیلی مربوط و تحت راهنمایی استاد راهنما انجام می‌شود». در هر صورت، مراد از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در این پژوهش، یک اثر علمی - پژوهشی است که دانشجوی کارشناسی ارشد باید آن را تحت نظارت و حمایت استاد راهنما (و مشاور) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند، و این اثر به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است.

اما در آیین‌نامه‌های مرتبط آموزشی کشور نمی‌توان تعریفی مشابه تعریف پایان‌نامه برای رساله یافت. در آیین‌نامه دوره دکتری (مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی) تعریفی از رساله (تر) دوره دکتری ارائه نشده، بلکه فقط در ماده ۶ آن تصریح شده: «دانشجو موظف است در شیوه آموزشی - پژوهشی تا پایان نیمسال اول و در شیوه پژوهشی، از طرح‌های پژوهشی تقاضامحور

همزمان با پذیرش، موضوع رساله خود را با هماهنگی استاد راهنما تعیین و پس از تصویب شورا فعالیت پژوهشی خود را آغاز کند. در هر صورت، بر اساس تعریفی که برای پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارائه شد، می‌توان گفت مراد از رساله دکتری در این پژوهش، «یک اثر علمی — پژوهشی است که دانشجوی دکتری باید آن را تحت نظارت و حمایت استاد(های) راهنما (و مشاور(ان)) و دانشگاه یا مؤسسه عالی مربوطه طرح و تکمیل کند»، و این اثر به عنوان یکی از ملزومات فارغ‌التحصیلی او از مؤسسه مربوطه است.

به طور معمول، ساختار یک پایان‌نامه یا رساله به این صورت است که شامل اهداف پژوهش، نوشته‌های پیشین، روش‌ها و ابزارهای انجام پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری می‌شود. بیشتر دانشگاه‌های حال حاضر در جهان برای پایان‌نامه یا رساله نوشتن این چارچوب را معرفی می‌کنند (Thomas 2009):

- فصل نخست: شامل مقدمه‌ای بر طرح پژوهش، مسأله موجود، دامنه و اهمیت انجام پژوهش؛
- فصل دوم: مرور نوشته‌ها، بررسی آثار مرتبط، و نشان دادن موقعیت پژوهش در دامنه موضوع؛
- فصل سوم: توضیح نحوه طراحی پژوهش، روش‌ها، ابزارها، جامعه پژوهش، نحوه گردآوری و تحلیل داده‌ها و مسائل اخلاقی مرتبط با پژوهش؛
- فصل چهارم: گفتن یافته‌های پژوهش؛
- فصل پنجم: تحلیل و بحث پیرامون یافته‌های پژوهش، مقایسه نتایج پژوهش با آثار پیشین، پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش و مسأله مورد بررسی.

با این حال، این چارچوب را همه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌هایی که پایان‌نامه و رساله را از الزامات دانش‌آموخته شدن دانشجویان می‌دانند توصیه نمی‌کنند و ممکن است دانشگاه‌های گوناگون ممکن است شیوه‌نامه‌های متفاوتی معرفی کنند. این شیوه‌نامه‌ها به طور معمول تنها منحصر به چنین چارچوبی نمی‌شوند و محتوای بیشتری را شامل می‌شوند. اگرچه بیشتر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی خود چنین شیوه‌نامه‌هایی معرفی می‌کنند، اما چندین شیوه‌نامه و استاندارد نیز در سطح بین‌المللی توسط سازمان‌های گوناگون برای نگارش پایان‌نامه پیشنهاد شده است. از جمله این شیوه‌نامه‌ها و استانداردها می‌توان به «ISO 7144»، «ISO 2145»، «ISO 690» و «ISO 31» اشاره کرد.

۲-۳-۲. کمیته پایان‌نامه و رساله

منظور از کمیته پایان‌نامه یا رساله تیمی است که در تکمیل این اثر درگیر است. بنابراین، کمیته پایان‌نامه به کمیته‌ای اشاره دارد که یک پایان‌نامه یا رساله را از آغاز تا پایان راهبری و مشایعت می‌کند. بنابراین، نقش این کمیته در تکمیل و انتشار اثر حائز اهمیت است.

بر پایه تعاریفی که پیش‌تر درباره پایان‌نامه و رساله به آنها اشاره شد، مهمترین افرادی که در فرایند تدوین و نهایی شدن پایان‌نامه یا رساله نقش دارند استاد راهنما، استاد مشاور و استاد داور هستند و البته ممکن است در ذیل هر عنوان بیش از یک نفر به راهنمایی، مشاوره یا داوری رساله یا پایان‌نامه بپردازند. اگرچه حضور استاد مشاور شاید در برخی موارد ضروری نباشد، اما حضور استاد راهنما بر پایه بیشتر آیین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی در چنین کمیته‌ای الزامی است و بدون حضور او یک پایان‌نامه طرح‌ریزی نخواهد شد.

طبق تعریف «دانشگاه کمبریج»^۱ یک دانشجو در درجه اول باید با استاد راهنمای خود جهت گزینش موضوع و مسأله هماهنگی‌های لازم را انجام دهد و سپس استاد مشاور نیز وارد تیم شود. در بیشتر موارد دانشجو استاد راهنما را انتخاب می‌کند، اما گاهی ممکن است این استاد راهنما از طرف دانشگاه به او اختصاص داده شود.

نقش اصلی اساتید راهنما و مشاور هدایت دانشجویان در مسیر درست پژوهش است. آنها دانشجویان را راهنمایی خواهند کرد که چه درس‌هایی برای گذراندن بردارند، چه شاخه‌های تخصصی در یک موضوع خاص را انتخاب کنند و چه موضوعی به عنوان پایان‌نامه یا رساله برگزینند (Bryant 2004).

در راهنمایی که «دانشگاه پیتسبورگ»^۲ برای اساتید راهنما و مشاور نگاشته، بر توانایی علمی این اساتید تأکید شده است. بر پایه این راهنما، دانشجویان و اساتید می‌بایست برای خود اهدافی کوتاه - مدت و بلند - مدت جهت انجام پروژه طرح‌ریزی کنند و این برنامه‌ها را در قالب یک زمان‌بندی منسجم ارائه دهند. در این راهنما تصریح شده که اساتید راهنما و مشاور باید به صورت مرتب با دانشجو ملاقات داشته باشند، تا بتوانند پیشرفت او را در پژوهش ارزیابی کنند، در مورد مسائل و موانعی که دانشجو با

^۱ <http://www.hps.cam.ac.uk/students/phd/supervisor.html>

^۲ <http://www.honorscollege.pitt.edu/bphil-degree/guide-for-thesis-advisors>

آنها در پژوهش خود درگیر است بحث داشته باشند، و اساتید دانشجو را در مسیر صحیح برای ادامه تشویق کنند. همچنین، بر پایه این راهنما تأیید اثر دانشجو از مسئولیت‌های استاد راهنما است، بنابراین تا زمانی که این تأیید حاصل نشود پایان‌نامه یا رساله برای داوری به کمیته داوری سپرده نمی‌شود. «دانشگاه کارلتون» نیز استاد راهنما را یک عنصر کلیدی در فرایند نگارش و تکمیل پایان‌نامه یا رساله معرفی می‌کند و نقش او را هم‌چون همراهی می‌داند که از آغاز تا پایان فرایند پژوهش و نگارش پایان‌نامه در کنار دانشجو باقی می‌ماند (Carleton University 2016).

نگاهی به آیین‌نامه‌های آموزشی - پژوهشی و راهنماهایی که برای نگارش پایان‌نامه در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های گوناگون نوشته شده نشان می‌دهد که نقش استاد راهنما و اثر او در تکمیل پایان‌نامه یا رساله بسیار حائز اهمیت است. بر پایه این آیین‌نامه‌ها، به طور کلی می‌توان مسئولیت‌های زیر را برای اساتید راهنما و مشاور طی انجام یک پایان‌نامه یا رساله دانشجویی پیش‌بینی کرد:

- کمک به دانشجو در گزینش یک موضوع مناسب برای پژوهش؛
- آگاهی از مشکلات پژوهشی دانشجو و تلاش برای رفع آنها؛
- اختصاص وقت به دانشجو جهت ملاقات مستمر و منظم؛
- ارزیابی کیفیت پژوهش دانشجو در مقاطع زمانی متفاوت؛
- حضور در جلسات مرتبط با گزارش پژوهش دانشجو؛
- آموزش مسائل گوناگون پژوهشی به دانشجو (اعم از کپی‌رایت، نحوه نگارش، مسائل اخلاقی و غیره)؛

□ ارتباط مستمر با دانشجو؛

□ کمک به تکمیل پژوهش دانشجو؛

□ کمک به دانشجو در دسترسی به منابع و مواد مورد نیاز.

اگرچه مسئولیت‌های استاد راهنما به این موارد ختم نمی‌شود، اما این مهم‌ترین مواردی هستند که ممکن است بر رابطه استاد - دانشجو تأثیر گذار باشند. با نگاهی به این مسئولیت‌ها، می‌توان دریافت که کمک علمی و حرفه‌ای به دانشجو از مهم‌ترین مواردی هستند که جزء مسئولیت‌های استاد راهنما قلمداد می‌شوند. بسته به نوع دانشگاه، خود استاد، یا دانشجو ممکن است بر میزان کمک (علمی یا غیر علمی) اساتید راهنما به دانشجویان تأثیر گذار باشند. از این رو است که گاهی نقش استاد راهنما در یک

پژوهش بسیار پررنگ است و گاهی کم رنگ تر. اما مسئله مهم آنست که نقش اساتید راهنما در پیشرفت پژوهش غیر قابل انکار است.

از دیگر اعضای کمیته پایان نامه یا رساله، اساتیدی هستند که به عنوان «داور» به بررسی و ارزیابی پایان نامه می پردازند و در بسیاری از موارد با نظرات اصلاحی خود به بهبود اثر کمک می کنند. شمار داورانی که یک اثر را ارزیابی می کنند به آیین نامه دانشگاه ها بستگی دارد، اما به طور معمول شمار این افراد در پایان نامه های کارشناسی ارشد کمتر از پایان نامه های دکتری است. از این رو، می توان گفت داوران نیز بخش مهمی از تیم پایان نامه یا رساله هستند که در تکمیل این آثار نقش دارند.

۲-۳-۳. نقش دانشگاه در پایان نامه و رساله

اگر پایان نامه و رساله را یک مثلث بدانیم و دانشجو و کمیته پایان نامه و رساله را دو ضلع این مثلث، مطمئناً ضلع دیگری که در به ثمر نشستن پژوهش های دانشجویی نقش مهمی ایفا می کند دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی است که به پرورش دانشجو کمک می کند. این دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی هستند که امکانات، منابع، مواد، فضا و اساتید را به خدمت می گیرند تا دانشجویان بتوانند با کمک این همه پژوهش خود را به سرانجام برسانند. بنابراین، نقش آنها در تکمیل پایان نامه و رساله حیاتی است.

با این حال، همه دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی این امکانات را به صورت رایگان برای دانشجویانشان فراهم نمی کنند؛ در برخی مؤسسه ها ممکن است شهریه تحصیل گرفته شود، در برخی بخشی از هزینه های تحصیل دریافت شود، و در برخی دیگر دانشگاه هزینه های اضافی پژوهش را متقبل شود.

با توجه به آن که در کشورهای گوناگون نظام های آموزشی متفاوت وجود دارد، رابطه میان دانشجویان و مؤسسه ها نیز یکسان نیست. بر پایه یک تقسیم بندی کلی، نظام های آموزشی به دو بخش «عمومی»^۱ (یا دولتی) و «خصوصی»^۲ (یا آزاد) دسته بندی می کنند (Aldrich 2004, p. 1). با این که در قرون گذشته بیشتر نظام های آموزشی دولتی در عرصه آموزش و پژوهش فعال بودند، اما از حدود ۱۹۰۰ میلادی به بعد شمار مؤسسه های خصوصی که خدمات آموزشی ارائه می کردند بیشتر و بیشتر

^۱ public

^۲ private

شد. رشد و توسعه این مؤسسه ها تا به آنجا بوده که امروزه نقش بسیار مهمی در عرصه آموزش - مدرسه ای و دانشگاهی - ایفا می کنند (Mok 2006, p. 81). با توجه به کسری بودجه دولت ها و حرکت نظام آموزشی به سمت تجاری شدن، شمار دانشگاه های خصوصی در دهه های اخیر حتی بیشتر هم شده و دور از ذهن نیست اگر در آینده ای نه چندان دور این دانشگاه ها بر نظام آموزشی اکثر کشورها غلبه پیدا کنند. به همین دلیل است که در سال های اخیر شاهد طراحی دوره های جدیدی در نظام های آموزشی دولتی بوده ایم که برای تحصیل نیازمند شهریه دانشجویی هستند. به نظر می رسد، تحصیل رایگان در این دانشگاه ها نیز روزه روز کم تر می شود.

از اصلی ترین تفاوت های میان آموزش عمومی و آموزش خصوصی منابع تأمین مخارج آنها است. در حالی که تأمین هزینه های دانشگاه های عمومی بیشتر توسط دولت ها و از محل بودجه سراسری یک کشور تأمین می شود، دانشگاه های خصوصی بیشتر وابسته به شهریه ها و سایر درآمدهای مشابه هستند (Mwiria et al. 2007, p. 177). بنابراین، نوع و میزان حمایت از کارها و پژوهش های دانشجویان نیز در این دو نظام با همدیگر متفاوت است.

این تفاوت در حمایت، به نوبه خود، ممکن است بر حق و حقوق دانشگاه درباره مالکیت بر آثار دانشجویی نیز تأثیر گذار باشد. بنابراین، در دانشگاه هایی که دانشجو در آن به صورت رایگان تحصیل می کند و دانشگاه هزینه های مرتبط با تحصیل او را می پردازد ممکن است طبق قراردادی مالکیت آثاری که دانشجو تولید می کند نیز به دانشگاه واگذار شود. در مقابل اگر دانشگاه از دانشجو به صورت مالی حمایت نمی کند و دانشجو باید تمامی هزینه های مرتبط با تحصیل را خود بپردازد، مالکیت آثارش ممکن است برای خودش محفوظ بماند. هرچند همیشه به این آسانی نمی تواند درباره مالکیت آثار دانشجو قضاوت کرد، در این زمینه بیشتر قراردادهای توافق نامه هایی که میان دانشجویان و دانشگاه بسته می شود ملاک قرار می گیرد.

از پیچیدگی هایی که ممکن است در این زمینه پیش بیاید حمایت بخش صنعت از پژوهش در دانشگاه است (Stanford University 2016). به عبارت دیگر، از آنجا که بخش صنعت به پژوهش هایی که در دانشگاه انجام می شود برای پیشبرد اهدافش نیاز دارد، ممکن است از یک پژوهش خاص حمایت مالی کند. این حمایت می تواند در قالب های متفاوتی باشد: خرید تجهیزات، خرید مواد، واگذاری آزمایشگاه های مجهز، استخدام پژوهشگران، استخدام اساتید راهنما یا مشاور و غیره.

بنابراین، زمانی که چنین حمایتی صورت می‌گیرد، رابطه پیچیده‌تری میان دانشگاه، صنعت، استاد، و دانشجو ایجاد خواهد شد.

اگرچه، این حمایت همیشه منحصر به بخش صنعت و مؤسسه‌های خصوصی نمی‌شود و ممکن است برخی از نهادهای دولتی - که گاهی صرفاً برای انجام چنین مأموریت‌هایی بنیان‌گذاری می‌شوند - نیز به دانشجویان برای تحصیل و پژوهش کمک‌های مالی اعطا کنند. شمار این مؤسسه‌ها کم نیست و در تمامی کشورها فعالیت دارند. گاه فعالیت و حمایت این نهادها محدود به مرزهای جغرافیایی یک کشور نمی‌شود و به تحصیل و پژوهش افراد در سراسر جهان کمک می‌کنند. برای مثال، «نهاد ریاست جمهوری» نمونه مؤسسه‌های دولتی است که از طریق «صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور»^۱ از پژوهش‌های دانشجویی حمایت می‌کند.

در نظام دانشگاهی و آموزشی ایران نیز ما شاهد گونه‌های متفاوت مؤسسه‌ها برای پذیرش دانشجویان هستیم. اگرچه تا چند سال پیش تنوع این دانشگاه‌ها بسیار کم‌تر بود اما امروزه مؤسسه‌های متفاوتی در حال پذیرش دانشجویان برای تحصیل هستند. این نظام شامل دوره‌های آموزشی در مراکز دولتی (مانند روزانه در دانشگاه‌های دولتی، شبانه در دانشگاه‌های دولتی، دوره‌های مجازی در دانشگاه‌های دولتی، دوره‌های آموزشی در پردیس‌ها و غیره) و مراکز غیردولتی (مانند دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسه‌های آموزشی غیرانتفاعی، و غیره) می‌شود.

به نظر می‌رسد هرچه گوناگونی مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی بیشتر می‌شود تصمیم‌گیری درباره حق و حقوق مالکیت بر آثار نیز پیچیده‌تر خواهد شد. از این رو، اهمیت آیین‌نامه‌ها، توافق‌نامه‌ها و قراردادهایی که میان دانشگاه، دانشجو، و صنعت نیز نوشته می‌شود بیش از پیش دارای اهمیت شده است. آیین‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌هایی که بر پایه اصول کپی‌رایت نوشته شود و بتواند حق و حقوق طرف‌های متفاوت یک اثر را به درستی مشخص کند.

۲-۳-۴. انتشار پایان‌نامه و رساله

پایان‌نامه و رساله جزء «نوشته‌های خاکستری» دسته‌بندی می‌شوند. بر پایه تعریف «چهارمین همایش بین‌المللی نوشته‌های خاکستری»^۲ (۱۹۹۹)، نوشته‌های خاکستری آثاری هستند که ناشران

^۱ <http://www.insf.org/>

^۲ Fourth International Conference on Grey Literature

تجاری تمایلی برای سرمایه‌گذاری روی آنها ندارند. هرچند، به نظر می‌رسد این تعریف قدری قدیمی شده، چراکه امروزه این منابع توسط ناشران تجاری (مانند «پروکوست»^۱) مدیریت و دسترس‌پذیر می‌شوند. از دیگر ویژگی‌های نوشته‌های خاکستری انتشار محدود است؛ به عبارت دیگر، این آثار به طور معمول در اختیار گروه محدودی قرار می‌گیرند.

تا چند سال پیش و قبل از رواج رایانه و نشر الکترونیکی، دانشجویان و دانشگاه‌ها پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را بر روی کاغذ چاپ می‌کردند. به دلیل ماهیت چاپ کاغذی، هم شمار محدودی از این آثار چاپ می‌شد و هم کاربران کمی به این آثار دسترسی داشتند. برای مثال، ممکن بود دانشجوی پنج نسخه از پایان‌نامه یا رساله‌اش را چاپ کند و در اختیار کتابخانه دانشگاه قرار دهد؛ بنابراین، بیشتر دانشجویان، اساتید، و کارمندان آن دانشگاه می‌توانستند به آسانی به این اثر دسترسی داشته باشند. حال اگر دانشجو یا پژوهشگر دیگری به مطالعه این اثر نیاز داشت باید به کتابخانه دانشگاه صاحب اثر می‌رفت و به آن دسترسی پیدا می‌کرد. آشکار است که این روش برای انتشار پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان کارآمدی مناسبی نداشت. بنابراین، باید راه‌ها و روش‌های بهتر و کارآمدتری برای انتشار این آثار پیدا می‌شد.

با توجه به تمام محدودیت‌هایی که چاپ کاغذی داشت، روش بهتری برای انتشار پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها اندیشیده شد. توسعه فناوری مهمترین محرک این روش جدید بود. در این روش آثار کاغذی عکس‌برداری می‌شدند و در قالب میکروفیلم منتشر می‌شدند (Bornet 1953). با توجه به قدرت این روش جدید برای انتشار پایان‌نامه و رساله، ناشران تجاری، مانند «پروکوست»، به سرعت به سمت آن گرایش پیدا کردند و بر پایه این روش کسب و کار ساختارمندی راه‌اندازی شد. استفاده از میکروفیلم برای انتشار پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها تا اواخر قرن بیستم میلادی ادامه داشت و به صورت گسترده استفاده می‌شد. با آن‌که میکروفیلم بسیاری از محدودیت‌های نشر کاغذی را برطرف کرده بود، اما با توجه به تغییرات نیمه دوم قرن بیستم دیگر کارآمدی گذشته را نداشتند. همین مسأله موجب شد تا راهکارهای جدیدتر و بهتری برای انتشار این آثار آزمون شوند.

¹ ProQuest

دو پدیده اصلی در نیمه دوم قرن بیستم میلادی دانشجویان، دانشگاه‌ها، و ناشران را متقاعد کرد که میکروفیلم دیگر نمی‌تواند نیازهای جامعه علمی / دانشگاهی برای دسترسی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را پاسخ دهد. «نشر الکترونیکی» از یک سو و «اینترنت» از سوی دیگر دو پدیده‌ای بودند که به ذهنیت ناشران این آثار و کاربرانشان جهت دادند. در چنین بافتی بود که «پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی»^۱ (پارسا) ابداع شدند و به سرعت گسترش پیدا کردند. پارساها محدودیت زمان و مکان دسترسی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را به طور کلی برطرف کردند (Soete 1998). بر همین اساس، برنامه‌های و سامانه‌هایی برای مدیریت دسترسی به پارساها طرح‌ریزی شد. دانشگاه‌ها اولین نهادهایی بودند که به سمت حرکت کردند سامانه‌های پارساها را درون «واسپارگاه‌های سازمانی»^۲ خود تعبیه کردند. بعدها این سامانه‌های در سطوح دیگر (ملی، منطقه‌ای، و جهانی) طراحی، برنامه‌ریزی، و پیاده‌سازی شدند.

در چنین فضایی بود که مالکیت بر پایان‌نامه و رساله و مسأله کپی‌رایت این آثار بیش از پیش اهمیت پیدا کرد. در محیط جدید این آثار به آسانی می‌توانستند به گردش درآیند و در کسری از ثانیه توسط پژوهشگری از آن طرف دنیا استفاده شوند. اگرچه پیش‌تر نیز مسأله کپی‌رایت این آثار مورد توجه بود، اما محیط دیجیتالی اهمیت آن را برجسته‌تر کرد. از دیگر مسائل تأثیرگذار بر کپی‌رایت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها حضور ناشران تجاری در این نظام بود. از آنجا که ناشران تجاری خدمات خود به کاربرانشان را در قالب اشتراک و در قبال هزینه ارائه می‌دادند، ممکن بود از محل هزینه‌های جمع‌آوری شده مبالغی به دانشجویان و صاحبان آثار پردازند. بنابراین، حقوق مادی بر این آثار می‌توانست مزایای مالی نیز در بر داشته باشد.

اما همیشه اینگونه نیست که پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها توسط ناشران تجاری به فروش برسد. در سال‌های اخیر جنبش «دسترسی آزاد» بسیار روی دسترسی به آثار دانشگاهی — به ویژه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان — اثرگذار بوده است. امروزه بسیاری از دانشگاه‌های دنیا آثار خود را به صورت رایگان برای استفاده پژوهشگران بر روی وبگاه خود قرار داده هزینه‌ای در قبال استفاده از آثار دریافت نمی‌کنند. بیشتر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی در ایالات متحده، کانادا، و اروپا چنین

¹ electronic theses and dissertations (ETDs)

² institutional repositories

رویکردی در پیش گرفته اند (Rasuli, Alipour-Hafezi, and Solaimani 2015). در مقابل دسترسی آزاد، دسترسی محدود به پایان نامه ها و رساله ها را شاهد هستیم که در این روش مؤسسه ها در قبال استفاده از آثار هزینه ای دریافت خواهند کرد. مسأله کپی رایت و حقوق مادی بر آثار – به ویژه در این روش – بسیار چالش برانگیز است.

۴-۲. مرور نوشته ها

توجه به حقوق مالکیت فکری در آثار دانشگاهی موضوع جدیدی در نوشته های علمی نیست؛ با این حال، کاوش های ما در پژوهش حاضر نشان داد که پژوهش های انجام شده در زمینه مالکیت بر حقوق گوناگون ناشی از پایان نامه ها و رساله های دانشجویی به نسبت اهمیت این مسأله در آموزش و پژوهش ناچیز است. در هر صورت، به نظر می رسد پژوهش هایی نیز که در حوزه حقوق مالکیت فکری آثار دانشگاهی انجام شده اند به موضوع این پژوهش مرتبط باشند. بنابراین، در ادامه نتایج نوشته هایی گزارش خواهد شد که در این زمینه انجام شده اند.

کمیته مشترک نظام های اطلاعاتی^۱ (۲۰۰۴) موسوم به جیسک گزارشی در رابطه با مسئله کپی رایت در پایان نامه ها و رساله های الکترونیکی (پارساها) منتشر کرده است. بر اساس این گزارش، پدیدآوری که اثر تحت حمایت کپی رایت را خلق کرده حقوق انحصاری مرتبط با آن را در اختیار خواهد داشت. در نهایت، این گزارش تصریح کرده که موضوع مالکیت بر پایان نامه کاملاً وابسته به آیین نامه های دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی است، و در بافت انگلستان برخورد با این مسئله پراکنده به نظر می رسد (Andrew 2004).

ویجیاکومار^۲ (۲۰۰۵) نیز مسئله کپی رایت پایان نامه ها و رساله های الکترونیکی را مورد بررسی قرار داده، و به نظر او قبل از بررسی این مسئله باید ابتدا مشخص شود که کپی رایت یک پایان نامه و رساله مربوط به چه کسی است؛ دانشجو، استاد، یا مؤسسه ای که حمایت انجام پژوهش را بر عهده داشته است. اگرچه، او راه حلی در این زمینه ارائه نداده و به دنبال بررسی این منابع در محیط برخط بوده است.

¹ Joint Information Systems Committee (JISC)

² Vijayakumar

در یک مطالعه دیگر، جونز و آندرو (۲۰۰۵) مسئله مالکیت کپی رایت پایان نامه‌ها و رساله‌ها را مطرح کرده، و با استناد به «قانون کپی رایت، طرح‌های صنعتی، و پروانه‌های ثبت اختراع»^۱ انگلستان، مصوب ۱۹۸۸، توضیح می‌دهند که هرگونه بهره‌برداری از پایان نامه یا رساله در هر محیطی باید با اجازه صاحب کپی رایت اثر صورت گیرد، اما این نوع مالکیت را تشریح نکرده‌اند.

می‌توان به برخی از پژوهش‌های کنت کروز^۲ (استاد حقوق دانشگاه کلمبیا و پژوهشگر سازمان جهانی مالکیت فکری) نیز در این زمینه اشاره کرد. در راهنمایی که درباره کپی رایت برای مؤسسه پروکوست تهیه کرده، کروز (۲۰۱۳) خاطر نشان کرده که مالکیت کپی رایت اساساً برای شخصی است که اثری را پدید آورده است. بنابراین، اگر دانشجو پایان نامه یا رساله را پدید آورده، او صاحب و مالک کپی رایت اثرش است. در مواردی که مؤسسه‌ای از پایان نامه حمایت مالی یا محتوایی کرده، کروز افراد را به توافق نامه‌های مربوطه ارجاع می‌دهد. با این حال، او مشخص کردن حق مالکیت بر پایان نامه را اولین گام به منظور انتشار این منابع قلمداد می‌کند. گرت و تومال^۳ (۲۰۱۳) نیز اشاره می‌کنند که مسئله کپی رایت و حق مالکیت بر یک پایان نامه یا رساله، به ویژه زمانی که این اثر تحت حمایت مالی یا معنوی یک مؤسسه به انجام می‌رسد، بسیار پیچیده است.

«کرنی»^۴ (۲۰۱۴) - که خود هم دانشجوی دکتری بوده، هم استاد دانشگاه است و دانشجویان را برای انجام پایان نامه راهنمایی می‌کند، و هم به عنوان ویراستار با یک ناشر تجاری همکاری دارد - پرسشی را در سرمقاله‌ای مطرح می‌کند که احتمالاً در تمام دانشگاه‌ها مطرح است: مالکیت پایان نامه با کیست؟ اگرچه «کرنی» لزوماً پاسخ دقیقی به این پرسش نمی‌دهد و بیشتر بحث او پیرامون رابطه میان ناشران تجاری با دانشجویان و دانشگاه است.

جنبش «واسپارگاه‌های سازمانی» نیز از مسائلی بوده که طی دو دهه گذشته موجب پررنگ‌تر کردن مسأله مالکیت نوشتارهای دانشگاهی - از جمله پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان - شده است. واسپارگاه‌های سازمانی در صدد هستند تا منابع اطلاعاتی تولید شده توسط اساتید و دانشجویان و کارمندان را از طریق کانال‌های برخط دسترس پذیر کنند. پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی بخش

¹ Copyright, Designs and Patents Act (CDPA)

² Kenneth Crews

³ Grant & Tomal

⁴ Kearney

مهمی از منابع موجود در این سامانه‌ها را تشکیل می‌دهند، بنابراین توجه به مسأله مالکیت آنها نیز افزایش پیدا کرده است. «پیکتان»^۱ و «مک‌نایت»^۲ (۲۰۰۶) معتقدند که تعیین تکلیف کردن مالکیت منابع بر روی واسپارگاه‌های سازمانی باید بخشی از خط‌مشی و «شرایط و ضوابط» این سامانه‌ها باشد تا موفقیت آنها از این جهت تضمین شود. شفاف‌سازی این مالکیت حتی بر انگیزه اساتید و دانشجویان برای به اشتراک گذاری آثارشان نیز تأثیرگذار است (Gadd, Oppenheim, and Proberts 2003).

«آبریزا»^۳ (۲۰۰۹) نیز حقوق مادی و معنوی آثار دانشگاهی را یکی از مسائل مهمی می‌داند که بر واسپارگاه‌های سازمانی تأثیرگذار است. بنابراین در بخش‌های گوناگون این نوع واسپارگاه‌ها باید به مالکیت کپی‌رایت آثار پرداخته شود. برای مثال، شفاف‌سازی این موارد در بخش «پرسش‌های متداول» راهکار مناسبی در این زمینه است.

علاوه بر پژوهش‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، بخشی از پیشینه مطالعه حاضر را می‌توان در آیین‌نامه‌های دانشگاهی جستجو کرد، که به موضوع حق کپی‌رایت بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشگاهی پرداخته‌اند. برای مثال، می‌توان به آیین‌نامه مفصلی که اداره کپی‌رایت دانشگاه^۴ (۲۰۱۳)، ۱۰ در «دانشگاه ملبورن»^۵ منتشر کرده اشاره کرد. براساس این آیین‌نامه، دانشجویان موظف هستند که برای تکمیل روند فارغ‌التحصیلی خود یک نسخه از پایان‌نامه خود را به صورت دیجیتالی بر روی واسپارگاه سازمانی این مؤسسه فروگذاری کنند. اما دانشجویان در ارائه دسترسی آزاد به تمام متن پایان‌نامه خود از طریق دانشگاه آزاد هستند. بنابراین، آنها می‌توانند دسترسی آزاد به پایان‌نامه را ارائه دهند یا آنکه تنها اجازه دسترسی به فراداده پایان‌نامه را به کاربران بدهند.

در آیین‌نامه پایان‌نامه‌ها و رساله‌های الکترونیکی دانشگاه دوک^۶ (۲۰۱۵، ۱۴) تصریح شده که از زمانی که پایان‌نامه دانشجوی به شکلی ملموس در می‌آید، براساس قانون کپی‌رایت ایالات متحده، کل حقوق قانونی آن در انحصار دانشجو است. این حقوق در طول زندگی پدیدآور به علاوه ۷۰ سال پس از وفاتش معتبر خواهد بود، مگر آنکه دانشجو این حقوق را به شخص ثالثی، برای مثال یک ناشر،

¹ Pickton

² McKnight

³ Abriah

⁴ University Copyright Office

⁵ University of Melbourne

⁶ Duke University

واگذار کند. دفتر ارتباطات علمی^۱ (۲۰۱۵) در دانشگاه کالیفرنیا نیز در مورد حق کپی رایت پایان نامه ها و رساله های دانشجویان آورده است: دانشجویان، پس از خلق پایان نامه، خود به خود مالک کپی رایت اثر خود هستند، فارغ از آن که این اثر ثبت شده باشد یا شامل صفحه اعلان کپی رایت شود.

باید توجه داشت که مواردی که در این آیین نامه های دانشگاهی نگاشته شده است همیشه به این سادگی قابل تفسیر و پیروی نیست. بسیاری از دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی سیاست های مالکیت فکری خود را مدون کرده اند که شرایط مالکیت بر یک پایان نامه را بسیار پیچیده تر عنوان کرده اند. برای مثال، «آیین نامه کپی رایت دانشگاه استنفورد» (Stanford University 2016) حقوق مادی آثار تولید شده توسط دانشجویان را تحت شرایط خاصی برای خود محفوظ داشته است. این شرایط خاص شامل مواردی می شود که پایان نامه یا رساله جزء «آثار سفارشی» قلمداد می شوند یا در تهیه و انجام آنها از منابع دانشگاه «استفاده غیر معمول» شده باشد.

در یک نگاه گسترده تر، می توان به نوشته هایی اشاره کرد که به موضوع «علم مال کیست؟» منتشر شده اند. برای مثال، گروهی از پژوهشگران «دانشگاه منچستر» در مقاله ای با عنوان «علم مال کیست؟»^۲ (Rhodes et al. 2011) مسأله مالکیت علم را مورد پرسش قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که با مدل های فعلی آینده درخشانی برای پیشرفت علم و دسترسی عمومی به آن نمی توان متصور شد. آنها خواستار جنبش و مدل جدیدی در زمینه مالکیت علم شده اند. هرچند، نگاه آنها بیشتر نقد نظام موجود دسترسی به اطلاعات و نتایج پژوهش علمی بوده تا ارائه راهکار و پاسخ به این مشکل. تارلاک^۳ (۲۰۰۲) نیز با طرح چنین مسأله ای به لزوم تغییر در نظام دسترسی به علم را گوشزد کرده است.

«مک شری»^۴ (۲۰۰۱) با در هم آمیختن سه موضوع قانون، علم، و دانشگاه به بررسی روند تولید مالکیت های فکری در دانشگاه و قوانین و مقررات حاکم بر آن پرداخته است. پیل^۵ (۲۰۱۰) موضوع حقوق مالکیت فکری در آثار دانشگاهی را با دید خاص تر و حقوقی تری مورد ارزیابی قرار می دهد.

^۱ Office of Scholarly Communication

^۲ Who Owns Science

^۳ Tarlock

^۴ McSherry

^۵ Pila

او با توضیح این که اشکال اصلی سرمایه های فکری در اثر دانشگاهی کپی رایت و پروانه های ثبت اختراع هستند، به این نتیجه می رسد که تصمیم درباره مالکیت حقوق مرتبط با یک اثر فکری — که در دانشگاه پدید آمده است — آسان نیست و پیچیدگی های بسیاری به همراه دارد. به نظر او، در یک گزاره کلی می توان گفت که هر آنچه توسط فرد و بدون حمایت (چه مادی، چه معنوی) طرف دیگری پدید آمده است، متعلق به اوست و کسی نمی تواند ادعای مالکیت آن را طرح کند. در مقابل، اگر فرد توسط شخص یا نهاد دیگری حمایت می شود، همه چی وابسته به متن قرارداد یا توافق نامه ای است که میان آنها امضاء می شود.

از پژوهش های دیگری که درباره حق مالکیت در آثار دانشگاهی به انجام رسیده می توان به مطالعه «رهمتیان»^۱ (۲۰۱۴) اشاره کرد که به تجزیه و تحلیل آیین نامه های دانشگاهی مرتبط با کپی رایت و حقوق مالکیت فکری پرداخت. نتیجه جالبی که «رهمتیان» از پژوهش خود می گیرد آن است که بحث و جدل بر سر حقوق مادی و معنوی آثار در آثاری بیشتر است که نتیجه رابطه استخدامی اساتید با دانشگاه هستند (آثار سفارشی). به عبارت دیگر، زمانی که اثری تحت حمایت دانشگاه یا مؤسسه دیگری به انجام می رسد، نزاع بر سر مالکیت کپی رایت نیز بیشتر است.

جمع بندی نوشته های مرتبط با موضوع این پژوهش نشان می دهد که موضوع حقوق مادی و معنوی بر پایان نامه ها و رساله ها، حدوداً از زمانی بیشتر مورد توجه حقوق دانان و صاحب نظران حوزه علم اطلاعات و دانش شناسی قرار گرفته که این منابع وارد محیط برخط شده و امکان استفاده از آنها بیشتر شده است. بنابراین، می توان گفت پژوهش در این زمینه بیشتر از اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد نوشته های دانشگاهی شده است، هر چند سابقه این مسئله به نگارش اولین پایان نامه دانشجویی برمی گردد. علیرغم اهمیت این موضوع، به نظر می رسد گستره بررسی و پژوهش درباره آن چندان نیست.

¹ Rahmatian

فصل سوم

روش‌شناسی پژوهش

۳. فصل سوم: روش شناسی پژوهش

رویکردی که در این پژوهش در پیش گرفته شده وام گرفته از بنیان های پارادایم کیفی است. در این فصل به توضیح چرایی انتخاب رویکرد کیفی برای انجام این پژوهش خواهیم پرداخت. همچنین، روشی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته تشریح خواهد شد. جامعه و نمونه پژوهش، روش نمونه گیری، و استفاده از تکنیک های مرسوم به عنوان ابزار گردآوری داده های پژوهش، از دیگر مباحثی هستند که سرفصل های اصلی این بخش را تشکیل می دهند. در پایان این فصل نیز به توضیح چگونگی تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده خواهیم پرداخت.

۳-۱. رویکرد پژوهش

اگرچه زمانی رویکرد غالب پژوهش و علم «کمی» بود و همین رویکرد مرز میان علم و غیر علم را مشخص می کرد، اما پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی این رویکرد را به چالش کشیدند و رویکرد نوینی برای پژوهش ارائه کردند. به عقیده نیومن^۱ (۲۰۰۳، ۷۰-۷۵) مطالعه بافت های اجتماعی و انسانی منجر به خلق داده های کیفی (اطلاعات نرم^۲) می شود که باید به عنوان متن^۳ تحلیل شوند. دلیل اصلی پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی برای به چالش کشیدن این رویکرد آن بود که حوزه های علمی

^۱ Neuman

^۲ soft data

^۳ text

مطرح در این علوم لزوماً با عدد و رقم سروکار ندارند و مهمترین داده آنها برای تجزیه و تحلیل متن و کلمات هستند. آنجا که پای چنین داده‌هایی به میان می‌آید دیگر روش‌های مطرح در رویکرد کمی قادر به پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش نیستند. در مقابل، روش‌های کیفی هستند که می‌توانند این گونه داده‌ها را تجزیه و تحلیل، و در نهایت تفسیر کنند تا پژوهشگر را به اهدافش در پژوهش برسانند (Creswell 2009).

پژوهش حاضر مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است. از یک سو، یکی از سوژه‌های پژوهش منابع اطلاعاتی و آثار دانشگاهی هستند که مطالعه آنها بیشتر در حوزه علوم اجتماعی صورت می‌گیرد. چگونه این آثار پدید می‌آیند؟ چه افرادی در پدیدآوری آنها نقش ایفا می‌کنند؟ چگونه می‌توان آنها را منتشر کرد؟ در صورت تجاری شدن آنها، قیمت‌گذاری آنها به چه شکل انجام می‌شود؟ و پرسش‌هایی از این دست بیشتر در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و اکاوی می‌شود که شاخه‌ای از علوم اجتماعی است. از طرف دیگر، این پژوهش با مسائل حقوقی - به ویژه کپی‌رایت - سروکار دارد که موضوع مطالعات علوم انسانی است. مال و مالکیت چیست و چه زمانی مطرح می‌شود؟ مالک کیست؟ قانون چه حق و حقوقی و با چه کم و کیفی به مالک می‌دهد؟ و پرسش‌هایی از این دست نیز در زمره مطالعات حقوقی قرار می‌گیرند که شاخه‌ای از علوم انسانی است.

با توجه به هدف اصلی پژوهش، یعنی آگاهی از بنیان‌های قانونی حق مادی و معنوی مالکیت فکری بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، سروکار پژوهشگران با قوانین و متونی مشابه است که در ارتباط با موضوع نگاشته شده‌اند. از طرفی باید با استفاده از این بنیان‌های حقوقی به استدلال پرداخت و از طرف دیگر دید به این مسأله چگونه پاسخ داده شده است. بنابراین، داده‌هایی که در این زمینه گردآوری می‌شوند الزاماً، نه عدد و رقم، بلکه از جنس متن و محتوا است. از این رو، روش‌هایی که در رویکرد کیفی معرفی شده‌اند و قدرت تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی را به ما می‌دهند، بهتر می‌توانند پژوهشگران را به هدف اصلی پژوهش برسانند.

۳-۲. روش پژوهش

گاهی پابندی به یکی از روش‌های پژوهش دشوار و چارچوب‌بندی پژوهش‌های کیفی در یک روش یا ژانر دقیق و مشخص چالش‌برانگیز است. از این رو، در یک پژوهش ممکن است از روش‌ها و تکنیک‌های متعددی برای تحلیل داده‌ها از ژانرهای گوناگون وام گرفته شود و تحلیل با توجه به نیاز

پیش برود (Miles, Huberman, and Saldaña 2014, 9). در این پژوهش نیز - با توجه به ماهیت میان رشته‌ای بودن آن - پیروی از اصول تنها یک روش مشخص برای پاسخگویی به پرسش‌ها کارآمد به نظر نمی‌رسید. از این رو، سعی شده که از مبانی گوناگونی برای انجام پژوهش کمک گرفته شود. با این حال، اصول دو روش پژوهش کیفی بیش از سایر روش‌ها در این مطالعه استفاده شده است.

«روش تحلیل اسنادی»^۱ و «روش تطبیقی»^۲ دو روشی بوده‌اند که برای کمک در دستیابی به اهداف پژوهش به نظر مناسب آمده‌اند. برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، پژوهشگران اسناد مرتبط با این حوزه را جستجو، بازیابی، مطالعه، و از منظر حقوقی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت روش پژوهش در این جا تحلیل اسنادی است. تحلیل اسنادی یک فرایند نظام‌مند است که از طریق آن اسناد مرتبط با یک موضوع - چه چاپی چه الکترونیکی - گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند تا پژوهشگر بتواند به پرسش اصلی تحقیق خود پاسخ دهد (Rapley 2007). این روش پژوهش برای سال‌های متمادی است که یکی از راه‌های پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش‌های منتشر شده در نشریات، کتاب‌ها، و سایر منابع پژوهشی به شمار می‌آید. همانند سایر روش‌های مطرح در پژوهش‌های کیفی، در تحلیل اسنادی نیز داده‌های گردآوری شده باید به منظور خاصی تفسیر و تحلیل شوند. اگرچه برخی تحلیل اسنادی را نه به عنوان یک روش مستقل بلکه به عنوان یکی از ضمایم روش‌های کیفی در نظر می‌گیرند و معتقدند این فرایند در تمامی روش‌های کیفی کاربرد دارد و باید به اجرا درآید (Flic 2014, 526).

همان طور که از نام تحلیل اسنادی بر می‌آید، داده‌های مورد نیاز در این روش از طریق جستجو و مطالعه اسناد مرتبط گردآوری خواهند شد. بنابراین، منبع داده می‌تواند یک خبر چاپ شده در یک روزنامه رسمی باشد یا ساختار سازمانی یک شرکت تجاری. در این پژوهش، مهمترین منابع گردآوری داده‌های مرتبط، علاوه بر نوشته‌های پژوهشی در پیوند با موضوع، مواردی از قبیل قوانین کپی‌رایت موجود، مصوبه‌های رسمی نظام‌های آموزش عالی، و آیین‌نامه‌های آموزشی در سطوح گوناگون هستند. تحلیل اسنادی شامل سه گام اصلی برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش است: بررسی و انتخاب اسناد، مطالعه، و تحلیل و تفسیر است (Rapley 2007). بنابراین، این فرایند به نوعی شامل تحلیل

¹ document analysis method

² comparative method

محتوا و تحلیل موضوعی نیز می شود. فرایند گردآوری اسناد مرتبط در این پژوهش، علاوه بر جستجوی پایگاه های اطلاعاتی مهم برای یافتن نوشته های پژوهشی، شامل مراجعه به پایگاه های قوانین کشورها، وبگاه دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی گوناگون برای بازیابی آیین نامه های موجود، و سایر منابعی است که احتمالاً دربردارنده اسناد مرتبط با موضوع هستند.

روش دیگری جزء راهبردهای این پژوهش بوده روش مطالعه تطبیقی است. «اشتراوس»^۱ و «کوین»^۲ مقایسه و تطبیق را فرایندی می دانند که خواه ناخواه بر استدلال ما تأثیرگذار هستند. بنابراین علم و پژوهش سرشار از مقایسه و تطبیق است، اگرچه شاید این حضور به صورت تلویحی باشد و به چشم نیاید (Strauss and Quinn 1997). مطالعه تطبیقی حتی در سایر روش های کیفی - مانند قوم نگاری - نیز کاربرد دارد و به عنوان یک ابزار مهم استفاده می شود (Gingrich 2012). «کویر»^۳ (۱۹۹۳، ۱۰۷) معتقد است مقایسه از ابزارهای اساسی تحلیل است. این ابزار قدرت ما را برای توصیف بیشتر می کند و نقش آن در برجسته کردن شباهت های و تضادهای نمونه های مورد مطالعه کلیدی است. به طور معمول از مطالعه تطبیقی برای آزمون فرضیه ها، ساخت فرضیه های جدید، و نظریه پردازی استفاده می شود. استفاده از این روش جهت پاسخگویی به پرسش های علمی و پژوهشی بیشتر در حوزه های علوم انسانی و علوم اجتماعی رایج است؛ چراکه این علوم هستند که به مقایسه زبان ها، مذاهب، ادیان، فرهنگ ها، نظام های سیاسی، و نظام های حقوقی می پردازند (Flick 2014, 96). اگرچه، حوزه های دیگر علوم نیز گاه این روش را در مطالعات خود به کار می بندند.

در هر صورت، روش تطبیقی کیفی به دنبال جلب توجه نسبت به شباهت ها و تفاوت های میان موارد گوناگونی است که به عنوان سوژه پژوهش انتخاب شده اند. نهایتاً پژوهشگر از طریق این مقایسه ها قرار است به پرسش های پژوهش خود پاسخ دهد و به هدفش در پژوهش برسد (May 1997, 187). حوزه های مرتبط با حقوق و قانونگذاری از جمله زمینه هایی هستند که بسیار از روش تطبیقی سود می برند. این دسته از مطالعات تأثیر قابل توجهی بر نظام های ملی حقوقی دارند؛ شاهد این مسأله قوانین و حقوقی هستند که در نظام حقوقی یک کشور تثبیت شده و ریشه در نظام حقوقی کشور دیگری

¹ Strauss

² Quinn

³ Coiller

دارند. دلیل کاربرد رایج این روش کیفی در مطالعات حقوقی آن است که مسأله‌ای که اکنون پیش آمده، ممکن است در جای دیگری نیز پیش‌تر پیش آمده باشد و به شیوه‌های گوناگون به آن پاسخ داده شده باشد. از این رو، نخست باید این راهکارها را دید، شاید پاسخ پرسش ما نیز همان‌جا است (Wilson 2007, 87).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یکی از محورهای اصلی این پژوهش کپی‌رایت است که از سوژه‌های مطرح در مطالعات حقوقی است. بنابراین به نظر می‌رسد مقایسه و تطبیق قوانین و اسناد حقوقی (مانند آیین‌نامه‌ها، مقررات و غیره) می‌تواند به استدلال ما برای حل مسأله پژوهش و پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش کمک کند. دلیل اصلی استفاده از این روش آن است که کشورهای دیگر (به ویژه توسعه‌یافته) سال‌های طولانی است که کپی‌رایت از چالش‌های مهم آنها به شما می‌آید و احتمالاً مسأله‌ای که ما با آن مواجه هستیم نیز پاسخی در قوانین و آیین‌نامه‌های این کشورها دارد.

۳-۳. جامعه و نمونه پژوهش

جامعه مورد بررسی این پژوهش شامل قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها، و شیوه‌نامه‌های مرتبط با کپی‌رایت، به ویژه دربارهٔ پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران و کشورهای ایالات متحده و کانادا مد نظر این پژوهش می‌شود. انگیزه اصلی برای انتخاب کشورهای گفته‌شده سابقه آموزش و آموزش دانشگاهی در آنها و همچنین سابقه تعریف کپی‌رایت در آنها است. از دیگر دلایل انتخاب آنها رواج زبان انگلیسی در آنها است که پژوهشگران آشنایی بیشتری با این زبان نسبت به زبان‌های دیگر داشته‌اند.

بنابراین سه قانون اصلی کپی‌رایت به تصویب رسیده در این سه کشور (ایران، ایالات متحده، و کانادا) از مهمترین اسناد مورد بررسی این پژوهش بوده است. علاوه بر این، اسناد دیگری نیز وجود داشته‌اند که احتمالاً در آنها به مسأله کپی‌رایت آثار دانشگاهی — از جمله پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها — پرداخته شده و آن آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های دانشگاه در قبال چنین مسأله‌ای است.

به دلیل محدودیت‌های زمانی که پژوهش با آن مواجه بوده، امکان آن وجود نداشته که بتوان تمامی آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های دانشگاهی مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو، مجبور به استفاده از تکنیک نمونه‌گیری برای گزینش نمونه جهت بررسی شده‌ایم. در یک تقسیم‌بندی کلی، روش‌های نمونه‌گیری را می‌توان به دو روش تصادفی و غیر تصادفی دسته‌بندی کرد. در روش‌های تصادفی هر

عضو از جامعه شانس قرار گرفتن در نمونه را دارد و روش رایج تری برای نمونه گیری است. نمونه گیری خوشه ای و نمونه گیری طبقه ای، برای تعیین نمونه های پژوهش خود از روش تصادفی استفاده می کنند. اما در برخی از پژوهش ها امکان استفاده از روش های تصادفی برای نمونه گیری از جامعه پژوهش وجود ندارد. از این رو، پژوهشگر مجبور می شود با روش های غیر تصادفی و غیر معمول تر به نمونه گیری بپردازد. نمونه گیری گلوله برفی، نمونه گیری متخصص، و نمونه گیری در دسترس از انواع رایج روش های غیر تصادفی به شمار می آیند.

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر، به طور یقین پژوهشگران نمی توانند جهت گردآوری داده های لازم از روش های تصادفی برای نمونه گیری و تعیین نمونه پژوهش استفاده کنند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه در این پژوهش باید آیین نامه هایی انتخاب می شدند که از کیفیت و اعتبار لازم برخوردار باشند، تکنیک های رایج روش غیر تصادفی نیز نمی تواند کاربردی باشد.

راهبردی که در این پژوهش برای نمونه گیری پیش گرفته شده، راهبرد نمونه گیری هدفمند است. هدف اصلی ما برای گزینش نمونه ها اعتبار دانشگاه ها و به تبع اعتبار آیین نامه های دانشگاهی بوده است. به منظور شناسایی این دانشگاه های معتبر — به ویژه در ایالات متحده و کانادا — به یکی از نظام های رتبه بندی مؤسسه های آموزشی و پژوهشی رجوع شده است. «کیو.اس.»^۱ از معتبرترین و پربازدیدترین این نظام ها است که سالانه دانشگاه های جهان را رتبه بندی می کند. با مراجعه به این نظام، از هر کدام از ایالات کشور ایالات متحده یک دانشگاه^۲ و از هر کدام از استان های کشور کانادا نیز یک مؤسسه^۳ انتخاب شد.

پس از انتخاب نمونه های پژوهش نوبت به بازایی و دسترسی به سیاست های آنها در قبال کپی رایت و حق مالکیت فکری در آثار دانشگاهی (پدید آمده توسط دانشجویان، دانشگاه ها، و کارکنان) می رسید. برای فراهم شدن این دسترسی از موتور جستجوی «گوگل» استفاده شده است. برای افزایش دقت این بازایی از عبارت های جستجوی زیر استفاده است (دانشگاه «آیووا» تنها به عنوان مثال در این عبارت جستجو استفاده شده است):

^۱ QS ranking system

^۲ <http://www.topuniversities.com/where-to-study/north-america/united-states/top-universities-us-state-201415>

^۳ <http://www.topuniversities.com/where-to-study/north-america/canada/top-universities-canada-province-201415>

1. (own OR owner OR ownership OR holder) AND copyright AND (Theses OR thesis OR dissertation OR dissertations) AND site:uiowa.edu

2. copyright policy University of Iowa

به این ترتیب، برای کشور ایالات متحده آیین‌نامه و سیاست‌های نزدیک به ۵۰ دانشگاه و برای کشور کانادا نزدیک به ۱۰ دانشگاه بازیابی شد. پس از بازیابی این اسناد و آثار، متون و بندهای مربوطه در یک فایل «اکسل» جمع‌آوری و مدیریت شده است. پس از این گام، تجزیه و تحلیل‌های لازم روی این آثار به انجام رسیده است.

۳-۴. ابزار گردآوری اطلاعات: اسناد

در این پژوهش، از آنجا که آیین‌نامه‌های دانشگاهی و قوانین کشورها باید بررسی می‌شد، بنابراین این اسناد بوده‌اند که منبع اصلی گردآوری داده به شمار می‌آید. از این رو، این ابزار گردآوری داده بیش از سایر ابزارها (مصاحبه، مشاهده، پرسشنامه، سیاهه واریسی، گروه کانونی و غیره) می‌توانست کاربردی باشد.

به نظر جانسون و کریستنسن (Johnson and Christensen 2014) یکی از ابزارهای پژوهش، که بیشتر در پژوهش کیفی مطرح است، استفاده از داده‌های موجود یا داده‌های ثانویه است. گردآوری داده‌ها با استفاده از این روش بر پایه اطلاعات گردآوری شده قبلی استوار است.

فصل چهارم

یافته های پژوهش و بحث

۴. فصل چهارم: یافته‌های پژوهش و بحث

در سه فصل نخست این مطالعه به توضیح مسئله و منطق شکل‌گیری پژوهش، چارچوب و بنیان‌های نظری و بررسی نوشته‌های مرتبط، و روش‌ها و ابزارهای اجرای پژوهش پرداخته شد. اکنون، هدف این فصل ارائه مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش است. داده‌های گردآوری شده - به شیوه‌ای که در فصل سوم توضیح داده شد - به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل شده‌اند و یافته‌های به دست آمده در این فصل گزارش می‌شوند. با توجه به کیفی بودن رویکرد این مطالعه، داده‌های پژوهش از جنس واژه‌ها و عبارات بوده و برای تجزیه و تحلیل آنها از تفسیر و مقایسه استفاده شده است.

۴-۱. مقدمه

از آنجا که پژوهش حاضر رویکردی تطبیقی دارد و در صدد است تا داده‌های گردآوری شده از سه کشور - یعنی ایالات متحده، کانادا، و ایران - را با هم دیگر مقایسه کند، گزارش این فصل آمیزه‌ای از یافته‌های حاصل از این سه بخش است. در برخی پژوهش‌های تطبیقی این یافته‌ها به صورت مجزا گزارش می‌شوند که نمی‌تواند دید جامعی از موضوع به دست دهد و پژوهشگر را به هدف برساند؛ از این رو، در ادامه داده‌های حاصل از هر سه کشور با هم دیگر گزارش و بررسی خواهند شد.

۴-۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی

همان‌طور که گفته شد، جامعه مورد مطالعه این پژوهش قوانین، آیین‌نامه‌ها، و سیاست‌های کپی‌رایت دانشگاه‌های سه کشور ایالات متحده، کانادا، و ایران را در بر می‌گیرد. در ادامه اطلاعاتی جزئی از نمونه مورد بررسی گزارش خواهد شد.

۴-۲-۱. ایالات متحده

□ قوانین: از مهمترین اسنادی که برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش از آن استفاده شده «قانون کپی‌رایت ایالات متحده»^۱ است و شامل اصلاحاتی می‌شود که در تاریخ نهم دسامبر ۲۰۱۰ به تصویب رسیده است. در حال حاضر این قانون اصلی‌ترین منبع موجود در ایالات متحده درباره موضوع‌های مرتبط با کپی‌رایت است. از این رو، دانشگاه‌های این کشور نیز این قانون را برای تدوین سیاست‌های کپی‌رایتی خود مورد استفاده قرار می‌دهند. این قانون متشکل از یک مقدمه، ۱۳ بخش، و ۱۴ پیوست است.

□ آیین‌نامه‌ها: به طور معمول دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی آیین‌نامه‌های گوناگونی برای مدیریت مسائل متفاوت تدوین و منتشر می‌کنند. آیین‌نامه‌های آموزشی، پژوهشی، مالی، اخلاقی و غیره مثال‌هایی از این آیین‌نامه‌ها هستند. از آیین‌نامه‌های این مؤسسه‌ها که هدف بررسی این پژوهش بوده، آیین‌نامه مرتبط با کپی‌رایت یا «سیاست کپی‌رایت»^۲ یا «سیاست مالکیت فکری»^۳ بوده است. این آیین‌نامه‌ها شامل خط‌مشی‌های دانشگاه در قبال مالکیت ایده و آثاری است که توسط افراد وابسته به آن مؤسسه (اساتید، دانشجویان، پژوهشگران، و کارکنان) پدید می‌آید. از آنجا که شمار مؤسسه‌های آموزش عالی بسیار بود، از هر ایالت یک مؤسسه برای بررسی گزینش شد. دلیل گزینش مؤسسه‌ها از تمامی ایالات آن بود که با توجه به ساختار حاکمیتی فدرال در «ایالات متحده» ممکن بود قوانین برخی ایالت‌ها متفاوت باشد. نام ۵۰ مؤسسه‌ای که از ایالات گوناگون انتخاب شده در جدول ۴-۱ آمده است.

جدول ۴-۱. آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور ایالات متحده

State	University
-------	------------

¹ title 17: copyright law of the united states available at <http://www.copyright.gov/title17/>

² copyright policy

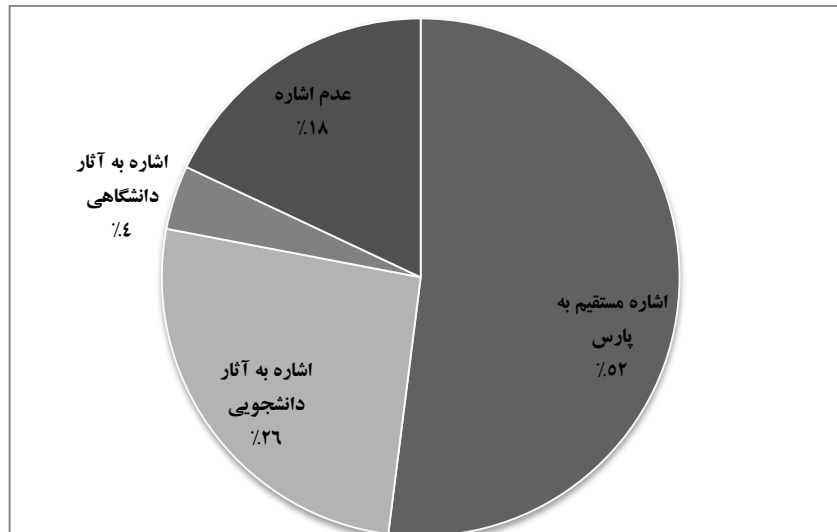
³ intellectual property policy

Alabama	University of Alabama at Birmingham
Arizona	University of Arizona
Arkansas	University of Arkansas
California	Stanford University
Colorado	University of Colorado at Boulder
Connecticut	Yale University
Delaware	University of Delaware
Florida	University of Florida
Georgia	Georgia Institute of Technology
Hawaii	University of Hawaii at Mā Noa
Illinois	University of Chicago
Indiana	Purdue University
Iowa	University of Iowa
Kansas	University of Kansas
Kentucky	University of Kentucky
Louisiana	Tulane University
Maryland	Johns Hopkins University
Massachusetts	Massachusetts Institute of Technology
Michigan	University of Michigan
Minnesota	University of Minnesota
Mississippi	University of Mississippi
Missouri	Washington University in St. Louis
Nebraska	University of Nebraska – Lincoln
New Hampshire	Dartmouth College
New Jersey	Princeton University
New Mexico	University of New Mexico
New York	Columbia University
North Carolina	Duke University
Ohio	Ohio State University
Oklahoma	Oklahoma University
Oregon	Oregon State University
Pennsylvania	University of Pennsylvania
Rhode Island	Brown University
South Carolina	University of South Carolina
Tennessee	Vanderbilt University
Texas	University of Texas at Austin
Utah	University of Utah
Vermont	University of Vermont

Virginia	University of Virginia
Washington	University of Washington
Washington DC	Georgetown University
Wisconsin	University of Wisconsin-Madison
Nevada	University of Nevada-Reno
Montana	University of Montana
Idaho	University of Idaho
North Dakota	North Dakota State University
South Dakota	South Dakota State University
Wyoming	University of Wyoming
West Virginia	West Virginia University
Alaska	University of Alaska Fairbanks

بررسی این آیین‌نامه‌ها نشان داد که ساختار آنها با هم‌دیگر متفاوت است:

- در برخی آیین‌نامه‌ها اشاره مستقیم به پایان‌نامه یا رساله شده است (اشاره مستقیم به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی)؛
 - در برخی از آنها به آثار دانشجو به طور کلی اشاره شده است (اشاره به آثار دانشجویی)؛
 - در برخی دیگر به آثار پدید آمده توسط دانشجویان اشاره‌ای نشده و آثار پدید آمده توسط افراد وابسته به دانشگاه مورد بحث قرار گرفته است (اشاره به آثار دانشگاهی)؛
 - و مؤسسه‌هایی هم وجود دارند که اشاره مستقیمی به سیاستشان در قبال آثار پدید آمده توسط افراد وابسته به مؤسسه نداشته، یا حداقل منتشر نکرده‌اند (عدم اشاره).
- از مجموع مؤسسه‌های انتخاب شده، نه مؤسسه (۱۸ درصد) جزء گروه آخر - یعنی آنهایی که سیاستشان را در قبال کپی‌رایت آثار منتشر نکرده‌اند - بوده که در جستجوهای انجام شده سیاست‌های آنها در مقابل کپی‌رایت بازیابی نشده است. شمار و درصد مؤسسه‌هایی که در هر یک از گروه‌های بالا قرار گرفته‌اند در نمودار ۱-۴ آمده است:



نمودار ۱-۴. اشاره به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور ایالات متحده

بر پایه نمودار بالا، ۲۶ مؤسسه (۵۲ درصد) از نمونه‌های بررسی شده در «ایالات متحده» به صورت مستقیم در سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های خود به لفظ پایان‌نامه و / یا رساله دانشگاهی اشاره کرده‌اند. شمار ۱۳ مؤسسه (۲۶ درصد) در متن خود از آثار دانشجویی استفاده کرده و دو مؤسسه (چهار درصد) نیز به آوردن آثار دانشگاهی بسنده کرده‌اند.

۴-۲-۲. کانادا

□ قوانین: «قانون کپی‌رایت»^۱ کانادا، مصوب سال ۱۹۸۵ میلادی، نیز مرجع اصلی این پژوهش برای بررسی مسأله کپی‌رایت در کانادا بوده است. آخرین اصلاحات قانون کپی‌رایت کشور کانادا نیز در تاریخ ۲۳ ژوئن ۲۰۱۵ اعمال شده است. این قانون شامل نزدیک به ۱۰۰ ماده می‌شود و از قانون‌های بسیار مفصل در زمینه کپی‌رایت به شمار می‌آید.

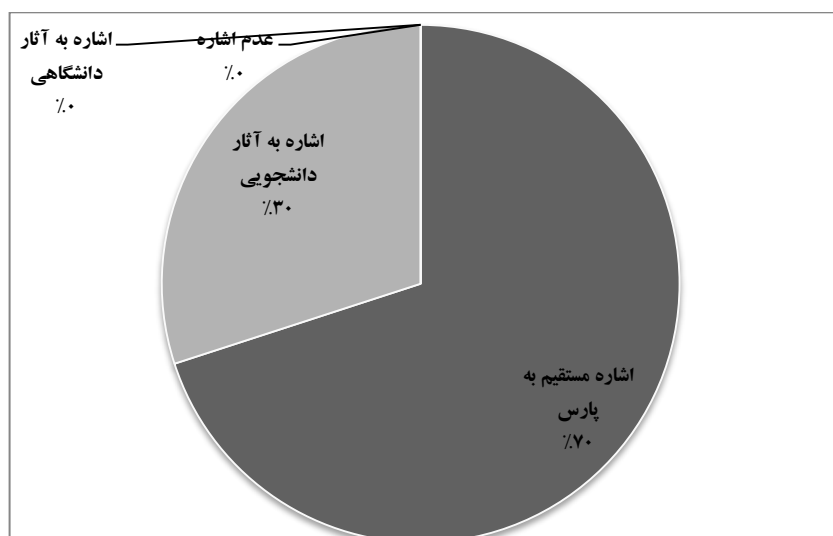
□ آیین‌نامه‌ها: با توجه به شمار زیاد مؤسسه‌های آموزش عالی کانادا نیز از هر استان یک مؤسسه برای بررسی گزینش شد. دلیل گزینش مؤسسه‌ها از تمامی استان‌ها آن بود که با توجه به ساختار حاکمیتی کشور «کانادا» ممکن بود قوانین برخی استان‌ها - با توجه به دو زبانه بودن این کشور - متفاوت باشد. نام ۱۰ مؤسسه‌ای که از استان‌های گوناگون انتخاب شده در جدول ۴-۲ آمده است.

جدول ۴-۲. آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور کانادا

¹ copyright act (R.S.C., 1985, c. C-42) available at <http://laws-lois.justice.gc.ca/eng/acts/C-42/FullText.html>

Provinces/Territories	University
Nova Scotia	Dalhousie University
Quebec	McGill University
Newfoundland and Labrador	Memorial University of Newfoundland
Alberta	University of Alberta
British Columbia	University of British Columbia
Manitoba	University of Manitoba
New Brunswick	University of New Brunswick
Prince Edward Island	University of Prince Edward Island
Saskatchewan	University of Saskatchewan
Ontario	University of Toronto

از مجموع مؤسسه‌های انتخاب شده کانادایی سیاست‌های خود در مقابل کپی‌رایت را به گونه‌ای مشخص کرده‌اند. شمار و درصد مؤسسه‌هایی که در هر یک از گروه‌های بالا قرار گرفته‌اند در نمودار ۲-۴ آمده است:



نمودار ۲-۴. اشاره به پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در آیین‌نامه‌های بررسی شده در مؤسسه‌های کشور کانادا

بر پایه نمودار بالا، شمار هفت مؤسسه (۷۰ درصد) از مؤسسه‌های کانادایی در سیاست‌های مالکیت فکری خود به صورت صریح از لفظ پایان‌نامه و/ یا رساله استفاده کرده‌اند. سه مؤسسه (۳۰ درصد) نیز بدون اشاره مستقیم به این منابع، سیاست خود را در قبال آثاری که توسط دانشجویان پدید می‌آید مشخص کرده‌اند.

۴-۲-۳. ایران

□ قوانین: «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان»^۱، (مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۲۱). این قانون شامل ۳۳ ماده و سه تبصره است و آخرین اصلاحات آن در ۱۳۸۹/۵/۳۱ و درباره مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر انجام شده و این مدت را از ۳۰ سال به ۵۰ سال افزایش داده است (فصل سوم قانون، «مدت حمایت از حق پدیدآورنده و حمایت‌های قانونی دیگر»). در کنار این قانون باید از «قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی» (مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶) نام برد که درباره کپی‌رایت احکام و قواعدی را وضع کرده است. این قوانین در سایه قواعد کلی مالکیت که در قانون مدنی ایران بیان شده‌اند قابل تبیین و تفسیر بوده، موارد سکوت و ابهامشان با توجه به مواد قانون مدنی و در صورت نیاز با رجوع به مفاد سایر قوانین بالادستی و نیز قواعد تفسیری رفع می‌گردد.

□ آیین‌نامه‌ها:

- آیین‌نامه دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته (مصوب ۱۳۸۸/۱/۱۵ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی). این آیین‌نامه در یک مقدمه، ۳۹ ماده و ۱۹ تبصره به مسائل مبتلابه در دوره کارشناسی ارشد، از جمله ضوابط ارائه و دفاع رساله پرداخته است.

- آیین‌نامه دوره دکتری (مصوب ۱۳۸۹/۸/۸ شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی). این آیین‌نامه دارای یک مقدمه، ۱۵ ماده و ۲۲ تبصره است و علاوه بر بیان موضوعات مرتبط با دوره‌های دکتری، موارد مرتبط با ارائه و دفاع از پایان‌نامه را نیز قاعده‌مند کرده است.

گفتنی است با توجه به تفوق ضوابط و قواعد نظام دولتی آموزش عالی در ایران بر آموزش‌های غیردولتی، آنچه در نظام دولتی مورد تصویب و پیروی قرار می‌گیرد، در نظام غیر دولتی تحصیلات عالی نیز مورد اتباع است.

۴-۳. مالکیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در «ایالات متحده» و «کانادا»

با وجود تفاوت‌های گوناگون، اشتراک و شباهت‌های فراوانی میان قانون کپی‌رایت در دو کشور «ایالات متحده» و «کانادا» به چشم می‌خورد. این شباهت‌ها در مواد قانونی و متون کپی‌رایت این دو

¹ <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/96427>

کشور مشهود است. افزون بر قوانین، بررسی اجمالی آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی - پژوهشی دو کشور حاکی از آن است که اشتراک‌ها و شباهت‌های زیادی میان این دسته از اسناد نیز وجود دارد. از این رو، در ادامه سعی شده است این دو کشور در کنار هم و کشور ایران به صورت جداگانه بررسی شود.

۴-۳-۱. حقوق معنوی

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، «حقوق معنوی» یک اثر ناظر بر احراز هویت پدیدآور به‌عنوان شخصیتی حقیقی است که آن اثر را پدید آورده است. بنابراین، هدف حقوق معنوی حمایت از «شخصیت» یا «شهرت» پدیدآور — و نه لزوماً مالک — اثری است که تحت حمایت قانون کپی‌رایت قرار گرفته است (Harris 2011). ایده اصلی حقوق معنوی بر این پایه استوار شده که «خلق یک اثر ادبی/ هنری صرفاً محصولی نیست که بتوان آن را خرید و فروش کرد، بلکه محمل مستقیمی است که شخصیت، هویت، و حتی روح خلاق یک پدیدآور را در بر می‌گیرد» (Bird and Ponte 2006, 217). پس می‌توان گفت به‌سان مادری که نمی‌توان فرزندش را از او گرفت، جدایی پدیدآور و اثرش نیز غیرممکن است.

نظریه پردازهای حقوق مالکیت فکری رویکرد حاکم بر حقوق معنوی را برخاسته از فلسفه «کانت» و «هگل» می‌دانند که حقوق مالکیت شخصی را در بر دارنده شخصیت افراد می‌پنداشتند. به‌ویژه، «هگل» درباره رویکردی دوگانه نسبت به مالکیت فکری بحث می‌کند که از نظر او شامل دو گونه حق، یعنی حق معنوی و حق مادی می‌شود. هرچند همین صاحب‌نظران تاریخچه وجود این نوع حق را متعلق به دوران «یونان» و «رم» باستان می‌دانند (Bird and Ponte 2006). بر این پایه، دور از ذهن نیست که ارزش قائل شدن برای این نوع مالکیت باعث رونق پدیدآوری و تشویق پدیدآوران به خلق آثار ادبی/ هنری می‌شود؛ چراکه پدیدآوران درباره ارتباط میان خود و اثرشان مطمئن هستند و می‌دانند که نامشان برای همیشه روی اثر باقی خواهد ماند.

بیشتر قوانین کپی‌رایت این حق معنوی را برای پدیدآوران محترم شمرده‌اند، اگرچه ممکن است برخی قوانین حقوق مرتبط با این گونه مالکیت را برجسته‌تر کرده باشند (Holderness 1998). حق معنوی پدیدآوران در معاهده‌های بین‌المللی هم مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، معاهده «برن» در یکی از مواد خود صراحتاً به حق معنوی پدیدآوران اشاره کرده و می‌گوید (ماده ۶): «جدای

از حق مادی و اقتصادی، و حتی پس از انتقال این حقوق، پدیدآور می تواند ادعای پدیدآوری اثر را داشته باشد و علیه دخل و تصرف، تغییر، تحریف، اعوجاج، و سایر اعمال مشابه نسبت به اثرش که ممکن است آسیبی به صداقت یا شهرت او بزند طرح دعوا کند^۱. به همین دلیل است که این گونه حق حتی پس از فوت پدیدآور نیز برای همیشه برای او محفوظ است، برخلاف حقوق مادی که مدت زمان محدودی (بسته به قوانین کپی رایت کشورها) پس از فوت پدیدآور برای او محفوظ می ماند.

اگرچه «ایالات متحده» تا قبل از اینکه در سال ۱۹۸۹ معاهده «برن» را امضا کند چندان توجهی به حقوق معنوی پدیدآوران نداشت و در متن قانون روی این حقوق تأکید قابل توجهی نکرده بود، پس از پیوستن به این معاهده این حقوق نیز در قانون این کشور برجسته شد. هرچند مهم ترین دلیل این کشور برای امتناع از پیوستن به معاهده مربوط به ثبت^۲ آثار می شد، اما مسأله حقوق معنوی نیز از علت های دیگر نپیوستن «ایالات متحده» به معاهده «برن» بود. در هر صورت، پس از امضای این معاهده، کنگره حقوق معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخت و در متن قانون از آن نام برد. این حقوق نخست تنها برای آثار هنری بصری (نقاشی، طراحی، مجسمه، عکس و غیره) در نظر گرفته شده بود.^۳ انتساب و تمامیت تنها حقوقی بودند که از مجموعه حقوق معنوی برای پدیدآوران در متن قانون مورد اشاره واقع شده بودند (Ardito 2002). دلیل اصلی پذیرش این دو گونه حق آن بود که معاهده تنها پذیرش این دو حق را برای اعضا الزام آور کرده بود.

در قانون کپی رایت فعلی «ایالات متحده» دو حق گفته شده همچنان برای آثار بصری محفوظ است.^۴ اگرچه در ایالات گوناگون ممکن است کم و کیف این حقوق و آثاری که موضوع این حقوق هستند متفاوت باشد. در قانون کپی رایت فعلی این کشور اشاره ای به دیگر حقوق معنوی پدیدآوران در متن قانون نشده است. مسأله دیگری که دارای اهمیت است، استثنای هاستند که این ماده قانونی در نظر گرفته است؛ از مهمترین این استناها «آثار سفارشی» هستند. به عبارت دیگر، اگر

¹ Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works (September 28, 1979), Article 6bis (1): Moral Rights

² registration

^۳ این حقوق در قانونی با عنوان «Visual Artists Rights Act of 1990» آمده بود.

⁴ Title 17, § 106A . Rights of certain authors to attribution and integrity, (a) Rights of Attribution and Integrity

اثر سفارشی باشد و شخص سومی — حقیقی یا حقوقی — در ازای پرداخت هزینه آن را سفارش داده باشد می‌تواند حقوق معنوی مرتبط به آن را نیز تصاحب کند (Bird and Ponte 2006, 257).

بر خلاف «ایالات متحده»، «کانادا» از جمله نخستین کشورهایی بوده که با تصویب ماده‌ای خاص حقوق مالکیت معنوی^۱ این گونه حقوق را به رسمیت شناخته است (Mohammed 2009). حقوق معنوی در دو ماده مجزا در قانون کپی‌رایت «کانادا» مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. بر پایه مواد 14.1 و 17.1، «پدیدآور یک اثر حق تمامیت بر اثرش، و همچنین آمدن اسمش بر روی آن را دارد». این مواد تأکید می‌کنند که حقوق معنوی قابل واگذاری و انتقال نیستند، اما می‌توانند مورد چشم‌پوشی قرار گیرند. به عبارت دیگر، زمانی حقوق معنوی به کسی اختصاص یافت، دیگر این حق قابل انتقال به غیر نیست.

به طور کلی، از آنجا که «ایالات متحده» و «کانادا» جزء کشورهایی هستند که معاهده «برن» را امضا کرده‌اند، طبیعی است که حق معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخته و در قوانین خود به آن توجه کرده باشند. طبق ماده «۶ مکرر» این معاهده:

۱. این حق مستقل از حقوق مادی است و حتی پس از انتقال حقوق [مادی] گفته شده برای پدیدآور محفوظ است و پدیدآور و می‌تواند به هر گونه تحریف، حذف یا هر نوع تغییر اثر یا هر نوع لطمه دیگر نسبت به آن که موجب خدشه‌دار شدن اعتبار یا شهرت او شود اعتراض کند؛
۲. این حقوق (حقوق مقرر برای پدیدآورنده وفق بند یک) دست کم پس از وفات پدیدآور تا انقضای حقوق مالی حفظ می‌شود و توسط اشخاص یا نهادهایی که به موجب قوانین ملی کشور محل تقاضای حمایت صلاحیت دارند، اجرا می‌گردد. با این وجود، کشورهایی که قوانین حاکم آنها در زمان تصویب یا الحاق به این معاهده فاقد مقررات حمایت پس از وفات، مقرر در بند یک این ماده، هستند می‌توانند مقرر کنند که برخی از این حقوق پس از وفات پدیدآورنده باقی نمی‌ماند.
۳. طرح دعاوی برای حفظ حقوق مقرر در این ماده توسط قوانین کشوری که در آن تقاضای حمایت شده تعیین می‌شود.

¹ § 6bis

بر این پایه، هر دو کشور «ایالات متحده» و «کانادا» حقوق معنوی پدیدآوران را به رسمیت شناخته و از آن حمایت می‌کنند. اما باید توجه داشت، تنها دو حق از مجموعه حقوق معنوی در کنوانسیون برن مورد توجه قرار گرفته، در حالی که این مالکیت محدود به این دو حق نمی‌شود. کشورهای عضو معاهده می‌توانند حقوقی بیش از این دو حق برای حمایت معنوی از پدیدآوران تصویب کنند.

از چالش‌های حقوق معنوی که حقوق‌دانان با آن مواجه هستند شرایط حقوق معنوی در «آثار سفارشی» است. حق معنوی آثاری که سفارش داده می‌شوند تا پدید آیند متعلق به کیست، پدیدآور اصلی یا فرد/ مؤسسه‌ای که اثر را سفارش داده است؟ قوانین کپی‌رایت در دو کشور «ایالات متحده» و «کانادا» در این مورد وارد جزئیات نشده‌اند. بر پایه قوانین موجود می‌توان استنباط کرد که هر دو مورد امکان‌پذیر است، یعنی حقوق معنوی هم می‌تواند متعلق به پدیدآور اصلی باشد یا فرد/ مؤسسه‌ای که اثر را سفارش داده است. برخی معتقدند در صورتی که سفارش‌دهنده یک مؤسسه باشد، به لحاظ حقوقی نمی‌تواند به عنوان پدیدآور در نظر گرفته شود (Rigamonti 2006, 376). به هر جهت، در این موارد قراردادهای توافق‌نامه‌های میان سفارش‌دهنده و پدیدآور هستند که تکلیف را مشخص خواهند کرد. در این توافق‌نامه‌ها علاوه بر حقوق مادی باید حقوق معنوی اثر نیز مشخص شود که در نهایت فرد/ مؤسسه سفارش‌دهنده این حق را برای خود محفوظ می‌داند یا همه حقوق معنوی متعلق است به پدیدآورنده اصلی و کسی که اثر را خلق کرده است.

در مورد پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی مسأله حقوق معنوی کاملاً متفاوت است. تفاوت اصلی این آثار با سایر آثار دانشگاهی و غیردانشگاهی آن است که نام دانشجو باید روی اثر باشد که یک مدرک دانشگاهی به او تعلق گیرد. به عبارت دیگر، زمانی که نام دانشجو روی پایان‌نامه یا رساله‌اش نباشد و از اثر خود دفاع نکند درجه دانشگاهی خاصی به او اعطا نمی‌شود. از این رو، تمام حقوق معنوی پایان‌نامه یا رساله دانشجویان برای آنها محفوظ است.

بدیهی است حقوق معنوی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها برای دانشجویان محفوظ است و بنابراین دانشگاه‌ها در آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت خود به طور معمول به آن نمی‌پردازند، یا شمار کمی از آنها به آن اشاره می‌کنند. برای مثال، «دانشگاه میشیگان» این موضوع را برای دانشجویان یادآور می‌شود که در قراردادهایشان حقوق معنوی خود را در نظر گیرند. بر پایه آیین‌نامه «دانشگاه

میشیگان» تمام حقوق معنوی یک اثر که توسط دانشجویان پدید آمده است برای آنها محفوظ است (University of Michigan Library 2016). مالکیت حقوق معنوی نه تنها در پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی بلکه در سایر آثار علمی / دانشگاهی نیز متعلق به پدیدآورنده است، مگر در شرایط خاص و استثناها.

۴-۳-۲. حقوق مادی

هرچه قوانین کپی‌رایت در مورد حقوق معنوی گاهی ساکت هستند یا مبهم با آن برخورد می‌کنند، به حقوق مادی توجه بسیار دارند. می‌توان استنباط کرد که در اصل موضوع قانون کپی‌رایت حقوق مادی و مزایای اقتصادی حاصل از آثاری بوده که تحت پوشش قانون کپی‌رایت در می‌آیند. در حالی که تمرکز حقوق معنوی روی «پدیدآور» (و پدیدآور واقعی) یک اثر است، مرکز توجه حقوق مادی روی «صاحب» یا «مالک» اثر است. بنابراین، تعیین مالک یک اثر – به جای پدیدآور آن – در این زمینه حائز اهمیت است.

بر پایه آن چه در بخش «گونه‌های مالکیت در کپی‌رایت» شرح داده شد، قانون کپی‌رایت به صاحبان آثار تحت حمایت چندین حق انحصاری اعطا می‌کند. گستره و دامنه این حقوق ممکن است در قوانین گوناگون متفاوت باشد؛ یعنی ممکن است قانونی برای صاحبان آثار پنج حق در نظر گرفته باشد و قانونی دیگر شش حق. همچنین، این حقوق درباره آثار گوناگون نیز متفاوت هستند؛ حقوقی که برای آثار نوشتاری کاربرد دارند ممکن است برای آثار هنری و بصری کاربرد نداشته باشند. بنابراین، قوانین کپی‌رایت جزئیاتی درباره این مسائل در بر می‌گیرند.

طبق ماده ۱۰۶ «قانون کپی‌رایت ایالات متحده»، شش حق انحصاری به صاحبان آثار تحت

حمایت تعلق می‌گیرد:^۱

- تکثیر آثار تحت حمایت؛
- تهیه آثار اشتقاقی بر پایه آثار تحت حمایت؛
- توزیع نسخه‌های آثار تحت حمایت از طریق فروش یا سایر گونه‌های انتقال مالکیت، اجاره، کرایه، یا امانت؛

¹ USC § 106: Exclusive rights in copyrighted works

- اجرای عمومی آثار (درباره آثار هنری، موسیقایی، دراماتیک، حرکات موزون، پانتومیم، تصاویر متحرک، و دیگر آثار صوتی - تصویری)؛
 - نمایش عمومی آثار (درباره آثار هنری، موسیقایی، دراماتیک، حرکات موزون، پانتومیم، و آثار تصویری، گرافیک، یا مجسمه، شامل قطعه عکس، تصاویر متحرک، یا سایر آثار صوتی - تصویری)؛
 - اجرای عمومی آثار به وسیله ابزار دیجیتالی انتقال صوت (درباره رکوردهای صوتی).
- بنابراین، مالکان آثاری که تحت حمایت «قانون کپی‌رایت ایالات متحده» در می‌آیند امتیاز بهره‌مندی از شش حق گفته‌شده را خواهند داشت. باید توجه داشت، این قانون دارای استثناها و محدودیت‌هایی نیز می‌شود که ممکن است این شش حق را نادیده بگیرند. بر پایه «قانون کپی‌رایت ایالات متحده» این شش حق تا ۷۰ سال پس از وفات مالک (ان) محفوظ است و پس از این دوره آثار به «مباحات» یا «دامنه عمومی» می‌پیوندند (ماده ۳۰۲).
- اما در «قانون کپی‌رایت کانادا» حقوق انحصاری مالکان آثار بسیار جزئی‌تر مطرح شده است. اگرچه هم‌خوانی بسیاری میان این حقوق با حقوق مطرح در «قانون کپی‌رایت ایالات متحده» وجود دارد؛ بنابراین، جنس حقوق چندان تفاوتی ندارد. بر پایه قسمت نخست «ماده ۳» از بخش نخست «قانون کپی‌رایت کانادا» ۱۰ حق برای مالکان آثار در نظر گرفته شده است:^۱
- تولید، تکثیر، اجرا، یا انتشار هر ترجمه‌ای از اثر؛
 - تبدیل به رمان یا سایر آثار غیردراماتیک (درباره آثار دراماتیک)؛
 - تبدیل به آثار دراماتیک از طریق اجرای عمومی یا روش‌هایی مشابه (درباره آثار رمان یا سایر آثار غیردراماتیک، یا آثار هنری)؛
 - درست کردن یک رکورد موسیقایی، فیلم سینمایی، یا دیگر آثار این چنینی به طریقی که اثر ممکن است مکانیکی تکثیر یا اجرا شود (درباره آثار ادبی، دراماتیک، یا موسیقایی)؛
 - تکثیر، تطبیق، و ارائه اثر به عنوان یک اثر سینمایی (درباره هر اثر ادبی، دراماتیک، موسیقایی، یا هنری)؛

¹ R.S.C. C-42, part I: copyright and moral rights in works, § 3 (1)

- هم‌رسانی عمومی اثر از طریق ارتباط دوربرد (درباره هر اثر ادبی، دراماتیک، موسیقایی، یا هنری)؛
 - اجاره برنامه رایانه‌ای (درباره برنامه‌های رایانه‌ای)؛
 - اجاره رکورد صوتی که حاوی اثر است (درباره آثار موسیقایی)؛
 - فروش یا انتقال مالکیت به شیوه‌های دیگر (درباره هر اثری که شکلی ملموس دارد).
- آن‌گونه که تعریف حقوق مادی کپی‌رایت بر می‌آید، هماهنگی زیادی میان قوانین دو کشور وجود دارد. «قانون کپی‌رایت کانادا» نیز تمامی این حقوق را تا ۵۰ سال پس از وفات مالک (ان) کپی‌رایت برای او / آنها محفوظ می‌دارد.

مسئله‌ای که در بررسی مالکیت و حقوق مادی در قوانین کپی‌رایت دارای اهمیت است آن است که پدیدآور اثر لزوماً مالک اثر نیست. به عبارت دیگر، ممکن است اثر توسط فردی پدید آمده باشد که این فرد تمامی حقوق مادی اش را به فرد / مؤسسه دیگری انتقال داده باشد. برای مثال، به طور معمول پدیدآوران حقوق مادی یک کتاب را برای مدتی (محدود) به ناشرانی که این کتاب‌ها را منتشر می‌کنند انتقال می‌دهند. بنابراین، در این مدت پدیدآور نمی‌تواند کتابش را خود تکثیر و توزیع کند. اگرچه معمولاً این قراردادها و توافق‌نامه‌ها هستند که از نظر قانون کپی‌رایت صلاحیت تعیین مالک کپی‌رایت را دارند، اما قانون در مواردی شرایط این مالکیت را مشخص کرده است. از مواردی که قانون کپی‌رایت در این خصوص به آن اشاره کرده «آثار سفارشی» است.

اثر سفارشی، در واقع، اثری است که به سفارش فرد / مؤسسه‌ای توسط شخص ثالثی پدید می‌آید. پدیدآور اصلی ممکن است برای پدید آوردن اثر دستمزد دریافت کرده باشد یا نباشد. در این شرایط پدیدآور اصلی احتمالاً تنها از حقوق معنوی اثر بهره‌مند می‌شود و حقوق گوناگون مادی اثر از آن فرد / مؤسسه سفارش‌دهنده خواهد شد؛ بنابراین، از نظر قانون مالک کپی‌رایت فرد / مؤسسه سفارش‌دهنده اثر است. اثر سفارشی و شرایطی که بر آن حاکم است هم در «قانون کپی‌رایت ایالات متحده» و هم در «قانون کپی‌رایت کانادا» مورد توجه قرار گرفته است. طبق همین مسئله، دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی نیز ممکن است مالکیت برخی آثار را تصاحب شوند. بنابراین، به لحاظ نظری، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان هم ممکن است به مالکیت خودشان یا مؤسسه‌ای که در آن مشغول به تحصیل هستند در آیند؛ آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت مؤسسه‌ها نیز از چنین موضوعی حکایت دارد.

گزاره کلی در مورد کپی‌رایت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها آن است که تمامی حقوق مادی و معنوی این آثار متعلق به دانشجو است. دلیل این امر آن است که پایان‌نامه و رساله معمولاً ایده خود دانشجو هستند و برای انجام آن دستمزدی به آنها پرداخت نمی‌شود. در بیشتر موارد چنین گزاره‌ای درباره آثار دانشجویی — از جمله پایان‌نامه و رساله — صادق است، اگرچه این گزاره مطلق نیست. به عبارت دیگر ممکن است در برخی موارد مؤسسه حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله را در اختیار گیرد.

تحلیل آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت مؤسسه‌های مورد بررسی در دو کشور «ایالات متحده» و «کانادا» نشان می‌دهد در مواردی که دانشجو حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله‌اش را در اختیار دارد، به‌عنوان یکی از شرایط دانش‌آموخته شدنش به مؤسسه اجازه «دائمی»، «غیرانحصاری»، «جهانی»، «غیرتجاری»، و «غیرقابل انتقال» رایگان برای ذخیره یک نسخه از اثرش برای مقاصد آرشیوی و همچنین تکثیر و توزیع عمومی اثر طبق مأموریت آموزشی و پژوهشی مؤسسه دهد. در آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت دانشگاه‌ها از این اجازه دائمی، غیرانحصاری، جهانی، غیرتجاری، و غیرقابل انتقال رایگان به عنوان «شاپ رایتس»^۱ یاد می‌شود. در جدول ۴—۴ متون مربوط به انتقال این اجازه غیرانحصاری در برخی از آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت مؤسسه‌ها آمده است.

جدول ۴—۴. آیین‌نامه مؤسسه‌ها برای انتقال اجازه غیرانحصاری حقوق مادی آثار دانشجویان

دانشگاه	آیین‌نامه
University of Nebraska – Lincoln	<i>A student must, as a condition to a degree award, grant royalty-free nonexclusive permission to the University to store copies of such works for archival purposes and to reproduce and publicly distribute copies of his or her thesis or dissertation within the University education and research missions; provided however, that should the student identify any legitimate proprietary interest the student may have in the work, or should the University determine that it has an ownership interest in any patentable or otherwise protectable Intellectual Property interest in the work, the University shall then delay any public access to the work for up to one year following the presentation of the work, in order for the student to consult with the University regarding the protection of the proprietary interest.</i>

¹ shop rights

University of Alabama at Birmingham	<i>"Shop Rights" means a non-exclusive, non-transferable, royalty-free license to reproduce, distribute, publicly perform, publicly display, or make derivative works of the copyrighted work, for educational or research purposes only. Except for textbooks and articles published in scholarly journals, the University shall have shop rights to copyrighted materials developed by its faculty, staff and students, pursuant to paragraph A above, and faculty, staff and students of the University shall have shop rights to copyrighted materials owned by the University, pursuant to paragraphs B and E above; provided, however, that no faculty, staff or student shall use any shop rights hereunder in competition with the University while such individual is employed by the University.</i>
University of Iowa	<i>Any University employee who makes an assignment of a work to the University can request and will be granted a non-exclusive royalty-free license to reproduce, adapt, perform, or display the assigned work for his or her own scholarly, research, or creative purposes.</i>
	<i>In submitting the dissertation, the student will be granting to the University of Kentucky and its agents the non-exclusive license to archive and make accessible the dissertation in whole or in part in all forms of media, now or hereafter known.</i>
Oklahoma University	<i>Provided however, in all cases a student's graduate thesis or dissertation shall be deemed a student work under this policy but as a condition of enrollment and awarding a degree, the University reserves an irrevocable, nonexclusive, free-of-cost and world-wide right to reproduce in any media and distribute to the public, on a non-commercial basis, copies of said theses and dissertations, unless to do so would impair the ability of the creator to commercially or professionally exploit the work. If a use of the work by University is reasonably determined by the creator to impair the exercise of such rights, the University shall discontinue the impeding use but otherwise shall remain free to use the work as provided in this paragraph.</i>
University of Virginia	<i>The University retains a non-exclusive, royalty-free right to use for non-commercial purposes works produced by its employees while acting within the scope of employment even if copyright ownership is ceded to the author or authors.</i>
North Dakota State University	<i>As a condition of any such relinquishment or assignment, the Institution shall retain a perpetual, non- exclusive, worldwide and royalty-free license to use the work for teaching, educational, archival, and research purposes. This subsection shall not apply to companion works that enable, or are incidental to or necessary for the practice of, an Invention owned by the Institution under this Policy.</i>

McGill University	<i>License to University: The University is automatically granted a non-exclusive, royalty-free, irrevocable, indivisible, and non-transferable license to use, for its own academic purposes, all works created by an author: a) with University assistance; or b) with the use of University equipment, facilities, or resources; or c) in the course of academic duties or work in the course of study, research, or teaching. This license shall confer to the University neither commercial rights, nor the right to reproduce published works. The University shall not disseminate works in a way that would allow persons who are not members of the University community to have electronic access to them. For the purpose of this section, the University's "own academic purposes" refers to research carried on at the University, by professors, students, and staff of the University, and teaching by professors of the University to students registered at the University.</i>
University of British Columbia	<i>These licenses clearly stipulate that you own the copyright to your dissertation or thesis, but that you have allowed "non-exclusive" use of your dissertation or thesis to the University Library and Library and Archives Canada.</i>
Dalhousie University	<i>These licenses clearly stipulate that you own the copyright to your thesis, but that you have granted a "non-exclusive" license to the University and to Library and Archives Canada to reproduce your thesis.</i>

بیشتر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزشی – پژوهشی اجازه استفاده از اثر را به این دلیل نیاز دارند که بعداً پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان را بر روی واسپارگاه‌های سازمانی خود منتشر کنند. این انتشار به طور معمول به صورت دسترسی آزاد انجام می‌شود و غالباً دانشگاه نمی‌خواهد - و نمی‌تواند - از آنها استفاده تجاری کرده و کسب درآمد کند. بیشتر مؤسسه‌هایی کانادایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های خود را برای انتشار به «کتابخانه ملی کانادا» تحویل می‌دهند و به همین دلیل در آیین‌نامه‌های خود اجازه تحویل این آثار را از دانشجویان کسب می‌کنند.

باید به این نکته توجه داشت که مؤسسه‌ها لزوماً پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را درست پس از دفاع دانشجویان روی واسپارگاه‌های سازمانی خود منتشر نمی‌کنند. این مسئله می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد؛ از مخالفت دانشجو با انتشار سریع گرفته تا امکان وجود اختراع در آثار. اما تلاش

مؤسسه‌ها بر آن است تا در صورت امکان مدت زمان این «تأخیر در انتشار»^۱ را کاهش دهند تا نتایج پژوهش‌های علمی در کوتاه‌ترین زمان ممکن به دست کاربران برسد.

اما همان طور که گفته شد حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله همیشه به دانشجویان تعلق ندارد و تحت شرایط خاصی ممکن است این مالکیت از آنها سلب شده و در اختیار مؤسسه‌ای که در آن مشغول به تحصیل هستند یا به سایر نهادها تعلق گیرد. جمع‌بندی آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت دو کشور نشان می‌دهد در موارد زیر حقوق مادی پایان‌نامه برای دانشگاه یا مؤسسه محل تحصیل محفوظ خواهد بود:

۱. تهیه اثر تحت شرایط قرارداد یا کمک هزینه پژوهشی (prepared under the terms of a

contract or grant): قرارداد یا کمک هزینه پژوهشی ممکن است دو منبع داشته باشد: منابع داخلی دانشگاه و منابع خارجی دانشگاه. دانشگاه ممکن است حین انجام پروژه خاصی با دانشجویان قرارداد امضا کند و در ازای پرداخت دستمزد آنها را درگیر فعالیت‌های پژوهشی کند و دانشجو نیز حین انجام این فعالیت‌ها پایان‌نامه یا رساله خود را تکمیل کند. در چنین شرایطی دانشگاه ممکن است ادعای حقوق مادی اثر را داشته باشد. از طرف دیگر، ممکن است منبع کمک هزینه پژوهشی خارجی باشد. در چنین شرایطی که دانشگاه با یک مؤسسه خارجی وارد قرارداد می‌شود تا در ازای پرداخت هزینه پژوهشی برای آن مؤسسه انجام شود، این شرایط و ضوابط قرارداد هستند که تعیین‌کننده حقوق مادی آثار خواهند بود. برای انجام این پژوهش دانشگاه شاید اساتید، کارکنان، و دانشجویانش را برای انجام این پژوهش انتخاب کند و تمامی افراد درگیر در پژوهش باید به یاد داشته باشند که مسأله کپی‌رایت و حقوق مادی پژوهش تابع شرایط و ضوابط قرارداد میان دانشگاه و مؤسسه خارجی خواهد بود.

۲. استفاده قابل توجه از منابع و امکانات مؤسسه (involved substantial use of university

resources): «استفاده قابل توجه» از منابع و امکانات دانشگاه به معنای استفاده عادی از منابعی مانند کتابخانه، آزمایشگاه، زمان و دانش اعضای هیئت علمی، رایانه‌ها، و سایر خدمات روزمره دانشگاه نیست. این استفاده به معنای دریافت یک کمک مالی خاص از طرف دانشگاه به واسطه یک

¹ embargo

قرارداد مشخص، اختصاص یک عضو هیئت علمی یا کارمند دانشگاه به پژوهش دانشجو خارج از مدت زمان معمول در دانشگاه، خرید ابزار یا تجهیزات ویژه برای انجام پایان‌نامه یا رساله توسط منابع مالی دانشگاه، و سایر استفاده‌های ویژه‌ای است که دانشگاه از قبل شرایط آنها را تعیین کرده است.

۳. تهیه اثر به عنوان بخشی از وظایف شغلی (in the course of regular employment duties): به آثاری که در این گروه قرار می‌گیرند گاهی «آثار سازمانی»^۱ هم اطلاق می‌شود. آثار سازمانی یعنی آن چه که مالکیتش در اختیار دانشگاه یا مؤسسه است. زمانی که افراد به استخدام دانشگاه در آمده‌اند و در ازای انجام پژوهش «حقوق»^۲ دریافت می‌کنند، آثاری هم که تولید می‌کنند به دانشگاه تعلق می‌گیرد. آثار سازمانی به دسته دیگری از آثار نیز اشاره دارد؛ آثاری که افراد زیادی درگیر انجام آن هستند و تفکیک نقش آنها در اثر نهایی امکان‌پذیر نیست؛ این آثار نیز چون با حمایت دانشگاه یا مؤسسه انجام شده‌اند به مالکیت دانشگاه در خواهند آمد. بنابراین، زمانی که فرد در ازای انجام پژوهش از یک مؤسسه حقوق دریافت می‌کند، انتظاری که مؤسسه از او دارد پدید آوردن محتوا و آثار پژوهشی است؛ به عبارت دیگر، پدیدآوری محتوا و آثار پژوهشی بخشی از وظایف پژوهشگر در این شرایط است.

جدول ۴-۴. آیین‌نامه مؤسسه‌ها برای انتقال اجازه غیرانحصاری حقوق مادی آثار دانشجویان

آیین‌نامه	دانشگاه
-----------	---------

¹ institutional works

² wage or salary or stipend

University of Alabama at Birmingham	<i>As a general rule, creator(s) retain all rights to copyrightable works, unless subject to the conditions discussed in this section. A. Individual efforts: The copyright in a copyrightable work produced by faculty, staff or students on their own initiative shall be the exclusive property of such individual(s) unless the work was specifically commissioned or assigned (refer to Section B), or unless the work was prepared under the terms of a contract or grant, or unless preparation involved substantial use of University resources. Except in the cases covered in paragraphs B through E below, the ownership of books, scholarly articles/monographs, trade publications, maps, charts, articles in popular magazines and newspapers, novels, nonfiction works, supporting materials, artistic works, syllabi, lecture notes, and like works will reside with the creator(s) and any revenue derived from their work will belong to the creator(s). B. University assigned efforts: The copyright in a copyrightable work prepared by faculty, staff or students in the course of their regular employment duties or by special direction or commission shall be the property of the University. Such condition of employment or such directions shall be in writing and shall be agreed to in advance by both the University and the individual. A faculty member's general obligation to produce scholarly and creative works does not constitute a University assignment in the context of this paragraph. Works created by students in the normal course of their coursework, such as a term paper, thesis/dissertation or similar scholarly work, does not constitute a University assignment in the context of this paragraph. A copyright agreement providing for the sharing of royalties, as discussed later in this policy, may, at the discretion of the University, be entered into by the University and the individual in regard to the work. C. Sponsor supported efforts: Copyright ownership in copyrightable materials developed during work supported partially or in full by an outside sponsor, through a contract or grant with the University, is determined by the applicable provisions of such contract or grant. In the absence of any governing provision, the ownership of any copyright shall be determined in accordance with paragraphs A, B, D or E herein. D. University-assisted individual efforts: A copyrightable work that is developed with substantial use of University resources and is not sponsor-supported shall be the property of the University.</i>
Stanford University	<i>In accord with academic tradition, except to the extent set forth in this policy, Stanford does not claim ownership to pedagogical, scholarly, or artistic works, regardless of their form of expression. Such works include those of students created in the course of their education, such as dissertations, papers and articles. The University claims no ownership of popular nonfiction, novels, textbooks, poems, musical compositions, unpatentable software, or other works of artistic imagination which are not institutional works and did not make significant use of University resources or the services of University non-faculty employees working within the scope of their employment.</i>

University of Hawaii at Mā Noa	<i>Intellectual Property In general, materials developed exclusively by a student as part of course work (including theses and dissertations) are the student's property, the final disposition of which remains the student's prerogative. Should materials so developed result in publication or other types of dissemination, the authorship or other credit shall be determined by the student. Note the following exceptions: Materials from Funded Research If a student develops materials with funding from a grant or contract, even partially, then provisions of the grant or contract may determine ownership of intellectual property. The student should ascertain the expectations of the funding agency with respect to the ownership of the materials developed from the research and secure necessary agreements in writing. Materials from University Employment If a student develops materials while working as a university employee or if the work involves more than incidental use of university resources, then the university may have a right to a share of the intellectual property.</i>
University of Iowa	<i>Any work created under the terms of a contract or other binding agreement with an entity, other than the University, when such contract or agreement requires University ownership of the work (see V-30.4d, Case C9); Any work created with a significant use of University resources (see V-30.4d, Cases C10, C11, and C12). The University may determine that it has an ownership interest in a particular copyright work developed with grant or contract funding when creation of the specific work in question was an identified objective of the grant or contract. Any work created by professional and scientific staff members, merit staff members, or student employees whenever such work is the product of their assigned tasks or is a reasonably expected product of their employment.</i>
Massachusetts Institute of Technology	<i>The ownership of copyrights in student theses is governed by the following: Copyright ownership of theses generated by research that is performed in whole or in part by the student with financial support in the form of wages, salaries, stipend, or grant from funds administered by the Institute shall be determined in accordance with the terms of the support agreement, or in the absence of such terms, shall become the property of the Institute. Copyright ownership of theses generated by research performed in whole or in part utilizing equipment or facilities provided to the Institute under conditions that impose copyright restrictions shall be determined in accordance with such restrictions.</i>
University of Mississippi	<i>The University may claim copyright to student-created materials whose sole or partial intent is to have commercial value and whose development or creation involves Substantial Use of University Resources (see Section B. Definitions). If the provisions of this Policy are in conflict with copyright agreements with an employer other than UM, it is the responsibility of the student to see that conflicts are resolved before copyrightable materials are produced.</i>

Princeton University	<i>All Faculty members, employees, and students, in consideration of their membership in the academic community and upon the approval of this policy by the Trustees and the Faculty of Princeton University, agree to handle inventions and patents resulting therefrom as follows: 1) The University shall own all rights in any discovery or invention resulting from research carried on by any Faculty member, employee, or student a) in which all or part of the cost thereof is paid from University funds or from funds administered by the University, or b) which is made as a direct result of University duties, or c) which has been developed in whole or in part through the utilization of University resources.</i>
Brown University	<i>The exceptions to this policy that shall vest ownership of the copyright in a work with Brown University, rather than with the author or authors of the work, are: I. if the work is a Work Made for Hire as defined by United States copyright law; II. if the work is defined as an "Institutional Work" under Section 2.4 below; III. if there is an intent to commercialize the copyrighted material on the part of the copyright owner or owners in an industrial application (e.g., commercial data management and analysis products and services); IV. if the work was "Significantly Derived from University Resources" under Section 2.5 below; V. if the work is an audio, video, photographic or any form of digital reproduction of a class, course or presentation made by Brown faculty, staff or students; VI. if the work includes images of Brown University-owned facilities, buildings or property for purposes other than scholarly research and publication; VII. if the work includes rare Brown University holdings or unique data sets that are periodically employed by faculty or students other than the author or authors of the work; or VIII. if the work includes the name or insignia of Brown University as an endorsement, enhancement or sanction for a product or service.</i>
University of Alberta	<i>Under University policy, intellectual property created by University employees in the course of their employment is the University's property only if the work or the invention was created at the direction of the employee's supervisor. (Among the best – but not only – examples of this are the hiring of an individual specifically to develop software for stated purposes, or to write or create text or illustrations for a specific publication.) The relationship between funding and intellectual property rights depends on (a) who the funding body is, and (b) what the terms and conditions of funding are.</i>
University of New Brunswick	<i>Students hold copyright in thesis/reports; ownership of ideas themselves normally shared among those who have made material contribution. If have employment relationship with University, IP may be institution-owned (depends on circumstances). UNB may also request, when they work on sponsored research projects, that students assign IP to the institution. If employed on contract involving external client, IP ownership may be covered under terms of related agreement (i.e., IP could be client-owned). Student should be informed up front by faculty/supervisor. Otherwise, IP is Inventor-owned by student.</i>

همان طور که گفته شد، گزاره کلی درباره حق حقوق مادی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان آن است که دانشجو مالک اثر خود است. مواردی پیش گفته که در آنها مؤسسه حقوق مادی آثار را تصاحب می‌کند را می‌توان به عنوان استثنایی در نظر گرفت که چندان رایج نیستند. نکته دیگری که در بررسی آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های کپی‌رایت به چشم می‌خورد آن است که این شرایط و ضوابط قراردادها هستند که تعیین‌کننده اصلی حق حقوق مادی هستند. در هر سه موردی که عنوان شد، باید قرارداد میان مؤسسه و دانشجو مشخص کرده باشد که حقوق مالکیت مادی اثر در نهایت متعلق به کیست.

۴-۴. مالکیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در ایران

در نظام تحصیلات تکمیلی ایران، مالکیت بر رساله یا پایان‌نامه دانشجویی را باید در سایه اصول کلی حاکم بر مالکیت و آنچه در قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان^۱ ۱۳۴۸ آمده است توجیه و تفسیر کرد.

آشکار است که رساله یا پایان‌نامه در مفهوم ماده ۱ قانون حمایت، «اثر» تلقی می‌شود و نویسنده آن، یعنی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد یا دکتری، «پدیدآور» یا «صاحب‌اثر» است؛ چرا که طبق این ماده: «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند، «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود». درباره رساله یا پایان‌نامه آنچه در این نوشته در حوزه حقوق ایران بررسی می‌شود آن است که اگر اثر متعلق به پدیدآور است، هرگاه اشخاص متعدد در ایجاد اثر دخیل بودند، آیا این دخالت آن‌ها را به مرتبه پدیدآور ارتقا می‌دهد و اگر چنین باشد چنین پدیدآورندگان چه سهمی در حقوق مرتبط با اثر دارند و چگونه باید حقوق خود را اعمال کنند یا از این حقوق پاسداری شود.

در حقوق ایران، اصل نخستین در مالکیت، وحدت مالک است؛ به این معنا که حسب فرض قانونگذار، هر مال، اولاً و بالذات تنها یک مالک دارد، مگر خلاف آن ثابت شود. نتیجه اجرای این اصل در مورد پایان‌نامه و رساله، پذیرش مالکیت انحصاری دانشجوی کارشناسی و دکتری بر اثری است که در پایان دوره تحصیل خلق می‌کند و البته این مالکیت انحصاری، هم درباره حقوق مادی مجرا است و هم در مورد حقوق معنوی ناشی از پایان‌نامه یا رساله.

^۱ به این قانون از این پس، «قانون حمایت» می‌گوییم.

از سوی دیگر، حسب قاعده ید، آنچه در ید و تصرف یک نفر قرار دارد، بر طبق فرض قانونی متعلق به صاحب ید است و «غیر»، زمانی می‌تواند در موضوع ید خود را ذیحق بداند که این امر به طرق مقتضی و با توسل به ادله معتبر ثابت گردد. نتیجه اعمال قاعده ید در رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی آن است که پایان‌نامه و رساله‌ای که تحت تصرف دانشجو قرار دارد و به نام او ارائه و ثبت شده به او تعلق دارد و غیر او در آن فاقد هر گونه حق است.

همچنین از مفاد ماده ۳۰ قانون مدنی ایران که مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد» با رعایت ماده ۴ و ۵ قانون حمایت که به ترتیب مقرر می‌دارند: «حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست...» و «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید...»، استفاده می‌شود که اولاً قانونگذار ایران برای دانشجوی کارشناسی ارشد و دکتری در اثر پدیدآوردن پایان‌نامه یا رساله، حقوق مادی و نیز حقوق معنوی قائل است و ثانیاً او می‌تواند به استناد ماده ۳۰ قانون مدنی هر گونه که می‌خواهد در این حقوق تصرف کند، مگر قانون خلاف آن را تصریح کرده باشد یا از اوضاع و احوال، خلاف آن استنباط گردد و یا اثبات شود.

آنچه تاکنون گفته شد مؤدای احکام کلی مربوط به خلق اثر و میزان حقوق پدیدآور بود؛ فارغ از این که (۱) اثر واقعاً متعلق به او باشد یا نتیجه سرقت یافته علمی؛ (۲) او دانشجو باشد یا غیر دانشجو، (۳) در تهیه پایان‌نامه یا رساله از غیر کمک مادی یا فکری گرفته باشد یا نه، (۴) اثر را استقلالاً پدید آورده باشد یا مشترکاً، (۵) حقوق مادی یا معنوی خود را منتقل کرده باشد یا خیر، (۵) حق او مشمول مرور زمان قرار گرفته باشد یا نه.

مطالبی که در ادامه گفته خواهد شد، تبیین موارد فوق است و به منظور دسته‌بندی بهتر، تمام موارد را در ذیل دو عنوان بررسی خواهیم کرد، حقوق مادی و حقوق معنوی.

۴-۱. حقوق مادی

مفهوم حقوق مادی پیش‌تر بیان شد و این اصل را نیز پذیرفتیم که در حالت متعارف، مالک رساله یا پایان‌نامه خود دانشجو است، بدین معنا که هر منفعت مادی و قابل تقویم به پول که از پایان‌نامه یا رساله حاصل شود فقط به دانشجو تعلق دارد؛ اما در ادامه، دامنه این مالکیت در فروض مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ با این توضیح ضروری که بسیاری از آنچه درباره حقوق مادی گفته می‌شود در مورد حقوق معنوی رساله و پایان‌نامه نیز صادق است، مگر در جای خود خلاف آن بیان گردد.

۴-۱-۱. حقوق مادی پایان نامه و رساله در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی

۴-۱-۱-۱. در دانشگاه‌های دولتی^۱ (غیر شهریه‌ای): منظور از دانشگاه دولتی، هر دانشگاهی است که در آن، دانشجو بابت تحصیل به آن شهریه پرداخت نمی‌کند» که با این تعریف، ملاک دولتی بودن یا نبودن، پرداخت شهریه از سوی دانشجو است، نه تعلق دانشگاه به دولت و نتیجتاً حسب تعریف مذکور، از نظر این نوشته، دانشگاه پیام نور، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دانشگاه‌های شبانه یا دوره‌های شبانه دانشگاه‌ها غیردولتی هستند. در نظام آموزشی دانشگاه‌های ایران، حسب آنچه در اصل ۳۰ قانون اساسی آمده: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد؛ اما همان طور که در قسمت اخیر این اصل اشاره شده، در آموزش عالی ایران، رایگان بودن آموزش، منوط است به توان مالی دولت و در غیر این صورت، دولت می‌تواند در ازای آموزش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، اعم از کارشناسی ارشد و دکتری، از دانشجویان شهریه بگیرد؛ هم‌چنان که اکنون در خصوص دانشجویان دانشگاه پیام نور چنین می‌کند. در این خصوص توجه به نظریه شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ شورای نگهبان و مکاتبات منجر به این نظریه به شرح زیر سودمند است:

«شماره ۱۰۳۰۳/م ن تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بدین وسیله به استحضار می‌رساند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور قبل از اجرای مقررات مربوط به آموزش رایگان براساس مصوبات وزارت علوم و آموزش عالی (سابق) سالیانه مبلغی در حدود ۸/۵۰۰ ریال الی ۱۲/۰۰۰ ریال برای دانشگاه‌های دولتی و رقمی در حدود ۴۱/۰۰۰ ریال برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به‌عنوان شهریه، متناسب با رشته و دوره تحصیلی از دانشجویان خود دریافت می‌نمودند.

در مرداد ماه سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون «تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» تحصیلات در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور مجانی اعلام گردید و به موجب ماده ۷ همین

^۱ با توجه به تعریفی که به دست داده شد، شاید بهتر باشد موضوع در قالب دانشگاه‌های شهریه‌ای و دانشگاه‌های غیرشهریه‌ای بررسی شود؛ اما چون این دو اصطلاح چندان رایج نیست، موضوع را در قالب دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی ادامه می‌دهیم.

قانون، بهره‌مندان از آموزش رایگان مکلف شدند معادل دو برابر مدتی که از تحصیلات رایگان استفاده نموده‌اند، در صورت نیاز دولت، در رشته متناسب با تحصیلات خود در دستگاه‌های دولتی و یا به معرفی دولت در دستگاه‌های خصوصی در کشور خدمت نمایند و در صورت استتکاف از انجام تمام و یا قسمتی از خدمات مذکور، باید هزینه تحصیلات رایگان را به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند، به دولت بپردازند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، لایحه قانونی مذکور در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۶ بررسی و ماده ۷ قانون مذکور اصلاح و مدت تعهد فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان به میزان مدت بهره‌مندی از آموزش رایگان به ازای هر سال بهره‌مندی، یک سال اصلاح گردید که تاکنون نیز ملاک عمل بوده است و در حال حاضر نیز به همین نحو عمل می‌گردد. در جهت اجرای این قانون و به موجب مواد ۴ و ۱۰ همین قانون، دانشگاه‌ها در هر نیمسال تحصیلی فهرست اسامی و مشخصات تحصیلی و سجلی فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان را به تفکیک رشته تحصیلی و با قید مدت تعهد آنان به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال می‌دارند تا از طریق سازمان امور اداری و استخدامی کشور نسبت به کاربایی آنان اقدام گردد و در همین مورد صراحتاً اعلام گردیده است چنانچه فارغ‌التحصیلان مشمول ماده ۷ تمام و یا قسمتی از خدمت مذکور در ماده ۷ این قانون را انجام نداده باشند، باید هزینه تحصیلات خود، اعم از شهریه و کمک‌های دریافتی را به طور کامل یا به تناسب عدم انجام خدمت مقرر، نقداً از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی به خزانه دولت پرداخت نمایند.

لذا بر همین اساس در سال ۱۳۵۴ کمیته‌ای به منظور بررسی و تعیین هزینه تحصیلی سرانه دانشجویان در گروه‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی تشکیل و هزینه شهریه سالانه دوره‌های مختلف تحصیلی را مشخص و به‌عنوان ملاک میزان شهریه، طی بخشنامه‌های شماره ۱۰۶/۲۶۶ مورخ ۱۳۵۴/۴/۸ و شماره ۱۰۶/۶۵۱ مورخ ۱۳۵۵/۳/۱۹ به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعلام گردید در صورتی که دانشجویان مایل به استفاده از مزایای آموزش رایگان نباشند و یا قبل از انجام خدمت مقرر تعهد خدمتی خود را لغو نمایند، نسبت به پرداخت هزینه شهریه خود اقدام نمایند و در همین رابطه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان که قبل از انجام تعهد مذکور قصد بازپرداخت هزینه شهریه به منظور لغو تعهد و دریافت مدرک تحصیلی خود را داشته‌اند، در خلال سال‌های ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۱ مبلغ ۷۳/۰۷۲/۹۹۱ ریال اخذ گردید و به حساب خزانه‌داری کل واریز شده است.

اکنون که براساس اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اشعار می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد»، خواهشمند است پاسخ سؤالات ذیل را با توجه به تفسیر اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند تا جهت اجرا به واحدهای ذیربط ابلاغ گردد:

۱. آیا لایحه قانونی تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی (مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران) که مؤخر به تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، کماکان به قوت خود باقی است و از اختیار قانونی جهت اجرا برخوردار می‌باشد؟ بدیهی است با اعلام پاسخ به سؤال فوق، نحوه برخورد با افرادی که حاضر به سپردن تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل در قبال مدت استفاده از آموزش رایگان نیستند، مشخص خواهد شد.

۲. آیا مجوزی جهت اخذ وجه از افرادی که دارای تمکن مالی جهت پرداخت مبلغی به عنوان شهریه و یا کمک به دانشگاه می‌باشند، وجود دارد؟ آیا تصویب چنین مقرراتی خلاف قانون اساسی تلقی خواهد شد؟

۳. مسکوت بودن موضوع شهریه دانشجویان اتباع خارج که در دانشگاه‌های داخل کشور تحصیل می‌نمایند، در قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به این نکته که امکان اخذ تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل از نامبردگان موجود نیست و همچنین به علت ضعف مالی بسیار شدید گروهی از این دانشجویان آیا:

الف) اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج کدام‌یک از وجوه: الزامی، مجاز، و یا ممنوع را دارا می‌باشند؟

ب) در صورت الزامی بودن اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج در خصوص آن عده از آنان که از بضاعت مالی لازم برخوردار نیستند، به چه نحو می‌توان عمل نمود؟

۴. در مورد معاودین عراقی که براساس مصوبه هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه‌های داخل کشور مشغول تحصیل می‌گردند، با توجه به بازگشت نامبردگان به کشور عراق پس از پیروزی هر چه سریع‌تر رزمندگان اسلام و نیز با توجه به وضعیت اخراج نامبردگان از عراق به چه نحو می‌توان اقدام نمود؟ (نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران).

جناب آقای ... نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۳۰۳/م ن مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۹، موضوع سؤالات در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضا به شرح ذیل اعلام می گردد:

«اصل سی ام قانون اساسی و بعض اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین، آموزش رایگان در حد امکان کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی دولت با رعایت اولویت ها، مثل ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل سی ام قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه های ملی به موجب قوانین عادی نمی باشد. علیهذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نمی باشد». (دبیر شورای نگهبان)

مستفاد از آنچه گفته شد:

۱. دولت در ازای ارائه آموزش در دانشگاه های دولتی (غیر شهریه ای) حسب رویه تا حال وجهی نگرفته است.

۲. تعهد استفاده کنندگان از آموزش های دولتی، تعهد به ارائه خدمت معادل مدت تحصیل در دوره های آموزشی است.

۳. منعی وجود ندارد که در صورت عدم تمکن مالی، دولت بابت آموزش از دانشجویان وجه دریافت کند.

با توجه به موارد بالا، در وضعیت کنونی آنچه توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان پایان نامه یا رساله نوشته می شود، از نظر حقوق مادی تماماً به دانشجو تعلق دارد؛ زیرا:

اولاً در مقررات مربوط ذکری از حق خواهی دولت در این باره نشده است؛

ثانیاً عمده تصریحی که در باب حق دولت بر دانشجویان ذکر شده، حق درخواست ارائه خدمت از سوی فارغ از تحصیلات است؛

ثالثاً حسب مقررات موجود، هیچ توافق جانبی بین دانشجویان و دولت یا دانشگاه مربوط آنان درباره تسهیم حقوق مادی پایان نامه یا رساله صورت نگرفته و نباید صورت گیرد؛

رابعاً پایان‌نامه یا رساله دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی را نمی‌توان به شرح ماده ۱۳ قانون حمایت، یک اثر سفارشی دانست. طبق این ماده: «حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش‌دهنده است، مگر آن که برای مدت کم‌تر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد». علت آن است که در اثر سفارشی، اقدام به ایجاد اثر ابتدائاً یا پیش از خاتمه، ناشی از سفارش غیر است و اگر چنین سفارشی در کار نباشد، اثری پدید نمی‌آید.

خامساً حتی اگر حقی مادی برای دانشگاه‌ها یا دولت در بخش مادی قابل تصور باشد، رویه و جریان متعارف در رابطه بین دانشگاه‌ها یا دولت، این حق را در حوزه حقوق مالکیت فکری وارد نمی‌کند و همان را نیز مشمول اعراض از حق یا اسقاط آن می‌داند.

نتیجه آنچه بیان شد آن است که درخصوص پایان‌نامه یا رساله دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی، حقی برای دانشگاه به وجود نمی‌آید و تمام حقوق مادی اثر به دانشجوی فارغ از تحصیل تعلق دارد و او می‌تواند با توجه به ماده ۳۰ قانون مدنی در مایملک خود (پایان‌نامه یا رساله) به هر شکل که می‌خواهد تصرف کند و حسب ماده ۵ قانون حمایت: «پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند:

۱. تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن.
۲. نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایش‌های دیگر.
۳. ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صحنه یا نوار یا هر وسیله دیگر.
۴. پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر.
۵. ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن.
۶. استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی.
۷. به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است».

دیده شده که در برخی از دانشگاه‌های دولتی، پیش از آن که دانشجو وارد مرحله دفاع از پایان‌نامه یا رساله شود، از وی اقرارنامه‌ای از سوی دانشگاه اخذ می‌شود، دایر بر این که — گاه همه و گاه بخشی از — حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله به دانشگاه تعلق دارد و دانشجو نیز این اقرارنامه را امضا می‌کند و

چنین سندی جزء اسناد راجع به پایان‌نامه یا رساله نگهداری می‌شود. در این دانشگاه‌ها چنانچه دانشجو چنان متنی را امضا نکند، به او اجازه برگزاری جلسه دفاع از پایان‌نامه یا رساله داده نمی‌شود؛ اما آیا این اقرارنامه اعتبار دارد؟

ماده ۱۹۹ قانون مدنی ایران می‌گوید: «رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست». اگر بپذیریم که واگذاری همه یا بخشی از حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله، نوعی معامله است و همچنین اقدام دانشگاه در اخذ رضایت دانشجو به کیفیت مذکور از مصادیق روشن اکراه (اجبار) است، بی‌شک چنین مکتوبی نمی‌تواند مستند انتقال همه یا بخشی از حقوق مادی پایان‌نامه یا رساله به دانشگاه شود و مفاد این اقرارنامه، حسب قواعد کلی حقوق مدنی و نیز مواد قانون حمایت، اعتباری نداشته، قابل استناد نیست.

۴-۱-۲. در دانشگاه‌های غیردولتی (شهریه‌ای): در مواردی که پایان‌نامه یا رساله توسط دانشجویانی نوشته می‌شود که در دانشگاه‌های غیردولتی تحصیل می‌کنند، وضعیت مالکیت حقوق مادی ناشی از چنین اثری به نظر آشکارتر است؛ چرا که از همان آغاز در رابطه بین دانشجو و نهاد آموزشی، این توافق صورت گرفته که دانشجو باید در ازای استفاده از خدمات آموزشی دانشگاه، هزینه‌های مربوط را بپردازد و با این کیفیت، دانشگاه پذیرفته که جز آنچه به‌عنوان شهریه از دانشجو می‌گیرد، حقی بر دانشجو و نیز یافته‌های تحصیلی او ندارد؛ مضافاً این که این توافق بنایی نیز بین دانشگاه و دانشجو وجود دارد که دانشجو پس از فراغت از تحصیل، دیگر رابطه‌ای با دانشگاه نخواهد داشت و هنگام پرداخت آخرین مبالغ مربوط به شهریه، زمان تصفیه حساب کلی دانشجو با دانشگاه خواهد بود و کلیه مناسبات مالی دانشگاه و دانشجو در همان زمان خاتمه یافته تلقی خواهد شد.

۴-۱-۲. حقوق مادی پایان‌نامه و رساله در فرض دریافت یا عدم دریافت کمک مادی از غیر ممکن است دانشجو در خلال تحصیل در دانشگاه، از غیر کمک مالی بگیرد که چنین کمکی می‌تواند در انواع صورت‌های مادی، از وام گرفته تا استفاده از مکان سکونت و غیره حادث شود. آیا در مورد چنین دانشجویی، کمک‌کننده در حقوق مادی اثر با دانشجو مشاعاً شریک است یا نه؟ آشکار است که اولاً با توجه به این که چنین شخصی هیچ نقشی در ایجاد پایان‌نامه یا رساله نداشته و هیچ بخشی از آن را در کنار دانشجو پدید نیاورده، نباید شریک دانشجو در حقوق مادی ناشی از خلق پایان‌نامه یا

رساله باشد. ثانیاً حسب اصل وحدت مالک، باید بر آن باشیم که هرگونه کمک مالی یا مادی به دانشجو برای تحصیل یا نگارش پایان نامه یا رساله باعث نمی شود که شخصی در حقوق مادی پایان نامه با دانشجو شریک شود؛ مگر آن که کمک کننده به صراحت _ خواه کتباً و خواه شفاهاً - با دانشجو توافق کند که تمام یا بخشی از حقوق مادی اثر از آن او باشد که چنین توافقی، با توجه به اصل صحت معاملات و همچنین با توجه به مفاد ماده ۳۰ قانون مدنی معتبر است.

هرگاه چنین توافقی پس از دفاع دانشجو اتفاق بیفتد، حکم قضیه همان است که در بالا گفته شد، اما پرسش آن است که آیا دانشجویی که هنوز پایان نامه یا رساله خود را تمام نکرده، می تواند حقوقی را که هنوز ایجاد نشده کلاً یا جزئاً به غیر واگذار کند و برای نمونه با مالک یک آپارتمان بگوید: اگر امکان سکونت در این جا را به رایگان یا به نیم بها به من بدهی، من نیز در هنگامی که پایان نامه یا رساله ام دفاع شد، نیمی از حقوق مادی آن را به مدت ۱۰ یا ۲۰ سال به تو می دهم یا تو را در ۵۰ درصد آن شریک می کنم. این موضوع در حقوق در ذیل قاعده «الشیء مال لم یجد لم یوجب» بررسی می شود؛ با این تعبیر که لازم نیست یک ماهیت در عالم حقوق عینیت حقوقی پیدا کند، بلکه همین که اسباب ایجاد آن فراهم باشد، می تواند موضوع عمل یا واقعه حقوقی قرار گیرد؛ چنان که در مورد جنین، پیش از آن که به دنیا بیاید، وصیت امکان پذیر است. در این جا نیز هرچند تا پیش از دفاع، به لحاظ حقوقی و برابر مقررات دانشگاهی، پایان نامه یا رساله ای پدید نیامده و اثری محقق نشده تا مشمول حمایت های قانونی و واجد حقوق مادی و معنوی گردد، اما چون سبب آن که همان پذیرش عنوان پایان نامه یا رساله است واقعیت بیرونی یافته و اوضاع و احوال متعارف نیز دلالت دارد که دانشجو در بازه زمانی معتبر آن را دفاع خواهد کرد، سبب موجد مالکیت فکری و ایجاد اثر محقق است و از این بابت، دانشجو می تواند در باره حقوق مادی ناشی از چنین اثری با غیر توافق کند.

۴-۱-۳. حقوق مادی پایان نامه و رساله با توجه به وجود استاد راهنما، مشاور و داور

۴-۱-۳-۱. در دانشگاه های دولتی (غیر شهریه ای): وضعیت حقوق مادی پایان نامه یا رساله دانشجویی در ارتباط با استاد راهنما، مشاور و داور در دانشگاه دولتی از آن نظر نیاز به بررسی بیش تر دارد که جوهری که اشخاص یاد شده در این دانشگاه ها بابت راهنمایی، مشاوره یا داوری و نظارت بر پایان نامه یا رساله می گیرند، مابازای واقعی و بازاری فعالیتی که ارائه می کنند نیست و هم آنان و هم دانشجو

می‌دانند و بر این امر اقرار دارند که اگر قرار بود دانشجو برای خدماتی که به منظور نهایی شدن پایان‌نامه یا رساله گرفته، وجهی بپردازد، دست کم به میزان شهریه‌های مربوط در دانشگاه‌های غیردولتی (شهریه‌ای) می‌بود؛ اما آیا این واقعیت، به تحقق حق مادی یا معنوی برای اشخاص یاد شده در پایان‌نامه یا رساله خواهد انجامید و محصول نهایی را به یک مال شراکتی یا مشاعی بدل خواهد کرد یا نه؟ «شراکتی» در جایی که بتوان دقیقاً نسبت سهم استقلال هر کدام را بر اجزا یا فصل‌های متعدد پایان‌نامه یا رساله مشخص کرد و «مشاعی» در جایی که این امکان وجود نداشته باشد. بررسی در این باره را با بیان مقدمات زیر انجام خواهیم داد:

الف) اصل رایگان بودن و به تعبیر حقوقی، تبری بودن آموزش در ایران این نتیجه کلی را دارد که متبرع در محصول ناشی از اقدام تبری سهمی نمی‌خواهد و از این رو در آنچه وجه مادی دارد، او خود را ذیحق نمی‌شمرد.

ب) در رابطه بین طرفین یک رابطه حقوقی، اشخاصی که از سوی اصیل وارد در رابطه می‌شوند، نمی‌توانند در حالت ابتدایی، حقوقی بیش از اصیل داشته باشند و چون دانشگاه به عنوان یکی از طرفین اصیل در توافق تحصیل، حقی مادی بر پایان‌نامه یا رساله ندارد، هیچ‌یک از استاد راهنما، مشاور یا داور نیز حقی در این خصوص نخواهند داشت.

پ) قراردادهای خصوصی که برخلاف قانون منعقد می‌شوند، فاقد اعتبارند و قانون در عمل از آن‌ها حمایت نمی‌کند. از این رو، اگر برخلاف آیین‌نامه‌های مربوط به دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری، هریک از استاد راهنما، مشاور یا داور با دانشجو توافق کند که در صورتی به او کمک خواهد کرد که او، آنان را در حقوق مادی سهم کند، چنین توافقی به لحاظ حقوقی مؤثر و معتبر نیست و دست کم در حوزه قانون حمایت قابلیت حمایت ندارد. البته ممکن است گفته شود که در فضای خارج از حقوق مادی ناشی از کپی‌رایت، چنین توافقاتی منشأ اثر هستند، چنان که توافق شود دانشجو بابت راهنمایی، مشاوره یا داوری به اشخاص یاد شده وجهی بپردازد یا خدمتی ارائه کند؛ اما چون این نوع توافقات از اقسام قراردادهای پنهانی (جنبی) و دارایی ناشی از این جوه، از مصادیق دارا شدن غیر عادلانه است، مشروع محسوب نمی‌شود.

اما آنچه گفته شد چگونه با مفاد ماده ۱ قانون حمایت قابل توجیه است که مقرر می‌دارد: «از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند، «پدیدآورنده» و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید

می‌آید، بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود». حسب این ماده، هر که در خلق اثر دخیل است در حقوق مادی و معنوی ناشی از آن نیز سهم است؛ چه بداند و چه نداند و در هر حال، این مشارکت یا به مالکیت شراکتی منجر می‌شود یا به مالکیت مشاعی. به تعبیر دیگر، در حکم مندرج در ماده ۱ قانون حمایت، علم و جهل اخذ نشده است. از این رو، هریک از استاد راهنما، استاد مشاور، چه بداند و چه نداند، هنگامی که پایان‌نامه یا رساله، «از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید»، به میزان تأثیری که در ایجاد اثر دارد، در حقوق سهامند و چون ایجاد حق هیچ ارتباطی با مطالبه ذیحق و علم او به تحقق آن ندارد، حتی اگر سال‌ها بعد، این اشخاص به حق خود واقف شوند و در مقام مطالبه برآیند، باید حقوقشان به آنان داده شود. نکته اخیر از آن جهت حائز اهمیت است که اگر به این نتیجه برسیم که استاد راهنما، استاد مشاور و یا داور، به نسبتی در حقوق مادی یا معنوی ناشی از پایان‌نامه یا رساله ذیحق هستند، همه اشخاص مذکور از تاریخ تصویب قانون حمایت تاکنون می‌توانند در جایی که پایان‌نامه یا رساله منجر به استیفای منافع مادی شده، مطالبه حق کنند و دادگاه‌ها باید درخواست آنان را بپذیرند.

برای بررسی وضعیتی که ترسیم شد لازم است موارد زیر طرح شود:

۱. در حقوق مدنی و نیز قانون مدنی ایران پذیرفته شده که اراده عنصر کار ساز در هر رابطه و عمل یا واقعه حقوقی است و قاعده «العقود تابعه للقصود» بر این امر تأکید دارد. در واقع، ماهیت حقوقی، نتیجه اراده یا اراده‌هایی است که آن را به وجود آورده‌اند؛ مشروط بر این که قانونگذار همکاری اراده‌ها را در ایجاد چنان توافقی اجازه داده باشد یا اجازه بدهد.

۲. ماده ۲۸۹ قانون مدنی ایران می‌گوید: «ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف‌نظر کند».

۳. در حقوق ایران، اسقاط حق موجب از میان رفتن حق است.

۴. ابراء یا اسقاط یا صریحاً صورت می‌گیرد و یا نتیجه فعل یا ترک فعلی است که در عالم حقوق چنین اثری دارد.

با توجه به این مقدمات، درست است که امکان دارد گفته شود وقتی استاد راهنما، استاد مشاور و یا داور مطلبی را به دانشجو می‌گویند و او از آن در نگارش رساله کلاً یا جزئاً و یا تصریحاً یا تلویحاً استفاده می‌کند، آنان در همین حد در حقوق مادی یا معنوی اثر سهم هستند، اما در حالتی که آنان با

علم به وجود چنین احتمالی، به دانشجو ارائه خدمت می کنند و به رغم آگاهی بر مفاد قانون حمایت، نهایتاً پایان نامه یا رساله دانشجو را بدون قید هرگونه حقی یا سهمی برای خود به نام او امضا می کنند، چه تصریحاً و چه در عمل پذیرفته اند که در پایان نامه یا رساله دانشجو حقی که بتوان در حوزه ماده ۱ از آن گفتگو کرد ندارند و آنچه به دانشجو گفته اند موجب تحقق حق برای آنان نمی شود و به بیان دیگر، حشاشان در ازای آنچه ارائه کرده اند، در حوزه قانون حمایت قابلیت تفسیر و تحقق ندارد، بلکه هرچه بوده حقی مادی در حوزه حقوق قراردادها است؛ آن هم قراردادی که با دانشگاه دارند که در ازای اقدامشان فلان مبلغ بگیرند.

اما این توجیه درخصوص اشخاصی که به وجود ماده ۱ یا به حکم مندرج در آن آگاه نیستند و با وجود این، در ذیل پایان نامه یا رساله را امضا می کنند، قابل ارائه و دفاع نیست؛ چون آنان اراده ای بر ابراء یا اسقاط حق نداشته اند. درخصوص این اشخاص باید گفت چنانچه آنان پس از علم به موضوع، مدعی حقی اعم از مادی یا معنوی شوند، مطالبه آنان با متعارف در جامعه دانشگاهی سازگار نیست و چون با عرف همخوانی ندارد قابل دفاع نیست. این سخن را مفاد ماده ۲۲۵ قانون مدنی ایران تأیید می کند. طبق این ماده: «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد، به منزله ذکر در عقد است». همچنین با توجه به مفاد ماده ۳ قانون مدنی که می گوید: قوانین پانزده روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجرا است...»، باید پذیرفت که پانزده روز پس از تصویب قانون حمایت، هر استاد راهنما، استاد مشاور و یا داوری که رساله ای را راهنمایی یا مشاوره یا داوری کرده یا می کند، از حکم مقرر در ماده یک آن آگاه است و با علم به همین علم مفروض، راهنمایی می دهد یا مشورت و داوری می کند و نمی تواند پس از امضای پایان نامه یا رساله ادعایی برخلاف کند و خود را در حقوق مادی یا معنوی ناشی از نگارش پایان نامه یا رساله سابق یا حال سهم بداند.

۴-۱-۳-۲. در دانشگاه های غیردولتی (شهریه ای): مطالبی که درباره وضعیت حقوق مادی دانشگاه و دانشجو در دانشگاه های غیردولتی گفته شد، در مورد وضعیت بین استاد راهنما، استاد مشاور و داور پایان نامه و رساله نیز صادق است؛ به این معنا که در ارتباط با این سه نفر نیز دانشجو پس از تصفیه حساب با دانشگاه، دیگر هیچ ارتباط مالی ناشی از تحصیل یا نگارش پایان نامه یا رساله نخواهد داشت؛ چرا که آنان اولاً پذیرفته اند که از سوی دانشگاه وارد در امر پایان نامه یا رساله دانشجو شده اند و ثانیاً

در مقابل آنچه انجام داده‌اند، خواه راهنمایی بوده، خواه مشاوره و خواه داوری یا نظارت، تماماً وجه مربوط به آن را دریافت کرده‌اند و در واقع هیچ‌گاه به لحاظ مادی طرف معامله با دانشجو نبوده و نیستند و همان توافقی که بین دانشجو و دانشگاه در باب عدم ادعای هرگونه حق مادی و معنوی وجود دارد، بین اشخاصی که از قبل دانشگاه امری را برعهده می‌گیرند نیز وجود خواهد داشت؛ مگر آن که این اشخاص در توافقی جداگانه با دانشجو درخصوص حقوق مادی یا معنوی ناشی از پایان‌نامه یا رساله قرارداد یا توافقی مستقل داشته باشند که در این صورت، با توجه به متخلفانه بودن این گونه توافقات در فضای دانشگاه و مغایرت آن با آیین‌نامه‌های مربوط، واجد اعتبار نخواهند بود.

۴-۱-۴. حقوق مادی پایان‌نامه و رساله در فرض سرقت یافته علمی

آنچه درباره حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه یا رساله گفته شد، ناظر به جایی است که دانشجو در محدوده تعریف ماده ۱ قانون حمایت، پدیدآور به شمار آید؛ یعنی آنچه نگاشته، نتیجه فکر او باشد؛ اما اگر آنچه در قالب پایان‌نامه یا رساله ارائه گردیده، نتیجه دستبرد باشد که او به یافته علمی دیگران زده و به تعبیری حاصل سرقات ادبی است، آشکار است که چنین اثری اولاً در محدود قانون حمایت «اثر» نیست و ثانیاً برای مالک آن، حقی به وجود نخواهد آورد؛ بلکه حق همان است که قبلاً برای پدیدآور اصلی ایجاد شده و فعل غیرقانونی چنین دانشجویی نمی‌تواند مورد حمایت قانون قرار گرفته، برای او حق قانونی ایجاد کند.

اما در این خصوص پرسش این است که چنین پایان‌نامه یا رساله‌ای برای این دسته از دانشجویان چه چیزی به ارمغان می‌آورد؟ حق یا ضد حق؟ با توجه به آنچه گفته شد، در این وضعیت، ایجاد حق منتفی است و از این رو آنچه ایجاد شده، ضد حق یا همان تکلیف است؛ یعنی چنین دانشجویی باید به فوریت از تعرض به حقوق پدیدآور اصلی دست بردارد و اگر چنین نکند، هر زمان که مجریان قانون از عمل غیرقانونی او آگاه شوند، او را کیفر خواهند داد.

بی‌شک در مورد چنین دانشجویی، آنان که دانسته با او همکاری کرده‌اند یا از سر سهل‌انگاری دقت‌های لازم را به عمل نیاورده‌اند باید معاون بزه ارتكابی به شمار آیند؛ زیرا در این مورد، استاد راهنما، مشاور و یا داور برای همین در کار پایان‌نامه یا رساله به دانشجو مدد می‌رسانند که او نتیجه فکر خود را ارائه کند و در حدود موازین علمی مرتکب تخلف نشود و حال که نتوانسته‌اند چنین کنند و

در اثر سهل‌انگاری آنان چنین تخلفی صورت گرفته، آنان را باید «معاون» این فعل شمرد؛ مگر آن‌که بتوانند ثابت کنند که تمام احتیاط‌های لازم را به کار بسته‌اند و در عین حال، سرقت علمی از سوی دانشجو ارتکاب یافته است. بدیهی است تکیه بر قید عالماً عامداً که در قوانین مربوط، از جمله ماده ۲۳ قانون حمایت آمده نمی‌تواند عذر استاد راهنما، مشاور و یا داوری باشد که در اثر سهل‌انگاری او در ایفای وظایفش، سرقت علمی اتفاق افتاد؛ زیرا آنان از اشخاصی هستند که «باید بدانند» و فرض اولی در مورد این گروه، علم و آگاهی است، مگر خلاف آن را ثابت کنند. توضیح این موضوع ضرورت دارد که اگرچه در تحقق هر بزه و نیز مشارکت یا معاونت در آن، عنصر قصد یا قصد مجرمانه و سوءنیت ضرورت دارد و حسن‌نیت یا ناآگاهی از معاذیر قانونی است و مرتکب را تبرئه می‌کند و در این‌جا نیز استاد راهنما، مشاور و یا داور ممکن است با طرح همین معاذیر، عدم مسئولیت خویش را مطرح کند، اما از آن‌جا که فرض نخستین درباره آنان، علم است، نه جهل، تحقق سرقت ادبی در پایان‌نامه‌ای که آنان راهنمایی کرده یا مشاوره داده یا داوری کرده‌اند، باید اماره سهل‌انگاری و ترک فعل آنان محسوب شود و به همین دلیل باید معاون جرم محسوب گردند.

با توجه به فضایی که در آن چنین سرقت‌هایی اتفاق می‌افتد، تمایزی بین دانشجوی دانشگاه دولتی و غیردولتی وجود ندارد و حکم هر دو در این مورد یکسان است.

۴-۱-۵. حقوق مادی پایان‌نامه و رساله در حالت انتقال حق

چنانچه دانشجو، پیش از تدوین پایان‌نامه یا رساله یا در حین نگارش آن و یا پس از دفاع، حق مادی ناشی از آن را به غیر منتقل کند، این امر در حدود عمومات حقوقی و آنچه در ماده ۱۲ و بعد قانون حمایت آمده، واجد آثار است و منتقل‌الیه مالک حقوق خواهد بود. شخص اخیر، اعم است از دانشگاه متبوع دانشجو و یا هر شخص دیگر که حق مادی به او منتقل شده باشد.

درخصوص دانشجویانی که به تازگی در قالب دوره‌های دکتری پژوهش‌محور وارد دوره دکتری می‌شوند و عموماً از وابستگان اداری یکی از نهادهای دولتی هستند یا خواهند شد و دستگاه یا نهاد دولتی می‌پذیرد که هزینه‌های تحصیل آنان را به دانشگاه متبوع بپردازد و موضوع پایان‌نامه دانشجو نیز از همان آغاز مشخص است و او برای انجام تحقیق بر روی همان موضوع وارد دوره دکتری می‌شود، وضعیت حقوق مادی بر پایان‌نامه یا رساله را باید تابع ماده ۱۳ قانون حمایت (آثار سفارشی) دانست؛

زیرا در این مورد، از همان آغاز دستگاه اولاً تمام هزینه‌های تحصیل دانشجو را می‌پردازد؛ ثانیاً در توافق دانشجو با دستگاه و نیز توافق دانشگاه با دستگاه این امر صریحاً یا تلویحاً مورد توافق و موضوع قصد طرفین است که دانشجو استقلالاً حقی ندارد و آنچه از حقوق مادی خلق می‌شود در دایره مالکیت سفارش‌دهنده محقق می‌شود، نه دانشجو.

۴-۱-۶. حقوق مادی پایان‌نامه و رساله در صورت مرور زمان

فرض قانونگذار ایران آن است که هیچ اثری از ابتدا بدون مالک نیست و با این ترتیب، اگر پدید آوردن اثر موجب تحقق دو حق می‌شود، از همان آغاز این دو نوع حق به پدیدآور تعلق دارد، مگر دیگری بتواند خلاف آن را ثابت کند. اما در نگاه قانونگذار، حق مادی - برخلاف حق معنوی - استمرار زمانی پایدار ندارد، بلکه با گذشت زمان حقوق مادی بر «اثر» از بین می‌رود. این اتفاق یا ناشی از توافقی است که صاحب اثر با غیر برای انتقال حق مادی به طور کلی یا جزئی صورت می‌دهد؛ یا به خاطر آن است که پدیدآور حق مادی خود را صریحاً یا ضمناً اسقاط می‌کند و یا از آن چشم‌پوشد. علت دیگر از میان رفتن حق مادی آن است که حق مادی مشمول مرور زمان شود؛ یعنی همان که در ماده ۱۲ قانون حمایت (اصلاحی ۱۳۸۹/۵/۳۱) با این عبارت بیان شده است: «مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می‌شود، از تاریخ مرگ پدیدآورنده پنجاه سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد، برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد».

تا پیش از اصلاحات سال ۱۳۸۹ مدت مقرر در این ماده ۳۰ سال بود، اما در ۱۳۸۹/۵/۳۱ در جهت حمایت بیش‌تر از پدیدآورندگان و هماهنگی با مقررات جهانی، این مدت به پنجاه سال افزایش یافت. نتیجه حکمی که در این ماده مقرر گردیده آن است که پس از مدت پنجاه سال، پایان‌نامه یا رساله به لحاظ مادی مورد حمایت قانونگذار ایران نیست و هر شخصی می‌تواند با رعایت حق معنوی صاحب اثر (دانشجو) از اثر او استفاده انتفاعی ببرد. تأکید بر رعایت حق معنوی صاحب اثر، حتی پس از گذشت ۵۰ سال برای آن است که عدم ذکر ارجاع به اثر غیر، حتی پس از این مدت همچنان مشمول عنوان سرقت علمی است و مرتکب مشمول مجازات‌های قانونی مقرر در ماده ۲۳ و بعد قانون حمایت

می‌شود. به تعبیر دیگر، گذشت ۵۰ سال فقط حمایت‌هایی را که از حق مادی توسط قانونگذار تعریف شده منتفی می‌کند، نه حمایت‌های دائمی که مربوط به حق معنوی است و نقض حق معنوی تا زمانی که اثر وجود دارد، حتی اگر صاحب اثر نباشد، همواره مورد حمایت است و نقض آن ضمانت‌اجرای کیفری دارد.

۴-۴-۲. حقوق معنوی

با توجه به آنچه درباره حقوق مادی بر پایان‌نامه یا رساله گفته شد، وضعیت حقوقی حقوق معنوی پایان‌نامه یا رساله نیز تا حدودی روشن است. با توجه به مبانی مذکور در باره حقوق مادی بر پایان‌نامه یا رساله، موارد مربوط به حقوق معنوی را می‌توان به ترتیب زیر عنوان کرد:

۱. با توجه به اصل وحدت مالک، اصل آن است که در هر پایان‌نامه یا رساله، حق معنوی فقط یک مالک دارد و او همان کسی است که از پایان‌نامه یا رساله دفاع کرده است.

۲. از آن‌جا که در نگارش پایان‌نامه یا رساله، هیچ‌یک از استاد راهنما یا مشاور یا داور در زمان ارائه خدماتی علمی به دانشجو، اعلام نمی‌کند که قصدش آن است که در ازای خدماتش در حقوق معنوی پایان‌نامه یا رساله شریک دانشجو شود و در وضعیت عدم اعلام، موضع مانحن فیه به حالت متعارف و معمول احاله می‌شود که همانا عدم تحقق حق معنوی برای هر شخصی غیر از دانشجو است، درخصوص پایان‌نامه یا رساله، برای استاد راهنما یا مشاور یا داور، حق معنوی ایجاد نمی‌شود و این حکم کلی در مورد تمام دانشجویان، خواه در دانشگاه‌های دولتی (غیر شهریه‌ای) تحصیل کنند یا غیردولتی (شهریه‌ای) تفاوت نمی‌کند. با توجه به این قاعده کلی، اگر استاد راهنما یا مشاور یا داور ادعا کند و بتواند ادعایش را ثابت کند که او در نگارش پایان‌نامه یا رساله تأثیری ورای متعارف و در حد پدیدآور داشته و از این رو، بخش‌هایی از پایان‌نامه یا رساله، نتیجه فکر یا اندیشه او است، و این امر را اثبات کند، وی با دانشجو در حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه یا رساله شریک خواهد بود و چنین پایان‌نامه یا رساله‌ای، مشمول حکم مقرر در ماده ۶ قانون حمایت (اثر اشتراکی) محسوب می‌شود؛ اما بدیهی است که پایان‌نامه یا رساله مذکور با آنچه در آیین‌نامه‌های تحصیلی دوره کارشناسی ارشد و دکتری بیان گردیده و ارائه و دفاع از آن از دانشجو خواسته شده، مطابق نیست و به‌واقع، آنچه با این کیفیت نگارش یافته، «پایان‌نامه یا رساله» به معنای آموزشی آن نیست و لازم است مردود اعلام شود. چنین نوشته‌ای، یکی از آثار پدید آمده در محدوده قانون حمایت است و مشمول مفاد این قانون

محسوب می‌شود؛ اما چون دیگر پایان‌نامه یا رساله به شمار نمی‌آید، بررسی و وضعیت حقوقی‌اش در حوصله این نوشته نیست. چنین وضعیتی درباره حقوق مادی بر هر پایان‌نامه یا رساله‌ای که نقش استاد راهنما یا مشاور یا داور در آن، به مقام صاحب فکر و اندیشه ارتقا یافته نیز صادق است.

۳. حق معنوی بر پایان‌نامه یا رساله با نگارش آن فقط برای پدیدآور (دانشجو) ایجاد می‌شود و چون حق مادی نیست، مانند همه حقوق معنوی، قابلیت انتقال به غیر ندارد؛ چه قهراً و چه اختیاراً، چه کلاً و چه جزئاً. از این رو، حتی در مورد پایان‌نامه یا رساله‌ای که در دوره‌های دکتری پژوهش‌محور نوشته می‌شود، این حق به دانشجو تعلق دارد.

۴. چون حق معنوی فقط به پدیدآور (دانشجو) تعلق دارد و قابل انتقال به غیر نیست، هر توافقی که با این هدف توسط دانشجو صورت گرفته باشد، باطل و بدون اثر است.

۵. مالکیت بر حق معنوی، مشمول مرور زمان ۳۰ یا ۵۰ ساله نمی‌شود و بعد از درگذشت دانشجو و وراثت او نیز تا ابد برای او محفوظ است و به او تعلق خواهد داشت و هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی‌تواند حق او بر پایان‌نامه یا رساله را تصاحب کند.

فصل پنجم

جمع بندی

۵. فصل پنجم: جمع‌بندی

پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دوره‌های تحصیلات تکمیلی یکی از مهمترین برآوردهای علمی پژوهشی فارغ‌التحصیل‌های این دوره‌ها به شمار می‌آید. هر ساله شمار قابل توجهی از این منابع در دو سطح کارشناسی ارشد و دکتری منتشر می‌شود. اگرچه، ایده اصلی در پایان‌نامه و رساله به طور معمول مربوط به دانشجو است، اما اساتیدی که به عنوان تیم راهنما تعیین می‌شوند نیز می‌توانند در پروراندن و تکمیل ایده، و در نهایت در نگارش اثر نقش داشته باشند. از دیگر سو، دانشگاه‌های گوناگون نیز در حمایت از تکمیل و نگارش این آثار نقش مهمی بر عهده دارند. پیچیدگی این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که روش‌ها و فرایندهای گوناگونی در یک نظام آموزش عالی وجود داشته باشد؛ برای مثال، پذیرش دانشجویان بورسیه، پذیرش دانشجویان دوره‌های روزانه و با حمایت بودجه عمومی، پذیرش دانشجویان شبانه با اخذ شهریه به عنوان بخشی از هزینه‌های تحصیل، پذیرش دانشجویان با شهریه کامل، و غیره. بنابراین، در چنین نظام‌های آموزشی ناهمگونی تعیین اینکه کل (یا چه بخشی از) پایان‌نامه متعلق به چه شخصی است، مسئله دشواری است. با این حال، مسئله اصلی که به نظر می‌رسد هنوز به آن توجه نشده، حقوق مادی و معنوی هر کدام از این افراد یا نهادهایی است که در تدوین و تکمیل یک پایان‌نامه یا رساله نقش دارند. بنابراین، این پژوهش پیرامون بررسی حقوق گوناگون مطرح در این آثار شکل گرفت.

هدف کلی این پژوهش بررسی و مطالعه بنیان‌های قانونی حق مادی و معنوی مالکیت فکری بر پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی در ایران بود. همچنین، این مسئله در کشورهای دیگر نیز مورد بررسی قرار گرفت و اهداف جزئی زیر پیگیری شد:

□ شناسایی وضعیت حقوق مادی و معنوی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایالات متحده و کانادا؛

□ شناسایی وضعیت موجود درباره حقوق پدیدآورنده یا مشارکت‌کنندگان در تدوین و تکمیل پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران؛

□ تعیین راهکارهایی برای تعیین حقوق معنوی افراد و نهادهایی که در نگارش و انتشار یک پایان‌نامه یا رساله نقش دارند؛

□ تعیین راهکارهایی برای تعیین حقوق مادی افراد و نهادهایی که در نگارش و انتشار یک پایان‌نامه یا رساله نقش دارند.

برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش، پژوهشگران اسناد مرتبط با این حوزه را جستجو، بازیابی، مطالعه، و از منظر حقوقی تجزیه و تحلیل و وضعیت را در کشورهای گوناگون مقایسه کردند. در نتیجه می‌توان گفت روش پژوهش در این اثر «مطالعه تطبیقی»^۱ و «تحلیل اسنادی»^۲ بود. مطالعه تطبیقی، که بیشتر در حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی کاربرد دارد، یک پدیده را در بافت‌های گوناگون مورد مقایسه قرار می‌دهد و از طریق این مقایسه به پرسش پژوهش پاسخ می‌دهد. از طرف دیگر، تحلیل اسنادی یک فرایند نظام‌مند است که از طریق آن اسناد مرتبط با یک موضوع - چه چاپی چه الکترونیکی - گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شوند تا پژوهشگر بتواند به پرسش اصلی پژوهش خود پاسخ دهد. این گونه روش شناسی برای سال‌های متمادی است که یکی از راه‌های پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش‌های منتشر شده در مجله‌ها، کتاب‌ها، و سایر منابع پژوهشی به شمار می‌آید. همانند سایر روش‌های مطرح در پژوهش‌های کیفی، در تحلیل اسنادی نیز داده‌های گردآوری شده باید به منظور خاصی تفسیر و تحلیل شوند.

¹ comparative study

² document analysis

جامعه پژوهش شامل قوانین، مقررات، آیین نامه‌ها، و شیوه نامه‌های مرتبط با کپی رایت، به ویژه درباره پایان نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران و کشورهای ایالات متحده و کانادا بود. به منظور پاسخگویی به اهداف پژوهش، اسناد مرتبط از طریق نمونه‌گیری هدفمند گزینش شده و مورد بررسی قرار گرفتند. پس از گام گزینش، این اسناد مطالعه شده‌اند، فیش‌برداری از اسناد انجام شده، و تحلیل حقوقی روی آنها انجام گرفت.

با توجه به آنچه در خصوص مبانی حقوقی حقوق مؤلف، اعم از مادی و معنوی گفته شد، و نیز به رغم التفات به این نکته که در برخی از مواقع ممکن است آنچه استاد راهنما، مشاور یا داور در خلال یک پایان نامه یا رساله به دانشجو می‌گوید، موجب تغییرات عمده و درخور توجه در نگاه دانشجو به مفهوم و ماهیت موضوع تحت بررسی و مآلاً تأثیر در یافته‌های پژوهش و نتایج شود، چه در مقررات کشورهای مورد مطالعه و چه در متون قانونی ایرانی، اعم از قانون حمایت و یا مقررات دانشگاهی، هیچ‌گاه این دخالت و تأثیرگذاری موجب سهم شدن «غیر» (استاد راهنما، مشاور یا دارو) در حقوق مادی یا معنوی ناشی از پایان نامه یا رساله دانشجویی محسوب نشده است و همواره شخص دانشجو، مالک «اثر» و حقوق ناشی از آن - به تعبیر قانون حمایت - به شمار آمده است. آنچه گفته شد، در مورد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های دولتی (غیر شهریه‌ای) و غیردولتی (شهریه‌ای) صادق است. با این حال، هرگاه ورود دانشجو به دوره‌های تحصیلات تکمیلی - آن‌چنان که درباره دوره‌های دکتری پژوهش محور در ایران مشاهده می‌شود - ناشی از ارائه تسهیلات خاص و ویژه آموزشی و مالی به دانشجو باشد، به گونه‌ای که دانشجو در واقع امر، عهده‌دار خلق یک اثر سفارشی به مفهوم ماده ۶ قانون حمایت به شما رود، باید گفت که در این مورد، حقوق مادی بر اثر نهایی که همان پایان نامه یا رساله است به دستگاه یا نهاد متولی امور مالی یا پیشنهاددهنده تعلق دارد؛ اما با توجه به اصل تبعیت حقوق معنوی از مؤلف (پدیدآور)، حق معنوی چنین اثری به دانشجو تعلق خواهد داشت، دانشگاه معرفی کننده. نتیجه آن که در فضای حقوق داخلی، اصل بر تعلق حق مادی و معنوی پایان نامه یا رساله به دانشجو است، مگر خلاف آن اثبات شود.

بر پایه یافته‌هایی که این پژوهش به آنها رسیده است به نظر می‌رسد می‌توان راهکارها و پیشنهادها را برای ساماندهی بیشتر تعیین حقوق مادی و معنوی افراد و نهادهایی درگیر در نگارش و

انتشار یک پایان نامه یا رساله در دو دسته طرح کرد: راهکارهای آیین نامه‌ای و راهکارهای نرم افزاری. به نظر می‌رسد پیگیری این دو راهکار در کنار هم می‌تواند در این زمینه نویدبخش باشد.

در بخش راهکارهای آیین نامه‌ای باید گفت دانشگاه‌های ایرانی باید تمام جزئیات حقوقی پایان نامه‌ها و رساله‌ها را به صورت آیین نامه‌هایی به دانشجویان، اساتید، مؤسسه‌های پشتیبان و غیره اعلام دارند. تجربه مؤسسه‌های خارجی نشان می‌دهد حل و فصل تمامی حقوق مرتبط با نگارش یک اثر - به ویژه آثاری که اطراف درگیر در تهیه آنها کم نیستند - از طریق آیین نامه‌ها و راهنماهای مناسب تا حد زیادی کارساز است. چیزی که در مؤسسه‌های داخلی به ندرت می‌توان آن را مشاهده کرد. بنابراین، به واسطه چنین آیین نامه‌هایی، مؤسسه‌ها، اساتید، دانشجویان، مؤسسه‌های پشتیبان، دانشگاه‌ها، و تمامی طرف‌هایی که در انجام و نگارش یک پژوهش نقش دارند حق و حقوق خود را می‌توانند از طریق این آیین نامه‌ها جویا شوند و از همان آغاز با این مسائل آشنا شوند. چنین آیین نامه‌ای می‌تواند به مرور زمان تکمیل و اصلاح شود.

افزون بر تهیه این آیین نامه‌ها، مؤسسه‌ها باید بکوشند تا به شکل درستی این حقوق را به آگاهی افراد برسانند. بسیاری از دانشجویان، اساتید، و پژوهشگران دید دقیقی نسبت به مالکیت فکری و حقوق ناشی از آثار ندارند و همین امر می‌تواند موجب بروز مسائلی برای مؤسسه‌ها در این زمینه شود. اگر مؤسسه‌ها به درستی حقوق مالکیت فکری را برای اعضا و دانشجویان خود تبیین کنند احتمالاً دامنه چنین مسائلی محدودتر خواهد شد و امکان بهتری برای مدیریت این حقوق در مؤسسه‌ها به وجود خواهد آمد. در این آیین نامه‌ها جزئیات حقوقی آثار، در حالت‌های گوناگون برای دانشجویان، اساتید و مؤسسه‌ها مشخص خواهد شد و آنها با دید بازتری به انجام و مشارکت در انجام پایان نامه‌ها خواهند پرداخت.

برای مثال، چه زمانی مؤسسه می‌تواند ادعای مالکیت مادی پایان نامه را طرح کند؟ زمانی که دانشجو از امکانات آن استفاده کند؟ زمانی که دانشجو از کمک‌های مالی مؤسسه استفاده کرده باشد؟ یا زمانی که تجهیزات خاصی مخصوص دانشجو توسط مؤسسه خریداری شده باشد؟ بنابراین، در تمامی این حالات نقش و حق هر کدام از طرف‌های درگیر در نگارش پایان نامه مشخص خواهد شد و از همان آغاز همه چیز شفاف خواهد بود.

راهکار دیگر استفاده از زیرساخت های نرم افزاری است، یعنی به کارگیری نرم افزاری برای مدیریت فرایند انجام پژوهش ها و نگارش آثار. از مسائلی که در تعیین حقوق اطراف درگیر در انجام و نگارش یک پژوهش توجه به نقش و میزان اثری است که آنها در پژوهش داشته اند. اما از کجا باید دانست نقش و اثر هر کدام - دانشجو، استاد راهنما، استاد مشاور، یا افراد دیگر - در تکمیل یک پژوهش چه مقدار بوده است؟ بدون شک در این زمینه ما به یک ابزار کمی نیاز خواهیم داشت که بتواند چنین آثاری را مدیریت کند. به کارگیری نرم افزاری که بتواند در تمام مراحل نقش هر کدام از اطراف را ثبت و ضبط کند ما را یک گام به سوی آگاهی بهتر از نقش کسان / مؤسسه هایی که در نگارش یک پایان نامه درگیر بوده اند نزدیک تر کند. این نرم افزارها باید به گونه ای طراحی شوند که فرایند انجام یک پایان نامه یا رساله را از آغاز تا پایان مدیریت کنند. بنابراین، به این شیوه می توان هم حقوق مادی و هم حقوق معنوی را مدیریت کرد.

در بیشتر مؤسسه های خارجی نرم افزاری این چنین برای مدیریت نگارش پایان نامه، از آغاز تا پایان، طراحی و به کار گرفته شده است. این نرم افزارها — مانند نرم افزارهای مدیریت ارسال، داوری، پیگیری، و انتشار مقاله ها — می توانند جزئیات تغییرات در هر مرحله از فرایند انجام پایان نامه را ثبت و ضبط کنند. بنابراین، این که دانشجو چه زمانی پیشنهاد را به استاد راهنما ارائه کرده است؟ نظر استاد راهنما و مشاور چه بوده و آنها چه تغییراتی روی پیشنهاد اعلام کرده اند؟ شورای راهبری پایان نامه به چه شکل این پیشنهاد را اصلاح کرده است؟ و این که تمامی این کارها در چه زمان هایی انجام شده اند، همه در این نرم افزار ثبت خواهد شد و بعدها - در صورت بروز هر گونه شکایتی - می توان این جزئیات را مورد استناد قرار داد.

چنین زیرساخت هایی، در یک تصویر بزرگ تر، حتی می توانند با سامانه هایی که برای مدیریت مدارک طراحی شده اند — مانند سمات ملی یا پایگاه های پایان نامه ها و رساله های الکترونیکی ملی - ارتباط برقرار کنند و بتوانند از آنها داده بگیرند و به آنها داده بدهند. حتی می تواند نرم افزارهای تشخیص دستبرد علمی در این نرم افزارها تعبیه کرد و از بروز چنین بدرفتاری هایی جلوگیری کرد - که ممکن است بسیاری از آنها به دلیل ناآگاهی رخ داده باشند.

با به کارگیری این دو راهکار می توان به گام به مدیریت بهتر و کارآمدتر حقوق مالکیت فکری در پایان نامه ها و رساله های دانشجویی نزدیک تر شد. اگرچه شاید نمی توان انتظار داشت حقوق

مالکیت فکری در این زمینه به طور کامل حل می شود، اما می توان انتظار داشت که این زمینه
روشن تر خواهد شد.

۶. فهرست منابع

حری، عباس. آیین نگارش علمی. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۸۵.
لایقی، غلامرضا. کپی‌رایت در کشورهای پیشرفته صنعتی. تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۱.
حری، عباس، نشاط، نرگس، و افشار، ابراهیم. دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی. جلد دوم. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.
رسولی، بهروز، حمیدرضا مختاری اسکی، مجید نبوی، مرتضی نبی‌مبیدی، مریم نظری و سیروس علیدوستی. بررسی عوامل موثر بر کسب و کار سایه‌نویسی در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی در ایران. تهران: پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، ۱۳۹۴.

Abrizah, A. "The cautious faculty: their awareness and attitudes towards institutional repositories." *Malaysian Journal of Library & Information Science* 14, no. 2 (2009): 17-37.
Aldrich, Richard. *Public or private education?: lessons from history*. Psychology Press, 2004.
Andrew, Theo. *Intellectual property and electronic theses*. UK: Joint Information Systems Committee (JISC), 2004.
Ardito, Stephanie. "Moral rights for authors and artists: in light of the Tasini ruling, is the next step to advocate for legislation?." *Information Today* 19, no. 1 (2002): 17-19.
Babbie, Earl. 2013. *The practice of social research*: Cengage Learning.
Berkman Center for Internet and Society. *Copyright for librarians: the essential handbook*. The Netherlands: EIFL, 2012.
Bird, Robert C., and Lucille M. Ponte. "Protecting Moral Rights in the United States and the United Kingdom: Challenges and Opportunities Under the UK's New Performances Regulations." *BU Int'l LJ* 24 (2006): 213.

- Bird, Robert C., and Lucille M. Ponte. "Protecting Moral Rights in the United States and the United Kingdom: Challenges and Opportunities Under the UK's New Performances Regulations." *BU Int'l LJ* 24 (2006): 213.
- Bornet, Vaughn D. "Microfilm publication of doctoral dissertations." *Bulletin of the American Association of University Professors* 39, no. 3 (1953): 501-513.
- Bryant, Miles Taft. *The portable dissertation advisor*. Corwin Press, 2004, pp. 9–11.
- Bryman, Alan, and Emma Bell. 2007. *Business Research Methods*: Oxford University Press.
- Carleton University. Graduate Supervision: Responsibilities & Expectations Policy. 2016, accessed 20 April, 2015 <http://gradstudents.carleton.ca/thesisrequirements/graduatesupervisionresponsibilitiesexpectationspolicy/>
- Coiller, David. "The Comparative Method." In Finifter, Ada W., ed. *Political Science: The State of the Discipline II*. Washington, D.C.: American Political Science Association, 1993.
- Cornish, Graham P. *Copyright: Interpreting the Law for Libraries, Archives and Information Services*. Facet, 2004.
- Creswell, John W. 2009. *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. 3 ed: SAGE Publications, Incorporated.
- Crews, Kenneth D. "Copyright and your dissertation or thesis: Ownership, fair use, and your rights and responsibilities." *ProQuest LLC*. (2013). Retrieved September 01, 2015 from http://media2.proquest.com/documents/copyright_dissthesis_ownership.pdf
- Deazley, Ronan, Martin Kretschmer, and Lionel Bently. *Privilege and property: Essays on the history of copyright*. Open Book Publishers, 2010.
- Deazley, Ronan. *On the origin of the right to copy: Charting the movement of copyright law in eighteenth century Britain (1695-1775)*. Bloomsbury Publishing, 2004.
- Deazley, Ronan. *Rethinking copyright: history, theory, language*. Edward Elgar Publishing, 2006.
- Derclaye, Estelle, ed. *Research handbook on the future of EU copyright*. Edward Elgar Publishing, 2009.
- Douwe Breimer, Jos Damen et al. *Hora est! (On dissertations)*. Leiden University Library, 2005
- Duke University. *Guide for the Electronic Submission of Thesis and Dissertation*. North Carolina: Duke University, 2015. Retrieved at October 29, 2015 from <https://gradschool.duke.edu/sites/default/files/documents/ElectronicThesisDissGuide.pdf>
- Fisher, W. W. . Copyright. In *Encyclopedia Britannica* (2015). Retrieved at November 23, 2015 from <http://www.britannica.com/topic/copyright>
- Flick, Uwe. *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. London: Sage, 2014.
- Gadd, Elizabeth, Charles Oppenheim, and Steve Proberts. "RoMEO Studies 1: The impact of copyright ownership on academic author self-archiving." *Journal of documentation* 59, no. 3 (2003): 243-277.
- Gasaway, Laura N. "Copyright Basics: From Earliest Times to the Digital Age." *Wake Forest Intell. Prop. LJ* 10 (2009): 241.
- Gingrich, Andre. 'Comparative methods in sociocultural anthropology today', in Richard Fardon et al. (eds), *Handbook of Social Anthropology*, vol. 2. London: Sage, 2012: pp. 211–22.
- GL'99 Conference Program. *Fourth International Conference on Grey Literature: New Frontiers in Grey Literature*. GreyNet, Grey Literature Network Service. Washington D.C. USA, 4-5 October 1999.
- Hansmann, Henry, and Marina Santilli. "Authors' and artists' moral rights: A comparative legal and economic analysis." *The Journal of Legal Studies* 26, no. 1 (1997): 95-143.
- Harris, Lesley Ellen. "Moral Rights in Works of Visual Art in the U.S." www.copyrightlaws.com (2011), accessed June 01, 2016,

- <http://www.copyrightlaws.com/wp-content/uploads/2010/01/Moral-rights-in-the-US.pdf>
- Holderness, Mike. "Moral rights and authors' rights: The keys to the Information Age." *Journal of Information, Law and Technology* 1 (1998).
- Johnson, Burke, and Larry Christensen. 2014. *Educational research: Quantitative, qualitative, and mixed approaches*. Fifth Edition ed: SAGE Publications.
- Jones, Richard, and Theo Andrew. "Open access, open source and e-theses: the development of the Edinburgh Research Archive." *Program* 39, no. 3 (2005): 198-212.
- Kearney, Margaret H. "Who owns a dissertation, and why does it matter?." *Research in nursing & health* 37, no. 4 (2014): 261-264.
- May, Tim. *Social Research: Issues, Methods and Process*, 2nd edition. Buckingham: Open University Press, 1997.
- McSherry, Corynne. *Who owns academic work?: battling for control of intellectual property*. Harvard University Press, 2001.
- Mohammed, Emir Aly Crowne. "Moral rights and mortal rights in Canada." *Journal of Intellectual Property Law & Practice* 4, no. 4 (2009): 261-266.
- Mok, Ka-Ho. *Education reform and education policy in East Asia*. Routledge, 2006.
- Mwiria, Kilemi, Njuguna Ng'ethe, Charles Ngome, Douglas Ouma-Odero, Violet Wawire, and Daniel Wesonga. *Public and private universities in Kenya: new challenges, issues and achievements*. Partnership for Higher Education in Africa, 2007.
- Office Of Scholarly Communication. *Open Access Dissertations & Theses*. University Of California, 2015. Retrieved at October 29, 2015 from <http://osc.universityofcalifornia.edu/scholarly-publishing/open-access/dissertations-theses/>
- Patterson, Lyman Ray. *Copyright in historical perspective*. Vanderbilt University Press, 1968.
- Pickton, Margaret, and Cliff McKnight. "Research students and the Loughborough institutional repository." *Journal of librarianship and information science* 38, no. 4 (2006): 203-219.
- Pila, Justine. "Who Owns the Intellectual Property Rights in Academic Work?." *European Intellectual Property Review* 2010 (2010): 609-613.
- Porter, Alan L., and William H. Read. *The information revolution: Current and future consequences*. Greenwood Publishing Group, 1998.
- Rahmatian, Andreas. "Make the butterflies fly in formation? Management of copyright created by academics in UK universities." *Legal Studies* 34, no. 4 (2014): 709-735.
- Rapley, Tim. *Doing Conversation, Discourse and Document Analysis*. London: Sage, 2007.
- Rasuli, Behrooz, Mehdi Alipour-Hafezi, and Sam Solaimani. "Understanding Electronic Theses and Dissertations through a Business Model Perspective: The Case of Irandoc ETDs." *ETD 2015: 18th International Symposium on Electronic Theses and Dissertations*, New Delhi, Indi, 2015: 342-350.
- Rhodes, Catherine, John Harris, Sarah Chan, and John Sulston. "The 'ownership' of science." *Prometheus* 29, no. 3 (2011): 325-336.
- Rigamonti, Cyrill P. "Deconstructing Moral Rights". *Harvard International Law Journal* 47, no. 2 (2006): 353-412.
- Rigamonti, Cyrill P. "Deconstructing moral rights." *Harv. Int'l LJ* 47 (2006): 353.
- Schwabach, Aaron. *Intellectual Property: a Reference Handbook*. Abc-clio, 2007.
- Soete, G. J. *Electronic Theses and Dissertations. Transforming Libraries*. Washington, DC.: Association of Research Libraries, 1998.
- Stanford University. *Stanford University Copyright Policy: Relationships Between Students (Including Postdoctoral Scholars) and Outside Entities*. Stanford University, 2016. Retrieved at 10 April, 2016 from <https://doresearch.stanford.edu/policies/research-policy-handbook/non-faculty-research-appointments/relationships-between-students#anchor-1069>

- Strauss, Claudia and Quinn, Naomi. *A Cognitive Theory of Cultural Meaning*. Cambridge: Cambridge University Press, 1997.
- Taliashvili, George. *Copyright Works*. GRIN Verlag GmbH, 2008.
- Tarlock, A. Dan. "Who Owns Science." *Penn St. Envtl. L. Rev.* 10 (2001): 135.
- Thomas, Gary. *How to do your research project: a guide for students in education and social sci-ences*. Sage, 2009.
- Tomkowicz, Robert. *Intellectual Property Overlaps: Theory, Strategies, and Solutions*. Routledge, 2013.
- University Copyright Office. *Copyright & Your Thesis*. University of Melbourne, 2013. Retrieved at October 29, 2015 from <http://www.unimelb.edu.au/copyright/information/guides/thesesblue.pdf>
- University of Michigan Library. Graduate Student's Guide to Publishing: Author's Rights. *University of Michigan* (2016), accessed June 01, 2016, <http://guides.lib.umich.edu/c.php?g=283130&p=1886288>
- Vijayakumar, J. K., T. A. V. Murthy, and M. T. M. Khan. "Indian academia on copyright and IPR issues of Electronic Theses and Dissertations." *International CALIBER-2005*, Kochi, 2-4, February 2005. Ahmedabad: INFLIBNET Centre (2005), pp 697-704
- Weijers, Olga. "The medieval disputatio." *Traditions of controversy*. Leiden University Library, 2005: 23-27.
- Wilson, Geoffrey. "Comparative Legal Scholarship." In McConville, Mike, and Wing Hong Chui (ed.). *Research Methods for Law*. Edinburgh University Press, 2007: pp. 87-103.
- World Intellectual Property Organization. *WIPO Intellectual Property Handbook: Policy, Law and Use*. No. 489. World Intellectual Property Organization, 2004.

Abstract

Theses and dissertations are the main output of graduate students in universities and research institutions. Although the core idea in the theses or dissertations belongs to students, guidance team and institutions can have important role in completing these ideas and publishing theses or dissertations. But there still is the problem which is remained unaddressed, who owns economic and moral rights of these publications, students, guidance team, or even relative institutions? Current study is aiming to investigate mentioned problem through a legal approach. As intellectual property right is an important infrastructure for collecting, organizing, and disseminating theses and dissertations, establishing this study looks inevitable. The main objective of this research is to comparative investigating legal basics of economic and moral rights in students' theses and dissertations in Iran and some developed countries (the USA and Canada). Qualitative approach is selected to answer research questions, so that researchers are trying to adopt document analysis methodology for obtaining defined objective. Since writing theses and dissertations is essential for completing a postgraduate degree in the most of educational systems, research population including laws, rules, and regulations related to copyright, in particular those concerning theses and dissertations in Iran, the USA, and Canada. This research is directly connecting to individuals and institutions which have an important role in establishing, completing, and using theses and dissertations. Also, this study is vital for commercial publishing theses and dissertations and clarifying economic and moral rights in these publications. Keywords: Theses and Dissertations, Intellectual Property Rights, Economic and Moral Rights, Higher Education, Postgraduate Degrees, Iran, The USA, Canada.



Iranian Research Institute for Information and Technology
(IrandoC)

Research Project

**Study on Economic and Moral Rights of Copyright
of Students' Theses and Dissertations in Iran**

By:

Safar Beigzadeh, Ph.D

Collaborator:

Behrooz Rasuli

Autumn 2016